

# انعکاس

## پرونده ویژه

نشریه انعکاس، بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ویژه‌نامه نقد و بررسی توافقنامه ژنو  
قیمت: ۱۰۰۰ تومان

### دکتر سعید زیباکلام

# نقد و بررسی

# توافقنامه ژنو



شناسنامه:

نشریه دانشجویی انعکاس  
ویژه‌نامه تحلیل و بررسی توافق ژنو

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی امیرکبیر

مدیر مسئول: محمد کریمیان

سردبیر: جواد رضائی‌پور

<http://basij.aut.ac.ir/>

[basij@aut.ac.ir](mailto:basij@aut.ac.ir)

نشانی دفتر: تهران، خیابان حافظ، انتهای خیابان سمیه،  
دانشگاه صنعتی امیرکبیر تهران، دفتر مرکزی بسیج دانشجویی  
تلفن: ۰۶۷-۶۶۴۹۹-۰۲۱)



## به نام خدا

محتوایی که در دست شماست، برگرفته از متن پیاده شده برنامه نقد و بررسی تفصیلی متن توافقنامه ژنو می باشد که در تاریخ ۹۲/۱۲/۱۳ با حضور گسترده دانشجویان در دانشگاه صنعتی امیرکبیر برگزار شد. سخنران این برنامه، دکتر سعید زیباکلام، از اساتید گروه فلسفه دانشگاه تهران و از صاحب نظران عرصه بین الملل می باشند؛ متن سخنرانی پس از پیاده سازی توسط ایشان مورد بازبینی قرار گرفته است. چه نیک است که پس از مطالعه، جهت آگاهی و شفافیت بیشتر، آن را در اختیار دیگران قرار دهیم.

با تشکر و احترام

بسیج دانشجویی

دانشگاه صنعتی امیرکبیر تهران



## فهرست مطالب:

۵	.....	مقدمه	
۶	.....	طرح سؤالات	
۸	.....	بررسی توافقنامه	
۸	.....	«حفظ ساختار» یا «عقب‌گرد» فعالیت‌های هسته‌ای ایران	
۱۲	.....	رصدهای گسترده‌شده یا دسترسی بی‌کران اطلاعاتی	
۲۰	.....	ترک برداشتن یا فروپاشی ساختمان تحریم‌ها	
۴۷	.....	پرسش و پاسخ کتبی	
۶۵	.....	پرسش و پاسخ شفاهی	
۸۳	.....	ضمیمه ۱: متن انگلیسی توافق ژنو	
		<b>Joint Plan of Action</b> .....	<b>83</b>
		Preamble .....	83
		Elements of a first step .....	84
		Elements of the final step of a comprehensive solution.....	86
		Footnotes .....	87

## مقدمه

زمان جلسه: ۱۳ اسفند ۱۳۹۲ مدت جلسه: ۳ ساعت و ۴۵ دقیقه

مکان جلسه: مجموعه تالارهای دانشگاه صنعتی امیرکبیر تهران

بسم ا... و با... و فی سبیل ا... و علی ملة رسول ا...<sup>۱</sup>

«باور کنید من آدم دروغگوئی نیستم!»<sup>۱</sup>

ضمن عرض سلام خدمت حضار محترم، دانشجویان و دانش‌پژوهان ارجمند دانشگاه صنعتی امیرکبیر، چون کار مفصل و طولانی در پیش داریم، وقت را صرف مقدمات و حواشی نمی‌کنیم و مستقیم سراغ توافقنامه ژنو می‌رویم. اگر دوستان محبت کنند و با لپ‌تاپ اصل متن انگلیسی توافقنامه را نشان دهند، شروع می‌کنیم.

در این تحلیل می‌خواهیم تلاش کنیم زمینه‌ای فراهم شود تا بتوانیم در پاره‌ای از سؤال‌هایی که هم‌اکنون ارائه می‌کنم، قدری بیشتر تأمل کنیم و این سؤال‌ها را قدری عالمانه‌تر و بدون جوسازی‌های رسانه‌ای - امنیتی - اطلاعاتی پاسخ دهیم.

قبل از این‌که کارم را شروع کنم، لازم است از شورای فرهنگی دانشگاه امیرکبیر تشکر کنم. بعد از چندین هفته، ساعت ۱۱/۵ امروز - همین روز برگزاری جلسه - مجوز دادند. این طور که از قرائن برمی‌آید شورای فرهنگی دانشگاه هیچ رغبتی به برگزاری جلساتی در نقد توافقنامه ژنو ندارد. به نظر من، این همساز با سیاست‌های بسیار دیگر است که دارد صورت می‌گیرد؛ جای تعجب نیست. همین مقدار را هم خیلی باید ممنون و سپاس‌گذار باشیم که شورای فرهنگی دانشگاه بالاخره این اجازه را بعد از چند ماه صادر کردند. اولین بار به نظرم در آذر ماه بود که برنامه در آخرین لحظه لغو شد. خوب عیبی ندارد؛ بالاخره احتمالاً بی‌سوادى قابل توجهی را متفطن شدند، آن هم بی‌سوادانى که مواجب هم می‌گیرند! اگر برآستی قضاوتشان این باشد بنده به آن احترام می‌گذارم؛ اما تردید بسیار دارم.

---

<sup>۱</sup> قولی از دکتر محمد جواد ظریف

## طرح سؤالات

اما سؤالاتی که می‌خواهیم با مرور بند بند توافقنامه به پاسخ آن‌ها برسیم:

۱. آیا به‌راستی، بدان‌گونه که آقای رئیس‌جمهور می‌گویند، «در نتیجه این ابتکار ... قدرت‌های بزرگ به این نتیجه رسیدند که تحریم و فشار، راه به جایی نخواهد برد و ... راهی جز احترام متقابل و مذاکره عزتمندانه وجود ندارد»؟

۲. همچنین، همان‌طور که آقای رئیس‌جمهور می‌گویند، آیا به‌راستی «فرزندان انقلابی ... توانستند حقانیت ملت ایران در فعالیت‌های هسته‌ای را در صحنه بین‌المللی اثبات کنند»؟

۳. نیز، آیا به‌راستی، آن‌طور که آقای رئیس‌جمهور می‌گویند، «همه اصول و خطوط قرمز نظام» در این مذاکرات رعایت شده است؟

۴. آیا اینک با این توافقنامه «حقوق هسته‌ای و حق غنی‌سازی ملت ایران مورد اذعان قدرت‌های جهانی - که سال‌ها سعی بر انکار آن داشتند - قرار گرفته است»؟

۵. آیا، آن‌طور که آقای رئیس‌جمهور، آقای حاج شیخ حسن روحانی می‌گوید، «دستاوردهای قطعی این توافق اولیه، به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته‌ای ایران است»؟

۶. نیز، موافق مدعای وزیر امور خارجه، آقای دکتر ظریف، آیا «بر اساس این توافق ساختار برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به طور کامل

حفظ می‌شود»؟

۷. موافق مدعای دکتر ظریف، آیا «تحریم نفتی ایران متوقف می‌شود و ... درآمدهای نفتی آزاد خواهد شد»؟

۸. به راستی چرا از ابتدای این مذاکرات، وزیر خارجه ایران همواره بر محرمانه ماندن آن اصرار و تأکید ویژه‌ای داشته است؟

۹. به راستی جریان مذاکرات از چه کسانی محرمانه ماند؟ از آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، یا اسرائیلی‌ها؟ یا فقط از ملت ایران؟

۱۰. چرا هیچ‌یک از طرف‌های مذاکراتی ما و به‌ویژه اروپا-آمریکاییان اصرار یا تأکیدی بر محرمانه ماندن مذاکرات نداشته‌اند؟

۱۱. آیا سند منتشرشده توسط وزارت خارجه ایران، تنها سند موافقت‌شده است؟ آیا این‌گونه است؟

۱۲. آیا به راستی، آن‌گونه که آقای رئیس‌جمهور می‌گویند، سازمان تحریم‌ها «ترک برداشته است»؟

۱۳. و افزون بر «ترک برداشتن»، آیا آن‌گونه که دکتر ظریف می‌گوید، «در حال حاضر، ساختمان تحریم‌ها و فضای ایجاد شده فرو ریخته است»؟



## بررسی توافقنامه

همان طور که ملاحظه می‌کنید، توافقنامه شامل یک دیباچه است و بعد اقدامات داوطلبانه ایران در بخش دوم آمده و بخش سوم عمدتاً عبارت است از اقدامات داوطلبانه آمریکا و اروپائیان است. بخش چهارم اجزاء یک راه حل جامع است که گام نهائی را در بر می‌گیرد. این گام دارای ۷ بند راهبردی است که من امروز فقط به بررسی دو فقره آن‌ها می‌رسم. اگر توفیقی باشد، در زمان‌های دیگر بحثی هم درباره آن خواهیم داشت.

به قدری این توافقنامه دارای نکات مینیاتوری و ظریف است و به قدری آمریکائی‌ها و اروپائی‌ها مدبرانه کار کرده‌اند، انسان بی‌اختیار متمایل می‌شود به آن‌ها تبریک و تهنیت بگوید و در دل تحسین‌شان کند.

خوب عجالتاً از دیباچه عبور می‌کنیم، چون بعداً در مسئله حق غنی‌سازی به آن خواهیم پرداخت: حق غنی‌سازی و ماجرای قطع‌نامه‌های شورای امنیت. این‌جا دوستان ملاحظه کنند، این ترجمه طابق النعل بالنعل است و قدری با ترجمه وزارت خارجه - ترجمه مخدوش - فرق دارد. ان شاء ... اشتباه شده است، سهواً بوده و عمدی در کار نبوده! امیدوارم این طور باشد.

### «حفظ ساختار» یا «عقب‌گرد» فعالیت‌های هسته‌ای ایران

۱- «از اورانیوم غنی شده ۲۰٪ موجود، نیمی به صورت ذخیره ۲۰٪ اکسید اورانیوم برای تولید سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران حفظ شود. مابقی ۲۰٪ اورانیوم غنی‌شده باید به اورانیوم تا غنای ۵٪ رقیق شود. هیچ خط تولید بازتبدیلی نباید وجود داشته باشد».

دقت کنید همین بند یک جمله ساده و بسیار مهمی دارد: «هیچ خط تولید بازتبدیلی نباید وجود داشته باشد».

۲. «ایران اعلام می‌کند که ظرف ۶ ماه مورد نظر، اورانیوم بالاتر از ۵٪ غنی‌سازی

نخواهد کرد».

۳. «ایران اعلام می‌کند که هیچ‌گونه پیشرفت‌های اضافی در فعالیت‌های خود در تأسیسات غنی‌سازی سوخت نطنز، فردو، و رآکتور اراک نخواهد داشت».

هر کدام از این سه سایت نطنز، فردو و اراک، یک پاورقی دارند، و همان طور که بعداً خواهیم دید این پاورقی‌ها بسیار بسیار مهم‌اند، گاهی از خود متن و بند مربوطه مهم‌تر و درازآهنگ‌تر و ژرف‌تر به لحاظ تأثیرگذاری. این مطلب را که راجع به پاورقی‌ها گفتیم در خاطرتان باشد تا نمونه‌ها و مصادیقش را در ادامه ذکر کنیم.

اما پاورقی نطنز، خیلی ساده است:

۱. «ایران هگزا فلورید اورانیوم به سانتریفیوژهای نصب‌شده لیکن فعال‌نشده، تزریق نخواهد کرد».

۲. «ایران سانتریفیوژهای اضافی نصب نخواهد کرد».

۳. «ایران در این ۶ ماه اول سانتریفیوژهای موجود را با سانتریفیوژهایی از همان نوع جایگزین می‌کند».

دربارهٔ «از همان نوع» شاید یک توضیح کوتاهی لازم باشد، و آن این‌که از همان نوع یعنی از نسل‌های بسیار بسیار پیشرفته‌تر بعدی که هموطنان شما زحمت کشیده‌اند و ساخته‌اند و نسل بعدی است و ۶ برابر توان غنی‌سازی دارد، استفاده نشود. همین شما که این‌ها را ساخته‌اید، اما حالا نباید از جریان مذاکرات و توافقات اطلاع داشته باشید. شما یک جورهایی نامحرمید! از همان نوعی که در فردو و نطنز و ... داریم، از همان نوع فقط می‌تواند نصب شود.

در پاورقی ۲ که به تأسیسات فردو مربوط می‌شود قید می‌شود که:

۱. «هیچ غنی‌سازی بیش از ۵٪ در چهار آبشاری که در حال حاضر اورانیوم غنی‌سازی می‌کند، انجام نشود.

۲. ظرفیت غنی‌سازی افزایش داده نشود».

۳. «هگزا فلورید اورانیوم (همان UF6) به دوازده آبشار دیگر تزریق نشود، آبشارهایی

که در حالت غیر عملیاتی باقی خواهند ماند».

۴. «هیچ اتصالاتی میان آبشارها ایجاد نشود».

و بالاخره، مشابه همان‌که در بارهٔ نطنز داشتیم، این‌جا هم تکرار می‌شود که:

۵. «ایران در ظرف این اولین ۶ ماه سانتریفیوژهای موجود را با سانتریفیوژهایی از همان نوع جایگزین خواهد کرد».

در پاورقی ۳، که مربوط به رآکتور آب سنگین اراک است، در ۵ بند جداگانه

آمده است:

«ایران اعلام می‌کند که، با توجه به نگرانی‌های مربوط به ساخت رآکتور اراک،

۱. برای ۶ ماه این رآکتور را راه‌اندازی نکند.

۲. سوخت یا آب سنگین به سایت رآکتور حمل نکند.

۳. سوخت بیشتری را تست نکند.

۴. سوخت بیشتری برای رآکتور تولید نکند.

۵. قطعات باقیماندهٔ رآکتور را نصب نکند».

در مورد این بند آخر شاید یک توضیح کوتاه بی‌فایده نباشد و آن این‌که از وضعیت رآکتور آب سنگین اراک تخمین‌های مختلفی بنده با واسطه یا بی‌واسطه از برخی از مسئولین و مدیران سازمان انرژی اتمی و نیز از سوی برخی از اعضای تیم مذاکره‌کنندهٔ قبلی و جدید دارم و آن این‌که صحبت از چیزی بین ۵ تا ۱۵٪ ابزار و وسائل و ادواتی است که مانده است تا نصب شود. وقتی قطعات رآکتور باقی‌ماندهٔ اراک را نصب نکنند، فی‌الواقع رآکتور تعطیل می‌شود.

این ۵ مورد را یک بار با هم مرور کنیم و از خودمان سؤال کنیم: آیا این اقدامات دلالتی جز تعلیق و تعطیلی هرگونه فعالیت در رآکتور اراک دارد؟ و آیا این اقدامات مقدمه و تمهیدی برای برچیدن کامل رآکتور آب سنگین اراک نیست؟ چنانچه اظهارات بعدی بسیار جدی مقامات عالی‌رتبهٔ آمریکایی و نیز رفتار مقامات عالی‌رتبهٔ ایرانی را به موارد متعهد شدهٔ ایران اضافه کنیم، به نحو روشن و بینی

در خواهیم یافت که این دو سؤال چقدر به جا و درست مطرح شده‌اند. بعداً مواردی را در این تحلیل خواهیم دید که به این دو سؤالی که اکنون طرح شد ارجاع می‌کنند.

۴. «هنگامی که خط تبدیل اورانیوم ۵٪ غنی شده به اکسید اورانیوم آماده شود، ایران تصمیم گرفته است که اورانیوم‌های جدیداً غنی شده تا ۵٪ ظرف این ۶ ماه را به اکسید اورانیوم تبدیل کند».

دلالت این بند به نظرم روشن است: یک گرم به اورانیوم غنی شده ایران تا ۵٪ اضافه نخواهد شد. هر چه از این به بعد تا ۶ ماه اورانیوم ۵٪ غنی شود، با یک خط تبدیلی به اکسید اورانیوم تبدیل شود که فقط به درد سوخت نیروگاه می‌خورد و هیچ کار دیگری نمی‌توان با آن انجام داد.

۵. «ایران هیچ تأسیساتی برای غنی‌سازی ایجاد نخواهد کرد».

آیا روشن نیست که این تعهد ادامه پیشرفت کمی و کیفی تأسیسات غنی‌سازی را به طور کامل متوقف می‌کند؟ همچنین، از خود سؤال کنیم: آیا امکان دارد این توقف کامل در راه حل جامع - که مذاکراتش دو هفته پیش شروع شده است - منتفی شود؟ آیا به واقع قابل تصور است که آمریکاییان از این توفیق چشمگیر خود حتی یک وجب صرف نظر کنند؟

۶. «ایران به فعالیت‌های تحقیق و توسعه نظارت شده‌ای ادامه خواهد داد - شامل فعالیت‌های تحقیق و توسعه غنی‌سازی جاری اش - که برای انباشت اورانیوم غنی شده طراحی نشده باشد».

خوب، دوستان توجه دارند؟ همان طور که می‌دانید، عموم مراکز صنعتی بزرگ در دنیا، دارای یک واحد تحقیق و توسعه می‌باشند. این بند یعنی، چنانچه هر نوع پژوهشی مستقیم یا غیرمستقیم ارتباطی با انباشت اورانیوم غنی شده داشته باشد باید متوقف شود.

۷. «هیچ بازفراوری و یا ساخت تأسیساتی برای بازفراوری نباید انجام شود».

به عبارتی دیگر، نه تنها هیچ تأسیسات بازفراوری نباید ساخته شود بلکه

تأسیسات موجود هم باید برچیده شود. آیا همه کشورهایی که دارای برنامه هسته‌ای هستند هم، چنین تعهداتی به آژانس و یا به دولت آمریکا و متحدان اروپایی‌اش سپرده‌اند؟

### رصدهای گسترده‌شده یا دسترسی بی‌کران اطلاعاتی

این شماره‌گذاری بندها از جانب بنده می‌باشد:

۸. «در اختیارگذاشتن اطلاعات به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شامل:

الف) اطلاعات درباره برنامه ایران برای تأسیسات هسته‌ای».

گمان می‌کنم این بند خیلی روشن باشد: یعنی ایران هر نوع برنامه‌ای راجع به برنامه هسته‌ای‌اش دارد، می‌خواهد مرکزی را ببندد، مرکزی را گسترش دهد، خط تولید جدیدی ایجاد کند، می‌خواهد مراکز جدیدی ایجاد کند، می‌خواهد تولید برق بیشتری داشته باشد، رآکتور تحقیقاتی ایجاد کند و ...؛ ملاحظه کنید هیچ قیدی ندارد. «اطلاعات درباره برنامه ایران برای تأسیسات هسته‌ای». هیچ قیدی ندارد که چه نوع فعالیت‌هایی، کجا، این‌ها که موجود است، جدید؟ هیچ قیدی! برای هر نوع برنامه‌ای که شما در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دارید، برای ۶ ماه دیگر، برای ۶ سال دیگر، برای ۱۶ سال دیگر باید اطلاعات آن را تقدیم کنید.

ب) «توصیف هر یک از ساختمان‌های هر یک از مراکز هسته‌ای».

یعنی یک به یک باید ساختمان‌هایتان را مشخص کنید. کدام انبار سانتریفیوژ است، کدام انبار چرخنده (روتورها) است، کدام انبار قطعات یدکی مختلف است، کدام ساختمان محل استقرار و اقامت پرسنل اعم از متخصصین و تکنیسین‌ها است. باید بگوئید این ساختمان این است و آن ساختمان این. باید تمام ساختمان‌ها را مشخص کنید، همه را.

ج) «توصیف مقیاس و دامنه عملیات هر یک از مکان‌هایی که سهمی در فعالیت‌های هسته‌ای دارند».

هر جای ایران، هر مکانی که سهمی در فعالیت هسته‌ای دارد، مقیاس و میزان کار آن را باید اعلام کنید.

(د) «اطلاعات دربارهٔ معادن اورانیوم و نیز کارخانجات نورد اورانیوم».

اگر دقت کرده باشید همین چند هفته پیش از معدن اورانیومی در بندرعباس بازدید و واریسی به عمل آمد.

(ه) «اطلاعات دربارهٔ منبع تمام مواد مورد استفاده».

«این اطلاعات ظرف سه ماه از اتخاذ این اقدامات فراهم خواهد شد».

و این یعنی، باید بگوئید که هر بخش از این مواد از کجا تأمین می‌شود، چه از داخل، چه از خارج. این سه ماه را به خاطر بسپارید که بعداً با آن کار داریم.

۹. «تسلیم یک پرسش‌نامهٔ اطلاعات طراحی روزآمد شده برای راکتور اراک».

شاید دست‌کم بعضی از دوستان شنیده باشند که فردو و نظنز به لحاظ طراحی ویژگی خاصی ندارد، و بنابراین روی هم‌رفته نگرانی راجع به آن کمتر است. این طور که من از منابع مختلف غربی خوانده‌ام - با توجه به ظلمت اطلاعاتی و رسانه‌ای که امروزه در باب ماجرای هسته‌ای در ایران حاکم است - برای غربی‌ها و به ویژه برای آمریکایی‌ها راکتور اراک «غیرقابل قبول» است. و از جمله مطالبی که می‌گویند این است که طراحی این چیست؟ طراحی این باید برای ما روشن شود. برای این که ما حتی دربارهٔ طراحی آن هم هیچ نمی‌دانیم. به همین خاطر یک پرسش‌نامهٔ اطلاعات طراحی روزآمد شده ویژهٔ راکتور اراک طراحی شده که ایران باید تکمیل و تسلیم کند.

اراک اصلاً ممتاز است. یعنی وقتی شما منابع غربی را می‌خوانید - در منابع ایرانی که محرمانه است - به کرات به راکتور اراک ارجاع داده می‌شود. غربیها و به ویژه آمریکایی‌ها قدری نزدیک به آنچه شما راجع به فوتبال و تیم‌های استقلال و پرسپولیس و این قبیل موضوعات و یا حتی چیزهای مهم‌تری مانند رانت‌خواری‌های مرتبط با حکومت صحبت می‌کنید، در کنگرهٔ آمریکا، کاخ سفید و بسیاری از مطبوعات و مراکز علمی جدی و در برنامه‌های خیلی جدی سیاسی‌شان دربارهٔ اراک

صحبت می‌کنند. جلسه‌ای نیست که موضوع هسته‌ای ایران باشد و قصه راکتور اراک طرح نشود. جلسه‌ای نیست که مسائل امنیتی آمریکا مطرح شود و نیروگاه آب سنگین اراک طرح نشود. فرصت شود بعضی از این بحث‌ها را برایتان خواهم گفت. ۱۰. «برداشتن گام‌هایی جهت توافق با آژانس جهت فرجام‌بخشیدن به یک رویکرد حفاظتی برای راکتور اراک».

یعنی ما باید با آژانس وارد مذاکره شویم و برای یک برنامه حفاظتی و نظارتی کامل بر راکتور اراک به توافق برسیم.

۱۱. «دسترسی روزانه بازرسان آژانس هنگامی که بازرسان دیگری برای مقاصد راستی‌آزمایی اطلاعات طراحی، راستی‌آزمایی دستگاه‌های موقت، راستی‌آزمایی دستگاه‌های فیزیکی در فردو و نطنز حضور ندارند، و نیز بازرسی‌های سرزده به منظور دسترسی به بایگانی‌های مراقبتی آفلاین».

برای این که متوجه شویم که این رسدها و بازرسی‌های گسترده‌شده چه معنی و دلالتی دارد - با توجه به فقدان اطلاعات از جانب مقامات ذیربط دولتی - ناگزیریم به منابع و مقامات آمریکایی متوسل شویم!

باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا، در مرکز سابان، مرکزی علنی و رسمی و دارای سایت، مرکزی که چیز مخفی ندارد، در پاسخ به سؤالی که آقای سابان مدیر مرکز مطرح می‌کند و از او می‌پرسد: «آقای رئیس جمهور، بفرمائید که شما چه تضمینی دارید که ایران بمب هسته‌ای نسازد؟» جواب می‌دهد. اما آن‌جا چه کسانی نشسته‌اند؟ برخی صاحبان یا مدیران و سردبیران مهم شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی، خبرگزاری‌ها، خبرنگاران و روزنامه‌نگاران کارکشته قدیمی آمریکایی و صهیونیست‌ها حاضرند. فیلمش به زبان اصلی روی سایت مؤسسه بروکینگز هست که اگر دوستان خواستند می‌توانند ایمیل‌های خود را به بانی جلسه بدهند تا برایتان ارسال شود. نه محرمانه است، چیزی نیست، گفت و گو که به زبان اصلی صورت می‌گیرد ببینید، خیلی جالب است.

آقای سابان می‌پرسد آقای رئیس جمهور، شما چه تضمینی دارید که ایران چنین حرکتی نکند؟ با توجه به این که رئیس جمهورهای سابق امریکا درباره کره شمالی و پاکستان گفته بودند که این‌ها چنین کاری نمی‌کنند و بمب اتمی نمی‌سازند. شما چه تضمینی دارید؟ شسته‌رفته بودن و شفافیت را نگاه کنید. می‌گوید: «هیچ تضمین بنیانی وجود ندارد». ایشان بدون هیچ پشتک وارو و الاکلنگ و قایم موشک‌بازی - چرا که یک سری گرگ آن‌جا نشسته‌اند - اصلاً جای بازی ندارد. «هیچ تضمین بنیانی وجود ندارد». عین جمله او باماست و چقدر راست! برای این که ایران هم کشور پهناوری است، و هم کشور ثروتمندی است، و هم تا دلت بخواهد به لحاظ فنی و مهندسی توانمند است. بنابراین بازی ندارد، هیچ تضمین بنیانی وجود ندارد. بعد سر بحث دیگری می‌رود. اما «بحث دیگر» علت نقل این ماجراست، راجع به همین بخش رصدهای بیکران و دسترسی‌های بازرسی‌های روزانه. او باما بلافاصله اضافه می‌کند: «ما امکانات رصدی و نظارتی بی‌سابقه‌ای را طراحی کرده‌ایم که تعهدات و قول‌های ایران را در این ۶ ماه به دقت مورد راستی‌آزمایی قرار خواهند داد».

او باما راست می‌گوید و برای خوش‌کردن دل صهیونیست‌های قسم‌خورده‌ای که آن‌جا نشسته‌اند به آن‌ها دروغ نمی‌گوید و نمی‌تواند بگوید. دسترسی‌های روزانه بازرسان آژانس به یقین در طول تاریخ آژانس بی‌همتا و یکتاست، به راستی یک چنین نظارتی در طول تاریخ بر هیچ کشور مستقلی تحمیل نشده است.

۱۲. «بازرسان آژانس می‌توانند دسترسی مدیریت شده به مکان‌های ذیل را داشته باشند:

(الف) کارگاه‌های مونتاژ سانتریفیوژ،

(ب) کارگاه‌های تولید چرخنده‌های سانتریفیوژ،

(ج) تأسیسات ذخیره‌سازی،

(د) معادن اورانیوم و کارخانجات تولید اورانیوم».

ماده الف، یعنی همان کارگاه‌های مونتاژ سانتریفیوژ، یک پاورقی بسیار مهم



دارد. پاورقی اعلام می‌کند تولید سانتریفیوژ ایران در این ۶ ماه منحصر به جایگزین کردن ماشین‌های معیوب خواهد شد. خوب، این چه دلالتی دارد؟ از این چه استنباط می‌شود؟ یعنی سانتریفیوژ تولید نمی‌شود. پیچیدگی ندارد، البته من از آدم‌های باسواد کمک می‌گیرم، ولی خوب به نظرم وقتی یاد گرفتم متوجه شدم چیز ساده‌ای است، یعنی فقط و فقط کارخانجات تولید سانتریفیوژ شما وقتی به حرکت در می‌آید که بخواهید تعدادی از سانتریفیوژهای خراب شده و معیوب شده - یکی، دو تا، پنج، ده، پانزده، بیست تا، که این طرف و آن طرف نطنز و فردو خراب شده - را جایگزین کنید، بعد می‌توانید این کارخانه را راه بیاندازید وگرنه تعطیل است.

از خودمان سؤال کنیم دسترسی و بازرسی این قبیل اماکن چه ارتباطی به غنی‌سازی اورانیوم دارد؟ چرا باید بازرسان آژانس هم از محل و مکان تأسیسات فوق اطلاع داشته و هم امکان بازرسی از درون آنها را داشته باشند؟ جا دارد متذکر شویم از ابتدای مناقشات آمریکا و متحدان اروپایی‌اش با ایران، این اولین بار است که آمریکا و اروپاییان این چنین دسترسی اطلاعاتی بی‌کران به تمام اجزاء و جوارح و جزئیات تأسیساتی، کارگاهی، تولیدی و محل و آدرس آن‌ها پیدا می‌کنند. پیش از این سابقه ندارد، به طوری که اکنون به نظر می‌رسد تعلیق‌های خفت‌بار سال ۱۳۸۲ در مقایسه با این مجموعه از تعلیق‌ها، توقف‌ها، نظارت‌ها، بازبینی‌ها، بازرسی‌ها و از بین بردن اورانیوم غنی‌شده ۲۰٪ و تبدیل آن به اورانیوم ۵٪ و اکسید اورانیوم چقدر کمتر رسوا و حقارت‌انگیز است.

پیش از طرح تعهدات داوطلبانه آمریکا و متحدانش بهتر است یک جمع‌بندی از مجموعه اقدامات را این‌جا داشته باشیم. دوازده بند است، این برای ارجاع خیلی به ما کمک می‌کند:

- ۱- تمام ذخایر اورانیوم ۲۰٪ غنی شده از بین می‌رود،
- ۲- غنی‌سازی بالای ۵٪ در تمام مراکز هسته‌ای ایران به طور کامل متوقف و تعطیل می‌شود،

۳- اورانیوم غنی شده تا ۵% در ۶ ماه مورد نظر تماماً به اکسید اورانیوم تبدیل می‌شود،

۴- غنی‌سازی توسط سانتریفیوژهای نصب، لیکن فعال نشده منتفی می‌شود،

۵- نصب و فعال‌سازی سانتریفیوژ نسل جدید منتفی می‌شود،

۶- افزایش ظرفیت غنی‌سازی در تمام مراکز هسته‌ای ایران منتفی می‌شود،

۷- رآکتور اراک راه اندازی نمی‌شود، سوخت یا آب سنگین به سایت رآکتور منتقل نمی‌شود، سوخت بیشتری برای رآکتور تولید نمی‌شود و قطعات باقی مانده رآکتور هم نصب نمی‌شود. جان کلام در یک کلام: رآکتور اراک آماده برای برچیدن می‌شود.

۸- هیچ تأسیساتی برای غنی‌سازی ایجاد نمی‌شود.

۹- هر گونه فعالیت‌های تحقیق و توسعه که زمینه‌ساز یا مرتبط با انباشت اورانیوم غنی شده باشد، متوقف می‌شود.

۱۰- تولید سانتریفیوژ متوقف می‌شود، مگر برای جایگزینی سانتریفیوژهای معیوب.

۱۱- بازفرآوری یا ساخت تأسیسات بازفرآوری تعطیل می‌شود،

۱۲- اطلاعات و بازرسی‌های بی‌سابقه و بی‌کران، نه فقط درباره نظنز و فردو، بلکه شامل رآکتور اراک، کارگاه‌های ساخت سانتریفیوژها، ساخت چرخنده‌های سانتریفیوژها، انبارکردن سانتریفیوژها و چرخنده‌ها، معادن اورانیوم، کارخانجات اورانیوم و منبع هر گونه مواد یا قطعه مرتبط باید به طور کامل فراهم شود.

امیدوارم این جمع‌بندی قدری - اگر نه کاملاً - زمینه را برای پاسخ‌گویی به برخی از سؤالات ابتدای این تحلیل فراهم کرده باشد. آیا حالا می‌توانیم مدعی شویم - آن‌طور که آقای رئیس جمهور مدعی می‌شود - که در نتیجه این ابتکار قدرت‌های بزرگ به این نتیجه رسیدند که تحریم و فشار راه به جایی نخواهد برد و راهی جز احترام متقابل و مذاکره عزتمندانه وجود ندارد؟!

مذاکره عزتمندانه این است؟ احترام متقابل این است؟ این احترام متقابل است؟ آن‌ها متوجه شدند که تحریم و فشار راه به جایی نخواهد برد؟! مطبوعات

غربی را من نمی‌توانم بخوانم و نمی‌فهمم و خوب روشن است چرا! اما زبان مؤسسات سیمین و شکوه و ...، این کلاس‌ها کفایت می‌کند. مطبوعات غرب را بخوانید و سایت‌های خبرگزاری‌های یونایتد پرس اینترنشنال، آسوشیتد پرس، آژانس فرانس پرس، رویترز و ... را ببینید. کلید را می‌زنی که مرور کنی، اصلاً صفحه مانیتور از مطلب سیاه می‌شود. درمی‌مانی که از کجا شروع کنی به خواندن! این‌ها را ما نمی‌توانیم بخوانیم. چون هم بی‌سوادیم! و هم اشتغالات متعدد حکومتی چنین مجال نمی‌دهد. ولی کسانی که سواد دارند و می‌خوانند به ما می‌گویند که اعضای کنگره آمریکا - مجلس نمایندگان و سنا - دارند به جان کری و شرمن فشار می‌آورند که با توجه به توفیق و تاثیر تحریمها، شما همین قدر دستاورد داشتید، چرا برنامه هسته‌ای ایران را کامل جمع نکردید؟ چرا نظنز و فردو و اراک را گل نگرفتید؟ مگر نمی‌بینید مقامات ایرانی مدام به انحاء مختلف دم تکان می‌دهند؟ مگر نمی‌بینید تحریم چه شق‌القمری کرده؟ بعد ما می‌آییم درست عکس آن را مطرح می‌کنیم! - که غربیان متوجه شده‌اند که تحریم راه به جایی نمی‌برد؟! آن‌ها متوجه شدند؟! چی را متوجه شده‌اند؟ نُقل و نقل تمام مجالس سیاسی غرب این است که تحریم‌ها بالاخره نتیجه داده است، روزنامه‌ها را بخوانید، روزنامه‌های جدی را بخوانید، در آمریکا نیویورک تایمز، واشنگتن پست، لس آنجلس تایمز، یو اس ای تودی، کریستین ساینس مانیتور، وال استریت ژورنال و بعد این طرف در انگلستان ایندپندنت، فایننشیل تایمز، گاردین، تایمز، اینترنشنال هرالد تریبیون. این‌ها را یک نگاهی بکنید، از میان تعداد زیادی که در این سه ماهه مقاله در آمده است، چشمانتان را ببندید و به طور تصادفی و بلاضابطه دست بگذارید روی یکی، بعد بخوانید ببینید اصلاً تحلیل دارد چه می‌گوید.

این‌ها متوجه شدند تحریم راه به جایی نمی‌برد؟! با رفتاری که شما کردید، با تبلیغاتی که شما کردید این‌ها متوجه شدند تحریم راه به جایی نمی‌برد؟ ببخشید، حالا مثلاً بعضی از ما ایرانی‌ها بی‌سوادند، ولی آنها که خوب می‌فهمند! آخر ما چه فکر

کردیم؟ فکر کردیم این‌ها نمی‌فهمند؟ که آن‌ها متوجه شدند که تحریم راه به جایی نمی‌برد؟ با این تبلیغات و زمینه‌سازی‌هایی که شما کردید این‌ها به این نتیجه رسیدند؟ با نحوه مذاکرات و چیزهایی که توافق کردید به این نتیجه رسیدند؟ هیئات! آیا این سخن راست است؟ سخن آقای روحانی: «فرزندان ... انقلابی توانسته‌اند حقانیت ملت ایران را در فعالیتهای هسته‌ای در صحنه بین‌المللی اثبات کنند!» یا ما نمی‌فهمیم که اثبات یعنی چه، به خصوص بنده که اصلاً اثبات را نمی‌فهمم چطوری می‌نویسند، بنده که اصلاً هیچ! اثبات یعنی چه؟ حقانیت چه را اثبات کردند؟ یا حقانیت را نمی‌فهمیم یا اثبات را. و یا هر دو را! و یا به طرز خسران‌خیزی خلاق را از دم .... و یا شاید هم می‌فهمیم لیکن تصور می‌کنیم ملت ایران به گونه‌ای است که مطابق «هر چه آن خسرو کند شیرین کند»، هر چه ما کنیم به به کند!

کار ما زیاد است! آیا به راستی همه اصول و خطوط قرمز نظام، آن طور که آقای رئیس‌جمهور می‌گویند در این مذاکرات تاکنون رعایت شده است؟ واقعاً این‌طوری است؟ آیا به واقع حقوق هسته‌ای و حق غنی‌سازی ملت ایران مورد اذعان قدرت‌های جهانی قرار گرفته است؟ قدرت‌های جهانی به سر تا پای ما دارند می‌خندند، روس‌ها و چینی‌ها و حتی اروپایی‌ها وحشتناک متحیر و شگفت‌زده‌اند که چه شده در ایران؟ چه خبر شده؟ این همان ایران است که این طور می‌آید مذاکره می‌کند و این‌طور دارد توافق می‌کند؟ آن وقت این‌ها مورد اذعان قرار گرفته است؟ چه چیز مورد اذعان قرار گرفته است؟ حق و حقوق ما؟ حق و حقوق غنی‌سازی؟ سر ماجرای حق غنی‌سازی، پرونده جدا را در پایان این بحث اگر مجال شود، خواهم گفت. باید مجال شود، قرار شد من راجع به توافقنامه چیزهایی را نگویم، ولی حق غنی‌سازی را باید بگویم. چون خیلی ماجرای عبرت‌آموزی است. خیلی احساس کرامت و عزت ایرانی می‌کنیم، این قصه غنی‌سازی را بخوانیم؛ خیلی جالب است و تبعاتش را راجع به استقلال مملکت، حاکمیت ملی و انقلاب متوجه می‌شویم.

آیا به واقع، این طور که آقای روحانی می‌گوید، «دست‌آورد قطعی این توافق اولیه...» - ببخشید من نمی‌توانم به شما اهانت کنم، هیچ چیز نمی‌گویم، نمی‌دانم چه تصور شده است؟ تصور شده است ملت ایران چطوری است؟ از پشت کوه آمدند؟ زیر بوته به عمل آمدند؟ واقعاً تعجب می‌کنم - آیا این سخن درست است که «دست‌آورد قطعی این توافق اولیه به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته‌ای ایران است»؟ حقوق هسته‌ای ایران این طور به رسمیت شناخته شده است؟ این دست‌آورد قطعی است؟ سخن آقای دکتر ظریف در ۹۲/۹/۳ در ژنو، آیا این حرف راست است که «بر اساس این توافق ساختار برنامه هسته‌ای ایران به طور کامل حفظ می‌شود»؟ آیا حفظ شده است؟ این‌هایی که شما خواندید و دیدید، آیا حفظ شده است؟ سخن آقای دکتر ظریف ۹۲/۹/۲۷، آیا این حرف راست است که «ساختمان برنامه هسته‌ای ما حفظ شده است»؟ آیا این طور است؟ حفظ شده است؟ آیا این سخن معاون بین‌المللی وزیر امور خارجه آقای دکتر عراقچی راست است که «ما اقداماتی را برای گام اول توافق کردیم - گام اول یعنی همین توافقنامه - که باعث می‌شود کل ساختار هسته‌ای کشور حفظ شود»؟ آیا حفظ شد؟ «هیچ دستگاهی خاموش نمی‌شود و هیچ برنامه‌ای به عقب بازمی‌گردد». این طوری است واقعاً؟

### ترک برداشتن یا فروپاشی ساختمان تحریم‌ها

حالا وقت این است که اقدامات داوطلبانه اروپائی‌ها و امریکایی‌ها را ببینیم. این بند اول و بند پنجم و ششم و هفتم، این چهار تا و بقیه را هم بررسی کنیم.

بند ۱، این یک را دقت کنید، من مانده‌ام مجلس، مجلس نمایندگان مردمند؟ مجلس ما نمایندگان که هستند؟ سوگندی که خوردند، این سوگند مال کجاست؟ سوگند پاسداری از انقلاب اسلامی؟ پاسداری از منافع ایران؟ این‌ها مشغول چه کارهایی هستند؟ بنده که هر روز صبح دارم استغفار می‌کنم به خاطر رأی‌هایی که دادم، این را همین‌جا بگویم، به این‌که فلانی مثلاً توصیه کرد و بهمانی زنگ زد و

ایشان هم گفت آدم‌های خوبی هستند و این لیست را شما پرکن! محال ممکن است من دیگر در انتخاباتی شرکت کنم، که قرار باشد به سی نفر رأی بدهم، اگر یک دانه شناختم، فقط به آن یک نفر رأی خواهم داد. و آن یک نفر هم باید به لحاظ «غیرت»، «عزت» و «استقلال‌طلبی» مورد شناخت باشد. من حیث‌المجموع حداقل مثل جان کری و شرمن باشد! آری! اگر این‌طوری یافتم رأی می‌دهم و نیافتم رأی نمی‌دهم. خدا می‌داند از زمانی که من در کارهای این دو انسان دقیق ریز شدم، اصلاً بی‌اختیار هر وقت این دو را در تلویزیون می‌بینم، می‌گویم خوش به حال امریکائی‌ها، چقدر شما غیرت دارید، چقدر قدرت و امنیت آمریکا برای شما بنیانی است. چقدر ثبات قدم دارید، عجب آدم‌های تیزی هستید، چقدر به منافع ملی آمریکا وفا دارید. کاش یکی از موهای گنبدتان در تن من می‌بود!

این بند اول را نگاه کنید، تلاش‌ها جهت کاهش بیشتر فروش نفت خام ایران مکث می‌شود - خوب دقت کنید، اصلاً کار مینیاتوری‌اش فوق‌العاده است - به طوری که مشتریان موجود بتوانند میانگین موجود نفت خامشان را خریداری کنند، نقطه. یک بار دیگر: تلاش‌ها جهت کاهش بیشتر فروش نفت خام ایران مکث می‌شود. ملاحظه می‌شود که در این‌جا تلاش‌های بیشتر برای کاهش است که مکث می‌شود و این یعنی میزان تحریم‌های فروش نفت کماکان به قوت سابق و موجود خودش باقی می‌ماند. آن چه با مکث، و نه توقف یا برچیدن ساز و کارها مواجه می‌شود، تلاش‌های هرچه بیشتر برای گسترش تور تحریم است. این اتفاق دارد می‌افتد، یعنی چه؟ یعنی هر مقداری که ما امریکایی‌ها و اروپایی توانستیم تور تحریم را تا به امروز بسط بدهیم و بگسترانیم، سر جایش هست.

بنده از حضار محترم عذر می‌خواهم، ابداً قصد جسارت نیست، این مطالب را برای بچه‌های دبیرستانی توضیح دادم، اصلاً انگار همه جایشان ویبره وصل شده است، شروع می‌کنند به تکان خوردن که آقای دکتر، واقعاً راست می‌گوئید؟ یعنی این‌طوری؟ یعنی فقط تلاش‌های بیشتر برای گسترش تور تحریم؟ یعنی تور تحریم

کاملاً سر جای خودش است. تور تحریم فروش نفت که قدم مهمی است، تازه ما تلاش بیشتر نمی‌کنیم به این معنا که - دارم توافقنامه را می‌گویم - شما نمی‌توانید مشتریانتان را عوض کنید، این خیلی مهم است. میزان صادراتتان که بالاخره از یک منافذ و این طرف و آن طرف دارید این ۱/۲ میلیون بشکه در روز را به هر حال به طرق مختلفی از زیر تور و از کنار و از منافذ و از این طرف و آن طرف خلاصه یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه دارید می‌فروشید. یعنی در منابع غربی که جاری است، در بعضی جاها یک سری آدم‌های نامحرم هستند به خصوص ملت ایران که نباید بدانند. ۱/۲ میلیون بشکه را به هر صورت دارید می‌فروشید. خوب، ما مشتریانتان را که نمی‌توانیم عوض کنیم، میزان فروشمان را هم نمی‌توانیم افزایش بدهیم، تور تحریم هم سفت و قرص و محکم سرچایش است، چه مکث شد؟ تلاش‌های بیشتر، تلاش‌های بیشتر که تور تحریم گسترده‌تر بشود، گره‌هایش ریزتر شود و منافذش گرفته شود، این است دیگر.

در واقع امریکایی‌ها و اروپایی‌ها در این بند بسیار مهم چه به ما دادند؟ در واقع این را دادند، چیزی را که احتمال داشت - خوب دقت کنید، به تک‌تک این کلمات دقت کنید - چیزی که احتمال داشت در صورت صرف وقت و انرژی و دیدن این و آن و بازرسی از برخی نفتکش‌ها در دنیا و بنادر و کارخانجات و پالایشگاه‌ها و ... امکان داشت بتوانند این ۱/۲ میلیون را بکنند ۱ میلیون، ۹۰۰ هزار، ۸۰۰ هزار بشکه در روز، احتمال داشت با این تلاش‌ها و صرف هزینه و اعزام بازرسان مالیاتی و نفتی و این‌ها بیفتند بگردند این ۱/۲ میلیون بشکه را جلوی‌شان را بگیرند - از این صرف نظر کردند. بعد باید خرج کرد، یعنی حدس می‌زنند فلان شرکت نکند دارد شیطنت می‌کند و ۲۰۰-۳۰۰ هزار بشکه در روز می‌خرد، بعد بررسی کنند این موضوع را که از ۶ عضو هیئت مدیره یکی‌شان یک خرده مشکلات مالی دارد و بعد با او قرار بگذارند و کف دستش را تا آن‌جایی که جا دارد با دلار چرب کنند. این درست است، منافع است، باید خرج کنند تا آن طرف بگویند که سیصد هزار بشکه را

داریم می‌خریم، چرب هم شده دستش، حساب بانکی‌اش هم حسابی چرب شده است. امریکا باید خرج کند و بدود تا بتواند مقداری از این ۱/۲ میلیون را کاهش دهد.

من چه دارم می‌گویم؟ ببینید اگر امریکایی‌ها می‌توانستند جلوی یک قطره از این حدود ۱/۲ میلیون بشکه را بگیرند، به نظر شما می‌نشستند و می‌گفتند ما استخاره کنیم؟ بکنیم یا نکنیم؟ آیا این‌طور است؟ شناختی که ما از امریکایی‌ها در این ۳۵ سال داریم این‌طوری است؟ این‌ها یک لحظه درنگ می‌کردند؟ در واقع این امکان را در اختیار ندارند، تور چیده شده است، دست هم نخورده است، و باید با صرف هزینه و تلاش و وقت گذاشتن بسیار و با دلار چرب کردن جیب این و آن وزیر و مدیر فلان شرکت و ... همه این کارها باید بشود تا این ۱/۲ میلیون بشود ۱ میلیون، ۹۰۰ هزار، ۸۰۰ هزار، و مانند آن. خرج دارد، این خرج کردن و این تلاش‌ها را دارد: روغن ریخته نذر اما مزاده! یک خورده دارم اشتباه می‌فهمم؟!

حالا از این بدتر، این‌جا را ملاحظه کنید. این‌جا یک سؤال مبنایی باقی مانده است. به راستی ایران چطور می‌تواند مکث امریکا و اروپا را راستی‌آزمایی کند؟ یادتان هست چقدر درباره راستی‌آزمایی تأکید کردم؟ اطلاعاتی که می‌دهیم را یادتان هست؟ اطلاعات می‌دهیم این، این این و این. بعد قسمت دوم رصدهای بیکران را یادتان هست؟ بازرسی‌های روزانه؟ بازرسی کارگاه‌های مونتاژ؟ تمام این‌ها قابل راستی‌آزمایی است، یعنی شما می‌گویید ما یک انبار داریم در نطنز، در نائین، در ماکو، مرند، خوی، یک جایی، جهرم، جیرفت، آن‌جا یک انبار سانتریفیوژ داریم، ۵۹۳ دانه سانتریفیوژ از نسل جدید یا از نسل قدیم در آن هست. بعد هم آدرس آن‌جا را می‌دهیم، اطلاعات است و باید می‌دادیم و تعهد کردیم، بازرسی‌ها چه‌کار می‌کند؟ می‌آیند و دانه دانه را می‌شمارند که ببینند مثلاً ۵۹۳ است؟ اگر اضافه باشد باید جواب بدهیم، کدام کارگاه مونتاژ دارد کار می‌کند که این‌جا ۱۰۰ تا، ۲۰۰ تا، ۵۰۰ تا اضافه شده است؟ کجاست؟ حالا آدرس آن را به ما بدهید. اگر کم شده باشد، کجا این سانتریفیوژ جدید را بردید و نصب کردید؟ به کسی فروختید؟ به کشوری؟ جایی؟



راستی آزمایی را می بینید؟ چک کردن را می بینید؟ خیلی شسته رفته است.

حالا راستی آزمایی مکث! اجازه بدهید یک مثال بزنم. اگر صادرات نفت ایران از ۱/۲ میلیون رسید به ۱ میلیون بشکه، چنانچه عزم و اراده ملی وجود داشته باشد، اتفاقی که می افتد این است که ایران می گوید که مکث نکردی و نقض کردی و ما باید ۲۰۰ هزار تا بفروشیم. اگر امریکا به ما بگوید که ببخشید این یعنی چه؟ این چه طرز متهم کردن است؟ این یعنی چه؟ شاید آن شرکتها و کشورهایی که از شما خرید می کردند منابع ارزان تری پیدا کردند، از قطر، از امارات، از کویت، از ام الفساد جهان اسلام عربستان سعودی، از نیجریه، از یک جایی، از نروژ، گزینه بهتری پیدا کردند. این که حرف نشد که صادرات نفت شما کاهش پیدا کرده است، پس ما یک کاری کرده ایم. این حرف است؟ شاید نفت ارزان تر پیدا کردند و از جای دیگر می گیرند و شاید نیازشان به نفت کم شده است و منابع دیگر انرژی پیدا کردند، یا منابع دیگری را زمینه سازی کرده بودند و الآن ظرف این چند ماه به نتیجه رسیده و به مرحله بهره برداری رسیده است. یا مثلاً تأسیسات راکتور هسته ای یک طوری در برنامه داشتند و ظرف دو سه ماه گذشته به نتیجه رسیده است و بنابراین ۲۰۰-۳۰۰ هزار بشکه نفت را احتیاج ندارند، شاید منابع جایگزین دیگری مثل انرژی خورشیدی، امواج دریا و بادی و غیره پیدا و ایجاد کردند و به نتیجه رسیدند. پس شما هر وقت صادرات نفتتان کم می شود، ما نقض کردیم؟ این شد حرف؟ به نظر شما چقدر حرف ما و جاهت حقوقی دارد؟ در کدام محکمه قابل پذیرش است؟ فرض کنیم این همت را و این وجود را داشته باشیم که پرونده را برداریم و به دادگاه بین المللی لاهه ببریم. شما فکر می کنید این حرف ما قابل پذیرش است؟ به راستی چقدر این حرف ما قابل پذیرش است؟ روشن است که این حرف هیچ و جاهت حقوقی ندارد که هر نوع کاهشی باشد پس شما غربی ها نقض تعهد کرده اید. این شد حرف؟ جان کلام، مکث به هیچ وجه قابل راستی آزمایی نیست، به هیچ وجه.

بنده راجع به «مقدار توافق شده» که اینجا آمده است بحثی را باز نمی کنم، چون

الان بحث خنکی است. این بحث را من در آذرماه کردم که هم وزیر خارجه منکر بود که توافق نامه دیگری وجود دارد، هم سخنگوی وزارت خارجه منکر بود و هم هنوز ماجرای برگه اطلاعاتی کاخ سفید به قدر کافی منتشر نشده بود. الآن برگه اطلاعاتی را چه کسی نمی‌داند؟ برگه اطلاعاتی مفصل دارای هفت صفحه، پر از ارقام است. و جالب است که سخنگوی وزارت خارجه می‌گوید این‌ها تفسیر آمریکایی‌ها است! سخنگوی وزارت خارجه هیچ‌گاه روشن نمی‌کند که مرادش از آن سخن چیست: آیا منظور وی این است که آنچه مورد توافق قرار گرفته همان توافقنامه منتشره است؟ و مابقی تفسیر و تلقی آمریکایی‌هاست و در نتیجه موضوع مناقشه؟ آیا، صریح‌تر و قاطع‌تر از این امکان، آیا مراد وی این است که ایران اساساً مطالب مندرج در برگه اطلاعاتی منتشره کاخ سفید را تکذیب می‌کند؟ آیا شفافیت و قاطعیت حکم نمی‌کند که افزون بر آنچه وی گفته، تصریح شود که موضع ایران بالاخره چیست؟ آیا به راستی جای سؤال ندارد که چرا سخنگوی وزارت خارجه نه در همان نشست خبری و نه هیچ مقام دیگر وزارت خارجه پس از آن هیچ اظهارنظر شفافیت‌بخشی در این زمینه نکرده‌اند؟ آیا تحولات آتی نوری بر این وضعیت ظلمانی می‌افکند و پاسخ این سؤالات را می‌دهد؟ برگه اطلاعاتی هفت صفحه‌ای شامل ارقام و اعداد است. شما مراجعه کنید، نه مخفی است و نه سری است، بروید در سایت کاخ سفید، دفتر دبیر مطبوعاتی، بعد بزنید هسته‌ای و ایران. این هفت صفحه برایتان می‌آید و بعد بنشینید این هفت صفحه را بخوانید و ناراحت هم نشوید. صوری کنید، بنشینید و همین‌طور با آرامش بخوانید. بالاخره مملکت‌مان است و چاره‌ای نداریم، آش کشک خاله است، بخوریم هم پای‌مان هست و روی‌مان را آن طرف هم کنیم و بگوییم به ما چه، پای‌مان هست. نخوانیم هم همین است، بالاخره باید ببینیم چه‌کار باید بکنیم؟ باید بنشینیم و بخوانیم و آگاه شویم.

۴/۲ میلیارد دلار در این برگه اطلاعاتی تفصیلی کاخ سفید آمده است. اما ارقام و اعداد مندرج در برگه کاخ سفید آمریکا را سخنگوی وزارت خارجه ایران «تفسیر»

آمریکایی‌ها خوانده بود. لیکن پس از مذاکرات بر سر نحوه اجرای توافقنامه ژنو، باز هم همان دفتر دبیر رسانه‌ای کاخ سفید اطلاعیه‌ای تحت عنوان خلاصه تفاهات فنی مربوط به اجرای نقشه عمل مشترک درباره برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران را در تاریخ ۹۲/۱۰/۲۶ منتشر کرد. در این اطلاعیه رقم ۴/۲ میلیارد دلار فوق‌الذکر و اقساطی بودن آن مجدداً تصریح شده و ضمناً تاریخ دقیق شش قسط با ذکر مبلغ هر یک از قسط‌ها در آن قید شده است. اینک باید از مقامات وزارت خارجه سؤال کرد: آیا این اطلاعیه خلاصه تفاهات فنی هم تفسیر آمریکاست؟ اگر نیست، چگونه است که مبالغ و جزئیات پرداخت بخش کوچکی از فروش نفت ایران در همین شش ماه - همین ۴/۲ میلیارد دلار - در آن برگه اطلاعات تفصیلی که پیش‌تر تفسیر خوانده شده مطابقت دارد؟ و اگر این خلاصه تفاهات فنی منتشره کاخ سفید تفسیر است، اولاً چرا وزارت خارجه تصریح نمی‌کند که این نیز تفسیر است. و ثانیاً، چرا رقم ۴/۲ میلیارد دلار و مبالغ اقساط و حتی سررسید پرداخت‌شان توسط مقامات دولت، از جمله مقامات بانک مرکزی و نیز سخنگوی دولت، مورد عطف و استناد قرار می‌گیرد؟

ضمناً در همین برگه اطلاعاتی کاخ سفید یک مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار هم آمده است که دولت آمریکا با ایجاد یک کانال مالی مستقیماً و نه از طریق بنگاه‌های مالی و پولی ایران، شهریه دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های خارجی را پرداخت می‌کند. به نظر شما این مایه شرمساری نیست که دولت آمریکا دارایی‌های ایران را برای شهریه ایرانیان مستقیماً به کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکا، کانادا، انگلستان، فرانسه، آلمان، و غیره پرداخت کند؟ بنده از آقای دکتر ظریف و دکتر عراقچی و اعضای دولت تدبیر اطلاع ندارم اما حقیر به عنوان یک ایرانی از همین یک فقره هم فوق‌العاده احساس شرمندگی و سرافکندگی می‌کنم.

از این «مقدار توافق شده» بگذریم، که نه مجلس شورای اسلامی از آن خبر داشت و نه هیئت رئیسه مجلس و نه کمیسیون روابط خارجی مجلس و نه ظاهراً

شورای عالی امنیت ملی کشور. جا ندارد از خودمان سؤال کنیم بالاخره نامحرم این وسط کیست؟ کیست که در این دنیا نباید بداند و از مفاد توافق شده تفصیلی بسیار مهم دیگر نباید خبردار بشود؟

بنده چون نگرانم فرصت پیدا نکنم برخی اقلام مهم را مطرح کنم، بنابراین راجع به پتروشیمی و طلا و فلزات گرانبها و اینها بحثی نمی‌کنم، فقط این قدر بگویم که راجع به پتروشیمی از افراد متعدد مطلع، سؤال شده که آیا ما در این زمینه مشکلی داریم؟ بلا استثناء هم برخی از اعضای تیم مذاکره کننده فعلی و هم گذشته گفتند که در این زمینه در صادرات پتروشیمی مشکل خاصی نداشتیم. اما راجع به طلا و فلزات گرانبها ما مشکلاتی داشته‌ایم، این را تأیید کردند. اما باز در این قصه هم تقریباً همه متفق القول هستند که ما در حال حاضر مشکل خاصی نداریم، مشکل داشتیم اما به طرق مختلف و از کانال‌های مختلف توانسته بودیم رفع موانع کنیم.

فقط به ماده سه اشاره کنم، تحریم‌های امریکا بر صنعت خودروی ایران من جمله تحریم خدمات مربوط تعلیق می‌شود. ببینم، به نظر شما قابل تصور است که صنعت خودروسازی ایران می‌خواهد با صنعت خودروسازی امریکا بیایند همکاری کنند، تنگناها و مشکلات کمی و کیفی صنعت خودروی ایران را برطرف کنند؟ آیا قرار است این اتفاق بیفتد؟ آیا چنین چیزی قابل تصور است؟ همکاری این چنینی صنعتی میان دو صنعت ایران و امریکا در حوزه خودروسازی؟ آیا چنین اتفاقی قابل تصور است؟ یا قرار است تعدادی شورلت، کادیلاک و بیوک و پونتیاک از صنعت خودروسازی بسیار مسئله‌دار امریکا سر از ایران دربیابند و در دست آقازاده‌ها و سوگلی‌های مملکت در این دوردورهایی که می‌زنند - بلوار شهید اندرزگو، افریقا، میرداماد دوردور می‌زنند و تا ساعت دو سه نصف شب خوش و بش می‌کنند - حالا به جای این‌که با تاکسون و سانتافه و بی‌امو و انواع بنزها بشود، دیگر حالا با ماشین‌های لوکس آمریکائی دوردور کنند. بنده علم غیب ندارم اما یک چیز را خدمت برادران و خواهران بگویم، اگر این مبنا و این سیاست خارجی هیچ تغییری نکند،

بین ۶ ماه تا یک سال دیگر، این تخمین بلند است وگرنه من احتمال زودتر می‌دهم، شما شاهد این‌که گفتم خواهید بود. کادیلاک و پونتیاک‌ها و بیوک‌ها می‌آیند و دوردور آقازاده‌ها و سوگلی‌ها از این به بعد با آن‌ها انجام می‌شود. آن آقازاده‌ها و نورچشمی‌ها هم به ریش انقلاب و استقلال و آزادی و عدالت و شهادت و ایثار، و من و شما و همه چیز ... می‌خندند.

مجاز کردن تدارک و نصب قطعات یدکی هواپیمای کشوری، این را هم من عبور می‌کنم، می‌رسم به این ۳ بند بسیار مهم و تأثیرگذار در این قسمت تعلیق‌ها. این ۳ تا را دقیق از رو می‌خوانیم:

(۵) «هیچ تحریم جدید مرتبط با هسته‌ای توسط شورای امنیت سازمان ملل انجام نخواهد شد». خوب دقت کنید، «جدید مرتبط با هسته‌ای»، با این دو قید من کار دارم. قبل از اینکه ۶ و ۷ را بگویم و تحلیل جامع این سه را ارائه کنم، اجازه بدهید اضافه کنم که با همین یک بند ایران به تلویح همه قطعنامه‌های تحریمی سابق شورای امنیت را پذیرفته است. در حالی‌که آن‌طوری که به احتمال زیاد دست‌کم بعضی از شماها یادتان هست و بعضی از ریش سفیدانتان خیلی بیشتر و جدی‌تر، ما هرگاه پرونده هسته‌ای‌مان از آژانس به شورای امنیت می‌رفت چه موضعی می‌گرفتیم؟ من حیث‌المجموع یادتان هست؟ جدای از این، یک اعتراضی هم می‌کردیم: «کاغذپاره» که آن‌ته ماجرا بود. در واقع می‌گفتیم که این کار آژانس با توجه به این‌که یک مؤسسه و یک سازمان بین‌المللی حقوقی، فنی، تخصصی است، این کار یک کار سیاسی است. این کار فول است، ما معترض هستیم و بعد هم که پرونده به شورای امنیت می‌رفت و علیه ما یک قطعنامه صادر می‌شد، باز دولت ایران چه می‌گفت؟ ما چه می‌گفتیم؟ برمی‌گشتیم و می‌گفتیم که این کار سیاسی‌کاری است، کجای امنیت بین‌المللی مورد تهدید واقع شده است که شما قطعنامه صادر کردید؟ این کار شما سیاسی‌کاری است و ما این را قبول نداریم.

ممکن است بگویید که مگر قبول ایران و عدم قبول ایران موضوعیت دارد؟ بله،

موضوعیت دارد. وقتی یک عضو سازمان ملل قطعنامه‌ای را نمی‌پذیرد، آن قطعنامه محل مناقشه می‌شود. آن قطعنامه زمین نمی‌خورد، بودش نابود نمی‌شود، وجودش لاوجود نمی‌شود، اما محل مناقشه می‌شود که حالا برویم ببینیم به کجا می‌رسیم، دیگر دعواست. این‌طور هم نیست که به محض این‌که کشوری بگوید من قبول ندارم آن قطعنامه از بین برود، نه نمی‌رود. اما وجاهت حقوقی آن هم جای مناقشه است، جای دعواست، فرجام دعوا را عاقبت الامر کی تعیین می‌کند؟ فرجام دعوا را قدرت، قدرت صنعتی و اقتصادی و سیاسی و نظامی تعیین می‌کند. ته قصه این است. اما وقتی شما می‌پذیرید که هیچ تحریم جدیدی مرتبط با هسته‌ای توسط شورای امنیت سازمان ملل انجام نخواهد شد، شما به طور طبیعی دارید می‌پذیرید که این‌ها وجاهت دارد، موضوعیت دارد.

۶- «هیچ تحریم جدید مرتبط با هسته‌ای توسط اتحادیه اروپا انجام نخواهد شد».

۷- عین همین ماجرا در رابطه با دولت امریکا و کنگره. باز مجدداً قید «جدید و مرتبط با هسته‌ای».

این «جدید» یعنی چه؟ کمی فکر کنید و یک درنگی کنید. قطعنامه جدید، تحریم جدید، مرتبط با هسته‌ای را فعلاً بگذارید کنار که آن را هم باز می‌کنیم. این جدید یعنی چه؟ یعنی «جدید دیگر نه»، ولی تمام تحریم‌های گذشته تا بحال قرص و محکم سرجایش است. آقا به خدا! این را بچه مدرسه‌ای‌ها هم می‌فهمند، و... می‌فهمند. یک آموزگار به بچه مدرسه‌ای‌ها می‌گوید که تا به امروز فلان، از این به بعد ... بچه‌ها نمی‌فهمند؟! می‌گویند برای درک این مطلب من باید ۳۰ سال بروم امریکا، دوره کارشناسی و دکتری و این‌ها بخوانم و بعد ۳۰ سال راهبردهای امنیتی و ... درس بدهم تا بفهمم جدید یعنی چه؟ جدید یعنی این‌که تمام تحریم‌های گذشته تا به امروز قرص و محکم سر جایش است و خلاص. شعبده‌بازی و چشم‌بندی هم ندارد. این مال «جدید»، و این مال «فروریختن رژیم تحریم‌ها». رژیم تحریم چطوری فروریخت؟ می‌بینید؟ با این «جدید»، شورای امنیت، اتحادیه اروپا و امریکا،

قطعنامه جدید و تحریم جدید نمی‌کنند. گذشته‌ها، وقتی شما راجع به گذشته‌ها سکوت کردید، یعنی چه؟ آن قدر روشن است که نیاز به گفتن ندارد.

اما قید «مرتبط با هسته‌ای». این چنین خیلی ساده و کوچک آن کنار، می‌بینید؟ یا مجدداً در سومی که مربوط به امریکا است، این سطر دومش را ملاحظه بفرمایید. این نشان می‌دهد چقدر با دقت نوشته شده است، تصادفی نیست مثلاً «جدید» در یکی آمده در یکی نیامده است، «مرتبط با هسته‌ای» در یکی آمده است و ... اصلاً! جالب است، این را یک چک بکنید، ببینید اوپاما دکترایش در چه رشته‌ای است؟ اصلاً دکتری دارد؟ کری را بروید ببینید، شرمن را بروید ببینید. آقا، این بازی‌های متعفن فقط مال ماست، اینجا هم عرض سلامی به شورای عالی انسداد فرهنگی بکنیم، یک عرض ارادت! این بازی‌ها مال ایران است که همینطوری یک درب دکان بقالی درست می‌کنیم و پشت سر هم دکترا می‌دهیم. برای این‌که می‌خواهیم وزیر شویم دکترا می‌خواهیم، می‌خواهیم وکیل شویم، می‌خواهیم بازرگان شویم، می‌خواهیم سفیر شویم، هر که می‌خواهیم شویم باید دکتر شویم. فاجعه است این، این چه بازی است؟ ما با این کارها سر کی را داریم کلاه می‌گذاریم؟ من به شما توصیه می‌کنم به سوابق وزارتخانه‌های مختلف امریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان مراجعه کنید، ببینید چند نفر دارای مدرک دکتری تخصصی در آن وزارتخانه‌ها پیدا می‌کنید. این یک چیز خیلی ساده و ابتدایی است: مدرک دکتری تخصصی یک مدرک پژوهشی است. یعنی فقط به درد پژوهش می‌خورد آقا می‌خواهد وزیر شود و وکیل شود، نمی‌خواهد پژوهش بکند. منتها ما نوعاً دانشجویان این دوره پژوهشی را خالی پر می‌کنیم. جوانان مملکت را - در اکثر جاها - استثناءها کاملاً مشخص است و نیازی به اتلاف وقت ندارد - در اکثر جاها خالی پر می‌کنیم و یک کاغذ سومی را دستشان می‌دهیم که دیگر حالا شما دکتر هستید و دیگر حالا واجد شرایط هر شغلی هستید. چرا این کار را می‌کنیم؟! «مرتبط با هسته‌ای»، یعنی چه؟

جمله را یک بار با هم می‌خوانیم: «اتحادیه اروپا هیچ تحریم جدید مرتبط با

هسته‌ای وضع نخواهد کرد»، ایجاد نخواهد کرد. مرتبط با هسته‌ای، یعنی اگر مرتبط با غیرهسته‌ای باشد... تحلیلش دست کم در این جمع دیگر نیازی نیست. در بعضی جاها شاید، اما این‌جا دیگر نیازی نیست. اما مصداقاً یعنی چه؟ مفهوماً قصه این شد، اما مصداقاً چه هست؟ مصداقاً یعنی این‌که ۳-۴ روز بعد از توافق نامه ۳ آذر - شاید من دارم اشتباه می‌کنم و یکی دو روز بالا پایین می‌گویم، شما بنده را اصلاح کنید - کنگره آمریکا ۱۷ شرکت کشتیرانی بزرگ و مرتبط با امر کشتیرانی را در ایران تحریم کرد: جدید.

روس‌ها به خاطر منافع خودشان که دیدند ایران خانم - عروس خانم - دارد نم‌کم می‌رود در بغل امریکایی‌ها، آن‌ها می‌شناسند، آن‌ها مثل ما نیستند؛ ما نامحرم هستیم ولی آن‌ها خوب می‌شناسند و می‌فهمند ایران خانم دارد کجا می‌رود. لبخندها و حرکات و سکنات و اشارات اصلاً چیز پیچیده‌ای نیست. فکر می‌کنند این‌طوری نیست، چیزی معلوم نیست! روشن است، روس‌ها شروع کردند به جیغ زدن که توافق‌نامه ژنو نقض شد. منافع خودشان است و دلشان برای ما نسوخته است، هیچ کشوری دلش برای ما نسوخته است، ما خودمان باید برای منافع ملی و مصالح و اهداف انقلاب‌مان دل بسوزانیم. روس‌ها که این جیغ‌ها را زدند، چند تا از وکلای مجلس هم شکر خدا - نذر کدام دل‌سوخته‌ای این وسط مؤثر واقع می‌شود! - بالاخره یک دو سه نفری این وسط شروع می‌کنند به حرفهایی زدن.

مراجعه کنید و این مطالب را بررسی کنید چند تا از وکلا قدری اعتراض کردند و گفتند چرا این‌ها این کار را کردند؟ حالا می‌خواهم «مرتبط با هسته‌ای» را بگویم. آن‌گاه خانم شرم‌ن چه گفت؟ آن خانم که دیگر الآن همه می‌شناسید. وقتی نگاهش می‌کنم می‌گویم: چقدر قدرت، چقدر غیرت، تو چه شیرزنی هستی! می‌دانید چه گفت؟ خیلی قشنگ گفت، می‌خواهم بدانید راجع به تک‌تک این کلمات کار کردند، مدرک پی‌اچ‌دی و این‌ها هم ندارند و همه یک لیسانسی، یک فوق لیسانسی دارند. ولی غیرت دارند، تعهد دارند، به سیطره و استیلای آمریکا عشق می‌ورزند. برگشت گفت



که این تحریم کنگره هیچ ربطی به هسته‌ای ندارد. این‌ها هر کاری دلشان بخواهد می‌توانند بکنند. اصلاً تحریم دیگر چیست، هر کاری بخواهند می‌توانند بکنند. مرتبط با هسته‌ای یعنی هر تحریمی را که دلشان بخواهد می‌توانند بکنند و هیچ مشکلی هم پیش نخواهد آمد.

مدیریت جلسه: دوستان صدا قطع شد، اگر صدا را درست کنند ممنون می‌شوم. من یک توضیحی هم بدهم، دوستان که سؤالاتشان را می‌نویسند، خواهشاً فقط یک سؤال بنویسند. چون وقت کم است و تعداد سؤالات خیلی زیاد است. اگر کسی هم درخواست دارد که بیاید و سؤال شفاهی مطرح کند، روی همان برگه‌ها بنویسد و به ما بدهد، ان شاء... سؤالش مطرح خواهد شد. مکث...

درست شد، لطفاً ادامه بدهید.

بسیار خوب.

از ۳ آذر به این سو چند نقض دیگر، چند تحریم دیگر رخ داده است؟ بعد چه اتفاقی افتاد؟ هیچ، چرا؟ چون «مرتبط با هسته‌ای» آن‌جاست! هر موقع خیلی بخواهید اعتراض کنید، برنامه موشکی‌تان! کی به شما اجازه داده که موشک‌هایتان ۵۰۰ کیلومتر برد داشته باشد؟ کی به شما گفته در سوریه نقش داشته باشید؟ کی گفته که شما از حزب... دفاع کنید؟ کی گفته کشورهایی که تلاش می‌کنند استقلال خودشان را قدری تأمین کنند، کی گفته شما با آن‌ها همکاری داشته باشید؟ مثلاً... بقیه نقطه‌هایش را شما خود پر کنید.

بسیار خوب، ملاحظه می‌شود که ساختمان یا رژیم تحریم چه شده؟ این بندهای ۵ و ۶ و ۷ مطلقاً هیچ جای ساختمان و رژیم تحریم موجود را، دست نمی‌زند، کاملاً سر جای خودش است و این یعنی تحریم‌های شورای امنیت و اتحادیه اروپا و آمریکا کما فی‌السابق نه تنها به قوت خودش باقی می‌ماند، بلکه می‌تواند بی‌هیچ مشکلی گسترش بیشتری پیدا کند. و نه تنها می‌تواند باقی بماند که مطابق دیباچه - الآن

سراغ دیباچه می‌روم - ایران ملزم و متعهد شده است که به تمام قطعنامه‌های شورای امنیت بپردازد و آن‌ها را به یک فرجام رضایت بخشی برساند. این دیباچه است - اگر دوستان زحمت بکشند و دیباچه را بیاورند - دیباچه ابتدای توافقنامه است.

با هم بخوانیم: بنده ایجاد کانال مالی را مورد بحث قرار نمی‌دهم. تجارت بشردوستانه به گونه‌ای تعریف شده است که شامل مواد غذایی، محصولات کشاورزی، دارو و ... است و بعد وقتی کری مورد اعتراض قرار می‌گیرد که دیگر این را چرا دادی این را برای چه کردی؟ این توضیحات کری است، نقل قول، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ در اطلاع‌رسانی مطبوعاتی‌اش. می‌گوید «ما همچنین تراکنش‌های بشردوستانه را فراهم می‌کنیم که از پیش قوانین امریکا اجازه داده است. هیچ چیزی تغییر نمی‌کند، در واقع قوانین تحریم به طور مشخص کمک‌های بشردوستانه را معاف می‌کند!» این صحبت‌های کری است و معذک این می‌شود یک بند بلند و بالای تعلیق‌های امریکا. چیزی که اصلاً نبوده است، جز تحریم نبوده است! من نمی‌دانم این تخصص کجاست؟ چه شد؟ کو آن تخصص؟ دولت ژنرال‌ها این است؟ دولت کارکنان‌ها که دیگر یک مشت گری‌گوری سرباز صفر نیست. این‌طوری است؟ دست‌کم در سیاست خارجی؟ حالا حوزه‌های دیگر باید بررسی شود. من این‌جا قضاوت نمی‌کنم.

یک نفر از میان حضار: این نظر شماست!

بله دیگر، دیدگاه و ارزیابی بنده است. بنده دیدگاه خودم را بازگو می‌کنم!

مدیریت جلسه: دوستان، این طوری ناهماهنگ و از بین جمع شفاهی سؤالتان را مطرح نکنید. اگر سؤال شفاهی دارید، نامتان را بنویسید و در زمانی که مشخص شده پس از پایان صحبت‌های آقای دکتر زیباکلام می‌توانید سؤالتان را این‌جا بپرسید. اگر این کار را بکنید، وضع جلسه به هم می‌ریزد و حق بقیه دوستان هم ضایع می‌شود. خواهش می‌کنم که این کار را نکنید. ممنون می‌شوم. آقای دکتر ادامه بدهید.

خدمت شما راجع به بخش چهارم توافقنامه ژنو عرض کنم. همین بخش پایانی

با عنوان اجزاء گام نهایی راه حل جامع. باز به واسطه قلت وقت من از بیشتر آن عبور می‌کنم، فقط یک پاورقی در انتهای این توافق نامه هست که فوق العاده مهم است. آدم وقتی دقت می‌کند اهمیتش را می‌بیند. اما تحلیل این را می‌گذارم اگر فرصت شد موقع پرسش و پاسخ چون این داستان حق غنی‌سازی بسیار مهم است و من حیقم می‌آید که آن و چند مطلب دیگر را نگویم، این پاورقی را می‌گذارم اگر فرصت شد و دوستان مایل بودند توضیح می‌دهم.

برویم سراغ چند موضوع دیگر: یکی حق غنی‌سازی است. بلافاصله پس از پذیرش توافقنامه، آقای دکتر ظریف در ژنو در یک نشست مطبوعاتی - با شور و شغف ویژه‌ای که آدم دست‌کم در همان زمان واقعاً خوشحال می‌شد - اعلام کرد، که حق غنی‌سازی به رسمیت شناخته شده است. به فاصله یکی دو ساعت بعد، کری در یک نشست خبری این‌ها هست، به زبان انگلیسی و به زبان اصلی هست. اگر خواستید باز ایمیل‌هایتان را محبت کنید بدهید تا برایتان فرستاده شود.

آقای دکتر، عذر می‌خواهم. دوستان گفتند تا ۵:۳۰ می‌توانید ادامه بدهید.

اصل توافقنامه که این‌جا دوستان دارند و ظاهراً توزیع هم شده است. به خاطر این مطلبی که الان می‌خواهم، جان کری چندین مصاحبه مطبوعاتی در همان ژنو انجام می‌دهد. یکیش با سی بی اس است و یکی با سی ان ان است و یکی با ای بی سی است و یکی‌اش هم اصلاً نشست خبری است.

حق غنی‌سازی: به فاصله یکی دو ساعت بعد کری در یک کنفرانس مطبوعاتی سفت و قرص و محکم می‌گوید - تمام این متون به فرنگی، به انگلیسی هست. اصلاً هست چیست؟ این‌جا دانشگاه است، هر کدامتان در جیب‌تان هم به اینترنت دسترسی دارید، بنزید روی سی ان ان، بنزید روی ای بی سی یا سی بی اس یا وزارت خارجه آمریکا. بعد کلید واژه‌ای که می‌خواهید بنزید: برنامه هسته‌ای ایران یا چیزی در این حدود و مصاحبه‌های مختلفی که در این رابطه هست و یا مصاحبه‌هایی که بخشی‌اش این هست برایتان می‌آید. ولی با این حال، چون این کار یک بار زحمتش

کشیده شده است و پرینت شده است اگر بخواهید می‌شود برایتان میل شود و دزدسری هم ندارد - مطلقاً در هیچ جای توافقنامه حق غنی‌سازی به رسمیت شناخته نشده است. به فاصلهٔ یکی دو ساعت بعد، یک غلیان و یک جوششی هم به وجود آمده است، در آن شرایط توجهات همه جلب شده که وزیر خارجهٔ ایران چه می‌گوید، وزیر خارجهٔ امریکا چه می‌گوید و هکذا. بنابراین این واکنش‌های رفت و برگشتی قابل انتظار است، اما معمولاً به این سرعت این قدر این واکنش‌ها رخ نمی‌دهد، یکی دو روز سه روز پنج روز یک هفته می‌گذرد. ولی اینجا به علت اهمیت ماجرا و این جوشش و غلیان ماجرا، به سرعت...

محبت دارید! می‌فرمایند دارید دروغ می‌گوئید! محبت دارید، شما بزرگوارید که این طور فرمایش می‌کنید! این‌ها اسنادش هست. کری سریعاً به فاصلهٔ یکی دو ساعت با یکی از این شبکه‌هایی که عرض کردم - اسمش را من خاطر نمی‌آید کدام است، سی ان ان است یا سی بی اس است یا ای بی سی است - برمی‌گردد و می‌گوید هیچ جای توافقنامه هیچ اشاره‌ای به حق غنی‌سازی نشده است، اصلاً و ابداً. مجدداً ظریف باز به فاصلهٔ یکی دو سه ساعت پاسخ می‌دهد و واکنش نشان می‌دهد و می‌گوید که در بخش اهداف و بخش چهارم حق غنی‌سازی قید شده است. در این توافقنامه اصلاً بخش اهداف نداریم! اگر دوستانی که در اختیارشان هست یک مروری بکنند، یک دیباچه داریم همان اول بسم ا... یک اجزاء گام اول است، بخش دوم اقدامات داوطلبانهٔ ایران و بخش سوم اقدامات داوطلبانهٔ امریکا و اروپاییان. و بالاخره بخش چهارم که می‌گوید اجزاء گام نهایی راه‌حل جامع. ببینید همین ۴ بخش را دارد، بخش اهداف نداریم. البته ممکن است ظریف لغزش کرده باشد و اشتباه کرده باشد، آمده باشد بگوید دیباچه گفته اهداف، مشکلی نیست. همهٔ ما از این قبیل اشتباه‌ها و لغزش‌ها داریم. بنابراین چیزی نیست که بگوییم چیزی است، ولی به هر حال اشاره می‌کند و ذکر می‌کند و می‌گوید در بخش اهداف و بخش پایانی، بخش چهارم حق غنی‌سازی ذکر شده است. آقای کری باز در واکنش می‌گوید

اصلاً و ابداً چنین نیست، در هیچ جای توافقنامه حق غنی‌سازی نیامده است. بنده این مذاکره و این گفت و گوی واکنشی بین این دو نفر را تمام کنم تا بیایم سراغ توافقنامه و ببینیم کجای این حق غنی‌سازی آمده است و اگر حق غنی‌سازی نیامده است، به جایش چه آمده است! دکتر ظریف سپس در تهران - چون ظریف وقتی از ژنو برمی‌گردد - در تهران، به فاصله یکی دو روز بعد - حالا اگر اشتباه نکنم یا در فرودگاه یا یکی دو روز بعد - در یک مصاحبه مطبوعاتی و خبری اعلام می‌کند که مهم نیست بعضی‌ها چه تفسیری از توافقنامه و حق غنی‌سازی دارند. به هر حال در معاهده عدم گسترش حق غنی‌سازی ذکر شده است.

شما زحمتی کشیده بروید و معاهده عدم گسترش را مطالعه کنید، اصلاً هم محرمانه نیست. ضمناً هیچ سند بین المللی محرمانه نیست. شما در دبیرخانه سازمان‌ها بروید، سازمان ملل، شورای امنیت، آژانس، قطعنامه‌هایی که علیه ما صادر شده است، تمام این‌ها را می‌توانید در سایت آژانس ببینید. کلی قطعنامه علیه ماست و کلی قطعنامه در شورای امنیت داریم. سایت تمام سازمان‌های بین المللی را می‌توانید بازدید کنید. دوستان معاهده را مطالعه کنند.

آقای دکتر ظریف می‌گویند که در معاهده ذکر شده و قید شده است، حالا دیگران هر تلقی که می‌خواهند داشته باشند! یعنی چه هر تلقی داشته باشند؟ اولاً در معاهده عدم گسترش نیامده است و ثانیاً یعنی چه هر کسی هر تلقی می‌خواهد داشته باشد؟ مگر امریکا یا وزیر امور خارجه امریکا وقتی دارد صحبت می‌کند هر کسی است؟ ما یک قاعده حقوقی داریم: «العقود بالقصود»، عقدها به قصدها برمی‌گردند. این طرف مذاکراتی ماست، بالا و پائین این متن دارد می‌گوید این‌طور نیست، این این‌طور نیست، این حرف‌ها موضوعیت دارد و مهم است، آن وقت این‌ها هر چه می‌خواهند بگویند؟ مگر این آقا وزیر امور خارجه ساحل عاج است؟ این وزیر خارجه امریکا است که شما با آن‌ها مذاکره کردید و بعد یک توافق‌هایی کردید و حالا می‌خواهید اجرا کنید. یعنی چی هر چه می‌خواهند بگویند؟ این‌ها طرف ما هستند،

برای اجرا ما باید با این‌ها کارمان را به سامان برسانیم. متوجهید؟ ما باید با این‌ها کارمان را به سرمنزل برسانیم. یعنی چه این‌ها هر تلقی دارند، داشته باشند؟ تفسیرهایی برای خودشان دارند و داشته باشند! این نیست، قصه این‌طوری نیست. این مال داستان معاهدهٔ عدم گسترش، هیچ ذکری از حق غنی‌سازی شما هیچ جای توافقنامه نمی‌بینید، کری راست می‌گوید و وزیر امور خارجهٔ ما در خوشبینانه‌ترین حالت اشتباه می‌گوید. اگر خوش‌بینی به خرج بدهیم، دارد اشتباه می‌کند.

اما این توافقنامه پیش‌روی شماست. اما فراز اول، دیباچه، فراز اول، تقریباً میانهٔ راه، این‌جا ذکر برنامهٔ غنی‌سازی شده است، دوستان ملاحظه کنند، از همان ابتدا:

The goal for this negotiations is to reach a mutually agreed long-term comprehensive solution,...

بیانید پایین تا بعد از معاهدهٔ عدم گسترش که معاهدهٔ عدم گسترش را شما می‌بینید. جمله‌ای که معاهدهٔ عدم گسترش در آن آمده است، جملهٔ بعدی را با هم ملاحظه و مرور کنیم، این راه حل جامع...

This comprehensive solution would involve a mutually defined enrichment program with practical limits and transparency measures to ensure the peaceful nature of the program.

خلاص! این دیباچه است. چه می‌گوید؟ می‌گوید: این راه حل جامع شامل یک برنامه غنی‌سازی متقابلاً تعریف‌شده با محدودیت‌های عملی و اقدامات شفاف‌سازی (transparency measures) برای این‌که ماهیت صلح‌آمیز برنامه ایران را تضمین کند. این را می‌گوید. اصلاً هیچ صحبتی از حق غنی‌سازی نیست، ابداً اینجا نیست. بعد فراز همین را - اگر دوستان ادامه بدهند - چون فرصتمان کم است من خواهش می‌کنم شماها هم این دیباچه را از اول تا آخر بخوانید. من چندبار خواندم، متون فلسفی و تخصصی را بنده معمولاً یک بار می‌خوانم، خیلی نادر است که یک کتابی یا بخش‌هایی از اثری را دوبار بخوانم، خیلی نادر است. اما این را به خاطر این‌که مال مملکت است، مال میهن است و حساب کتاب‌هایی برای خودم داشتم، دو سه بار

خواندم. من از شما تقاضا می‌کنم این دیباچه را با دقت ملاحظه کنید و اگر حق غنی‌سازی در آن یافتید، به بنده اطلاع بدهید، به خود من اطلاع بدهید تا بنده با ذکر نام عذرخواهی کنم و این‌جا بنویسم که بنده در این زمینه اشتباه می‌کردم، این‌جا حق غنی‌سازی آمده است!

اما حالا سراغ بخش چهارم می‌رویم، یعنی همانی که مورد ارجاع و استناد آقای دکتر ظریف قرار گرفت. آن‌جایی که برنامه غنی‌سازی در آن ذکر شده است، فقط و فقط بند چهارم است. آن‌که این‌طوری شروع می‌شود... چهارمی را ببینید، این‌جا تنها جایی است که برنامه غنی‌سازی ذکر شده و نه حق غنی‌سازی. آخر بالاخره نمی‌دانم آیا فرقی نمی‌کند؟ آیا حق غنی‌سازی با برنامه غنی‌سازی یکی است؟

حالا ببینید چه دارد می‌گوید، این‌که چه می‌گوید خیلی مهم‌تر از آن است که واژه حق نیامده است. این‌که چه آمده اصلاً فاجعه است، نگاه کنید، دارید می‌بینید دیگر، وقت را نگیرم. ترجمه‌اش این می‌شود: راه حل جامع شامل یک برنامه متقابلاً تعریف شونده با شاخص‌های متقابلاً توافق‌شونده سازگار با نیازهای عملی ایران. هنوز جمله تمام نشده است، بعد از کاما، با محدودیت‌های توافق‌شده راجع به دامنه کار و سطح فعالیت‌های غنی‌سازی. کامای بعدی، ظرفیت، کجا غنی‌سازی انجام شود، و بالاخره مکان ذخایر اورانیوم غنی‌سازی‌شده. ببینید چه چیزهایی باید توافق شود و ما دیگر اختیاری داریم؟ ما نظر می‌دهیم امریکایی‌ها و اروپایی هم نظر می‌دهند. بسم...، اگر توافق نشود توقف. اولاً برنامه غنی‌سازی باید با امریکایی‌ها مورد توافق قرار بگیرد، تعریفش باید به طور متقابل انجام شود (mutually defined). این‌که ما خودمان با توجه به منافع و نیازهایمان - نیازهای درمانی و دارویی‌مان، تحقیقاتی‌مان، رآکتورهای‌های تولید برق‌مان و الی آخر - برنامه تعریف کنیم، ممکن نیست. برنامه باید متقابلاً تعریف شود، با شاخص‌هایی که باید مورد توافق قرار گیرد، شاخص‌هایی که باید با نیازهای عملی سازگار باشد.

ممکن است بگویید این نیازهای عملی، این‌جا ما می‌گوییم دیگر! اشتباه

می‌کنید، شما ایرانی‌ها، شما کشور و دولت و ملت ایران خیلی بی‌جا می‌کنید! Practical needs, it's over there! شما تعیین می‌کنید؟ شما بی‌خود می‌کنید، اگر باور ندارید بروید در سایت کاخ سفید و بروید در سایت کنگره ببینید که آن‌جا راجع به practical needs ایران دارد بحث می‌شود، دارد گفتگو می‌شود و به کرات کری در جلسات استماع‌هایی (hearing sessions) که با کمیته روابط خارجی سنا و مجلس نمایندگان دارند - همان‌طوری که وکلای ما گذاشتند! - و یقه کری را می‌گیرند که شما چرا جمع نکردید؟ چرا با خاک یکسان نکردید؟ حالا که تحریم فشار آورده است و دولا شده‌اند، چرا این مقدار؟ در پاسخ کری می‌گوید: نگران نباشید! practical needs... را ما تعیین می‌کنیم. نیازهای عملی ایران را ما تعیین می‌کنیم. بعد می‌گوید که ایران نفت دارد و گاز هم دارد و معادن زیادی دارد و کشور ثروتمندی است و نیاز ندارد. بنا را باید بر استفاده بسیار محدود نمادین بگذاریم برای این‌که برای ملت ایران روی هم‌رفته قابل قبول باشد، یک چیز نمادین.

این محور چهارم را یک بار دیگر برای خودتان مرور کنید، اصلاً فوق‌العاده است، یعنی اصلاً هیچ‌جایی برای تصمیم‌گیری ما باقی نمانده است. واقعاً بنشینید فکر کنید حاکمیت ملی یعنی چه؟ استقلال یعنی چه؟ من معتقدم ما یک‌بار دیگر باید بنشینیم روی این موضوعات کار بکنیم، اگر این‌ها استقلال است، ما باید بنشینیم روی مفهوم استقلال مجدداً کار کنیم و آن را تحدید موضوع کنیم. اگر حاکمیت ملی این است، باید بنشینیم رویش کار کنیم که حاکمیت ملی این است؟ ببینیم آن وقت کشورهای دیگر هم همین‌طوری استقلال و حاکمیت ملی دارند؟ حتی این‌که کجا غنی‌سازی انجام شود باید مورد مذاکره و موافقت قرارگیرد.

تکرار می‌کنم، اگر این مبنای سیاست خارجی سرچایش بماند، اگر این بماند، این حرف و سخن میان من و شما امروز در این جایگاه مقدس یعنی دانشگاه حجت بین من و شما، این حرف‌ها حجت میان من و شما، ببینید از برنامه غنی‌سازی ما چه باقی خواهد ماند؟ آری، یک چیزکی باقی می‌ماند. یک تابلوی بزرگ و چند ساختمان



تزیینی، ولی گستره کار را امریکایی‌ها، سطح کار را امریکایی‌ها، شاخص‌ها را امریکایی‌ها، نیازهای عملی ما را امریکایی‌ها، همه را آن‌ها باید بگویند. این مال حق غنی‌سازی.

اما قطعنامه‌های شورای امنیت! اگر خاطر دوستان باشد در بند قطعنامه‌های شورای امنیت گفتیم شورای امنیت تحریم‌های جدید و مرتبط با هسته‌ای، نخواهد گذاشت. خاطرتان می‌آید؟ حالا نگاه کنید و ببینید این اتفاق بدتر از آن است که ما به تلویح و به طور ضمنی وجهت آن قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت را پذیرفتیم. داستان خیلی عمیق‌تر از این است. همین دیباچه را مجدداً نگاه کنید. همان دیباچه که ابتدا از آن عبور کردیم و گفتم بعداً به آن برمی‌گردیم. فراز دوم دیباچه را ملاحظه کنید، آن‌جا که می‌گوید:

There would be additional steps in between the initial measures and the final step, including, among other things...

خوب این‌جا را بخوانید:

addressing the UN Security Council resolutions,...

پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت برای چه؟

with a view toward bringing to a satisfactory conclusion the UN Security Council's consideration of this matter.

این‌ها را راستی‌آزمایی کنید که وقتی گام نهایی راه حل جامع منتشر شد... در عمل ببینید چه اتفاق‌هایی دارد می‌افتد. اگر حرف‌های بنده راست بود، فاتحه‌ای مرحمت کنید. اگر دروغ بود لعنت کنید، من پای حرف‌هایم هستم، اگر اشتباه بود بگویید چه اشتباه‌هایی می‌کرد، چقدر بزرگ! خیلی ساده، این دیباچه دارد راجع به راه حل جامع حرف می‌زند. نگاه کنید، گام‌های اضافی در میان اقدامات اولیه و گام نهایی وجود خواهد داشت، از میان چیزهای دیگر شامل پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل با این نظر که قطعنامه‌های شورای امنیت به یک فرجام رضایت‌بخش برسد. قطعنامه شورای امنیت صادرکننده‌اش معلوم است کیست و

متوجه چه کشوری هم هست روشن است. اما کدام کشور باید به یک فرجام رضایت‌بخش برساند؟ شورای امنیت سازمان ملل باید به یک فرجام رضایت‌بخش برساند؟ ببینید این‌جا قید نشده است، ابهامی است که فقط با یک کم دقت رفع می‌شود که این ایران است که باید به قطعنامه‌ها بپردازد و آن‌ها را به یک فرجام رضایت‌بخش برساند.

و اما زمان دراز مدت! قسمت آخر، قسمت چهارم را اگر آقای مدیر جلسه زحمت بکشند و نشان بدهند. اولین بند قسمت آخر را.

Have a specified long-term duration to be agreed upon.

این راجع به چیست؟ راجع به راه‌حل جامع است، یعنی چه؟ خیلی ساده، یعنی این‌که یک طرف زمان دراز مدتی که باید برای اجرای گام نهایی مورد توافق قرار بگیرد، باید در توافقنامه نهایی درج شود. آقای دکتر عراقچی در یک جلسه - فکر می‌کنم ۵-۶ آذرماه - در مجلس در یکی از کمیسیون‌ها داشته، یکی از وکلای می‌پرسد که آقای دکتر عراقچی مدت اجرای آن توافقنامه نهایی چقدر است؟ چقدر طولانی است؟ چقدر درازمدت است؟ نقل قول دارم می‌کنم - این‌ها هم باز محرمانه نیست، یعنی این‌ها را هم اگر بخواهید در اختیارتان می‌گذارم - آقای دکتر عراقچی در جواب می‌گوید امریکایی‌ها صحبت از ۲۰ سال می‌کنند!

ظاهراً قدری خسته شده‌اید! ولی آش‌کشک خاله‌مان است، ما سه ماه است داریم این بحث‌ها را می‌کنیم، به هر حال انقلابمان است، مملکتمان است، خسته‌ایم، بلند شویم برویم پای سریال و دوریال‌های رسانه‌ی شبه‌ملی، برویم پای آن! اما اگر انقلابتان و مملکتتان و منافع ملی و وطن‌تان برایتان مهم است، باید بایستیم روی این قصه، باید بایستیم، مخالف هستیم، موافق هستیم، هر چه هستیم، به هر حال باید کار کنیم. می‌پرسد آقای دکتر چقدر است؟ می‌گوید امریکایی‌ها می‌گویند ۲۰ سال، ولی ما بهشان گفتیم ۵ سال. گفتند اصلاً حرفش را هم نزنید، حداقل باید ۲ رقمی باشد، بقیه مذاکره را ما نمی‌دانیم، تازه این مورد را هم یکی از نمایندگان در جایی درج کرده

است و بنده خواندم. احتمالاً عن قریب است که مورد تعقیب قضایی هم قرار بگیرد. شکایت شده.

بله، شکایت شده است. ممنون. شما مشخص کردید!

مدیریت جلسه: از دوستان خواهش می‌کنم روی صندلی‌ها صحبت نکنند.

بقیه ماجرا را ما نمی‌دانیم که بالاخره امریکائی‌هائی‌ها بعد چه گفتند و مثلاً طرف ایرانی چه گفته است؟ این‌ها را ما نمی‌دانیم. ولی این قصه ۲۰ سال چیست؟ فرض کنید بشود ۱۵ سال، بشود ۱۰ سال، دیگر حداقلش ۲ رقمی است، دیگر حداقل ۲ رقمی ۱۰ است دیگر. چه اهمیتی دارد؟ ما از خودمان سؤال کنیم چه اهمیتی دارد؟ خیلی ساده، زمان اجرای این دوره، این بازه، زمان اجرای آن راه حل پایانی است. آن وقت چه اهمیتی دارد که مثلاً ۲۰ سال طول بکشد یا ۲ ماه؟ می‌دانید این توافقنامه که دو بخش مهمش را من مطرح کردم، ظرف زمان اجرایش چقدر است؟ ۶ ماه است. چرا این ۲۰ سال نیست؟ من عمداً به این سؤال جواب نمی‌دهم، برای این‌که شما یک خرده بدوید، برای این‌که مملکت و عزت همه‌مان است، این شهدای هسته‌ای مال همه این مملکت است، این زحماتی که امثال شماها این‌ور آن‌ور ساکت و آرام دارید می‌کشید، همه‌مان درش شریک هستیم، این‌که دارد ضایع می‌شود و حرام می‌شود. چرا ۲۰ سال؟ چرا ۱۵؟ چرا ۱۰؟ چرا می‌گوید حداقل ۲ رقمی؟ چه‌طور این توافقنامه شد ۶ ماه، ولی آن راه حل جامع حداقل باید ۲ رقمی باشد؟ کلیدش این‌جاست، نگاه کنید، آخرین فراز راهبردی این راه حل جامع. هفتمین فراز اجزاء گام نهایی راه حل جامع. یکی زمان است که صحبت از حداقل دو رقمی و فعلاً صحبت ۲۰ و ۱۵ و این‌هاست و فرازهای دیگری دارد و آخرین هم می‌گوید: با هم بخوانیم:

Include international civil nuclear cooperation, including among others, on acquiring modern light water power and research reactors and associated equipment, and the supply of modern nuclear fuel as well as agreed R&D practices.

واقعاً آفرین به امریکایی‌ها، واقعاً آفرین. یعنی این در تاریخ می‌ماند. من و امثال من یک جوری است که حداکثر ۱۰-۱۵ سال دیگر، اگر اتفاق خاصی نیفتد ۵ سال، ۱۰ سال دیگر باید یک لنگه پا بایستیم جواب اعمال‌مان را بدهیم. اما شما خواهید دید در تاریخ راجع به این توافقنامه چه گفته خواهد شد.

این راه حل جامع شامل همکاری هسته‌ای غیرنظامی بین‌المللی... خودتان؟  
هیس! خودمان چیست!

شامل به دست آوردن رآکتورهای تحقیقاتی و نیروی آب سبک. یادتان هست گفتند این رآکتور آب سنگین کامل لوله خواهد شد. الآن تعطیل کامل است، تعلیق کامل است. ۶ ماه و فلان و سوخت نرود و حمل نشود و اصلاً همه چیز منجمد، این الان. یادتان هست گفتم این خیلی مهم است؟ امریکایی‌ها به کرات دارند بین خودشان بحث می‌کنند می‌گویند رآکتور اراک غیرقابل قبول است، در یک صحبت ۲ دقیقه‌ای چند بار کری می‌گوید که رآکتور اراک غیرقابل قبول است. چند بار تکرار می‌کند به نحوی که اصحاب کنگره به هر حال بدانند ایشان عهده‌دار است، حواسش هست. بعد نگاه کنید رآکتورهای تحقیقاتی و نیروی آب سبک و ابزارآلات مربوطه و تدارک سوخت هسته‌ای جدید، باید تدارک بشود، ایران بسازد خیر، باید تدارک شود.

supply of modern nuclear fuel as well as agreed R&D practices.

تحقیق و توسعه (R&D practices) را باید با هم صحبت کنیم، شما می‌گویید این‌طور، چرا این‌طور؟ نیازهای عملی شما، کی به شما گفته؟ کی گفته؟ برای چه؟ حالا این‌ها را داشته باشید، آب سنگین و آب سبک و بعد nuclear fuel که باید مدرن‌اش تدارک شود، نه این‌که از نطنز تهیه شود یا فردو، از یک جای دیگر بیرون ایران باید تهیه شود وگرنه «تدارک سوخت هسته‌ای مدرن» یعنی چه؟

بعد از همه این ماجرا، باید ببینیم چه می‌شود. همه این ماجرا که این‌جا دارد ذکر می‌کند، به همراه اقلام دیگری که این‌جا هست - ۶ قلم دیگر هست - امریکایی‌ها می‌گویند ۲۰ سال باید طول بکشد، ایران هم گفته ۵ سال، امریکا هم گفته حداقل دو

رقمی که دیگر حداقلش ۱۰ سال را داریم، آن وقت بعد چه می شود؟ این جا را نگاه کنید، حرفم تمام است. این آخرین جمله را نگاه کنید و با هم بخوانیم، شماها بخوانید، به دنبال اجرای موفق گام نهایی راه حل جامع برای دوره کاملش، ۱۰ سال، اگر شد ۲۰ سال ۱۵ سال ۱۷ سال هر چی، ولی سال را نگاه کنید، این مقدار. بعد چه می شود؟ به دنبال اجرای موفق گام نهایی... برنامه هسته ای ایران به همان نحوی محسوب خواهد شد که با هر عضو بدون سلاح هسته ای عضو معاهده عدم گسترش رفتار می شود. یعنی چه؟ به زبان خیلی شسته رفته تر، یعنی تازه بعد از آن ۱۰-۱۵-۲۰ سال و اجرای این همه ماجرا، تازه شما می شوید عضو معمولی معاهده عدم گسترش، یعنی همان رفتاری با شما می شود که با یک عضو معمولی معاهده عدم گسترش می شود. تا آن موقع بشین و اصلاً حرف هم نزن، چون همه گزینه ها روی میز است.

چرا می گوید ۲۰ سال؟ برای این که این ۲۰ سال شما همین طوری لنگ در هوا، همه اش باید بدوی، باید بدوی آن کار را بکنی و این کار را بکنی و این را جمع کنی و آن را لوله کنی. همه این کارها را کردید، چشم! همه این کارها را کردی و وقتی اجرای کامل رخ داد، تازه شما می شوید آدم معمولی، الآن مریض هستید، خطرناک هستید، الآن باید مدام تحریم باشید. گزینه ها روی میز است، گزینه های دیگر هم زیر میز است! حالا قصه ۲۰ سال را می بینید؟ این ۲۰ سال دویدن، ۲۰ سال وضعیت غیر عضو عادی، وضعیت ویژه، یا حالا ۱۰ سال، ۱۵ سال، خوش بینانه ترین حالتش ۱۰ سال است.

براستی چرا این مذاکرات اعلان نمی شود تا ملت ایران از توافقات غیر نهایی شده آگاه شود؟

ممنون از صبر و حوصله تان. من در مجموع در آذر ماه نگران برنامه هسته ای بودم. این حرف آخر را هم با شما بزنم. چون از آذر ماه قرار بود ما خدمت شما برسیم. به یمن برکت جو رسانه ای، اطلاعاتی، امنیتی که ساخته شده تا الآن نیمه

اسفند طول کشید. چندین بار دوستان مرتب تلاش کردند و رد شده است و امروز هم ۱۱/۵ صبح مجوز داده شد. در حالی که شورای فرهنگی جلسه‌اش یکشنبه است، در آنجا تصمیم گرفته شده است، چرا تا ساعت ۱۱/۵ روز سه شنبه باید کش پیدا کند؟ برای این که بعضی بی‌سوادها صحبت‌های خارج از چارچوب می‌کنند و در هر حال هر چه آن گونه صحبت‌ها کمتر شنیده شود، بهتر است. ۱۱/۵ صبح! عیبی ندارد. ما به همین هم راضی هستیم. اگر ۱۰ نفر هم می‌آمد، من عین این صحبت‌ها را می‌کردم. ۵ نفر هم می‌آمد، عین این صحبت‌ها را می‌کردم. یک جوری باید باشد که دست‌کم بنده سراپا تقصیر شب سرش را می‌خواهد بگذارد روی بالش، بگوید خدایا آن چه را که حس کردم و قلبم گواهی می‌داد، گفتم. سه نفر آمدند نشستند یا سه هزار نفر، تو باید حرف‌هایت را بزنی.

و سخن آخر! الآن بنده دیگر نگران برنامه هسته‌ای نیستم، الآن نگران استقلال جمهوری اسلامی ایران هستم، نگران حاکمیت ملی هستم. که بیشتر، الآن دیگر من نگران کل انقلاب اسلامی هستم. بله، ناراحت می‌شوم و شماها ناراحت می‌شوید. من الآن دارم می‌بینم که کم‌کم مثل موریانه ستون‌های انقلاب دارد خورده می‌شود، مصاحبه آقای دکتر ظریف در کمیسیون امنیت اروپا را ببینید. ما در کمیسیون امنیت اروپا؟ ما؟ آنجا چکار می‌کردیم؟! ما؟! کمیسیون امنیت اروپا؟! درست می‌شنویم؟! کی؟ چه دارد می‌شود؟! چه اتفاقی دارد می‌افتد؟! میهن و مملکت ماست. از آقای دکتر ظریف وزیر امور خارجه سؤال می‌شود که نظر شما راجع به اسرائیل چیست؟ شنیده‌اید؟

آقای دکتر، حداکثر ۱۰ دقیقه.

تمام شد عزیزم.

می‌گویند ما مشکلی با اسرائیل نداریم! ما مسئله‌ای نداریم، اسرائیل باید مشکلاتش را با فلسطین حل کند! ۳۵ سال از انقلاب می‌گذرد، ۶۵ سال گفتیم فلسطین. اصلاً افتخار ملت ایران در دنیا به این است که پای مظلوم می‌ایستد و

نسبت به ظالم اگر زورش برسد، کاری می‌کند و اگر نرسد هم دست‌کم اعتراض می‌کند و سخنی می‌گوید و بالاخره یک نقدی، کاری در حد خودش. اصلاً افتخار ما در جهان اسلام و در دنیا این است. حالا دیگر مسئله اسرائیل شد مسئله خودشان؟! اگر خودشان با فلسطینی‌ها کنار بیایند، ما مشکلی نداریم؟! هیچ تکذیب هم نشده است. روشن است کجا داریم می‌رویم!؟

موفق و مؤید باشید، والسلام علیکم ورحمت ا... و برکاته، صلوات.

## پرسش و پاسخ کتبی

از آقای دکتر زیباکلام تشکر می‌کنم. اکنون من سؤالاتی که دوستان پرسیدند را به حداکثر مدت یک ساعت مطرح می‌کنم. این سؤالاتی که را دوستان این جا آوردند، بعضی‌هایش ۲-۳ سؤال دارد و در مجموع سؤالاتش خیلی زیاد است. من فقط یک سؤال از هر کدام این سؤالات هر فرد را می‌خوانم و امیدوارم دوستان ناراحت نشوند، چون تعداد سؤالات زیاد است.

سؤال اول: پرسیدند که آیا توافقنامه ژنو علی رغم مانور تبلیغاتی دولت یازدهم که برد-برد می‌باشد، ولی در عمل شاهد هستیم که برد-باخت است. و امریکا و غرب در اهداف استراتژیک خود به دنبال برچیدن کلیت فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران هستند. تحلیل بفرمائید. خودشان نوشتند تحلیل بفرمائید.

خوب، خیلی تابلو و روشن است، چیزی را این دوستان مبهم نگذاشتند. آیا اشتباه متوجه شدم؟ یعنی به نظر نمی‌آید جایی مانده که من چیزی اضافه کنم. یک بار دیگر قرائت بفرمایید.

می‌خواهید سؤال بعدی را بخوانم؟

سؤال بعدی را بخوانید.

گفتند که عدم ارائه گزارش از سوی دولت در خصوص زوایای پنهان توافق هسته‌ای، نشان دهنده چیست؟ چنین مفهومی را خواستند برسانند. من فکر می‌کنم این هم روشن است، قبل از این که دوستان می‌گویند بیانیه، ولی خوب، این روشن است؛ چرا الآن دارد در وین مذاکرات انجام می‌شود؟ یک دور، سه روز در وین بود، الآن دو مرتبه شروع شده است، به نظرم دیروز و پریروز، شاید یکی دو روز قبل. چرا نتیجه این‌ها در همین مراحل موقتی، همین مقداری که مثلاً ظرف آن سه روز توافق شده. احتمالاً سر یکی دو قلم ماجرا باید توافق شده



باشد، وگرنه ادامه پیدا نمی‌کرد. خوب این‌ها چرا به اطلاع مردم نمی‌رسد؟ واقعاً از خودمان سؤال کنیم. ممکن است بگوئیم در مردم جاسوس موساد هست، بریتیش اینتلیجنس هست، کاگ‌ب که مضمحل شد، بالاخره روس‌ها چیزی جانشین کاگ‌ب ساختند دیگر، نمی‌دانم! ببینم، نمی‌فهمم آخر مذاکره بین المللی با چند کشور چگونه محرمانه است؟ یعنی، این‌جا چی تصور می‌شود؟ تصور می‌شود ملت ایران مثلاً همه نوجوان هستند؟ بچه مدرسه‌ای‌اند؟ واقعاً چه تصور می‌شود؟ شما دارید با کسانی که رقیب ما هستند و ما با آن‌ها مشکل اساسی داریم، آن‌جا دارید با آن‌ها مذاکره می‌کنید، آن وقت قرار است این‌جا چه کار اطلاعاتی بشود؟ ما به مردم بگوئیم چه توافق شده است، چه اطلاعاتی به دشمن ما داده شده است؟ ما با دشمن داریم مذاکره می‌کنیم، ما با امریکایی‌ها داریم مذاکره می‌کنیم، آن وقت این به اطلاع مردم رساندن چه مشکلی دارد و به طور مثال الان ما راجع به همان ظرف زمانی اجرای توافق نهایی مثلاً ده سال توافق کردیم، چه اشکالی دارد برای مردم گفته شود؟ چرا گفته نمی‌شود؟ یا مثلاً راجع به راکتور آب سنگین اراک، مثلاً توافق کردیم ظرف بیست سال جمع شود یا ظرف پنج سال یا یک مقداری جمع نشود یا خرد خرد آجر آجر جمع شود یا هر چه، بالاخره این را که آن طرف می‌دانند، این‌ها یعنی چه که نباید این‌ها را مردم بدانند؟ نمی‌دانم، همین‌طوری برویم جلو دیگر، روشن نیست؟ روشن نیست که این شیوه مخفی‌کاری برای این است که جریان اعتراضی طوفنده‌ای توسط ملت ایران ایجاد نشود و کار انجام شود و ملت ایران، حاکمیت و مجموعه نظام در یک عمل انجام‌گرفته قرار بگیرد؟ روشن نیست که قصه این است؟ ساده است، توافقنامه اولیه را نگاه کنید که قصه‌اش چطوری بود. اول صبح، ساعت پنج و نیم صبح که من داشتم چشم‌هایم را می‌مالیدم و آماده می‌شدم که به دانشگاه بیایم و به موقع سر کلاس درس برسم، دیدم او! تبریک و تهنیت و چه و چه شد؟ حالا تبریک و تهنیت را می‌خوانیم که چه خبر است، حقانیت را دیدیم غنی‌سازی را به رسمیت شناختند! همه را دیدیم، شما فکر نمی‌کنید که چیزی مشابه این دارد تکرار می‌شود؟

فکر نمی‌کنید؟

گفتند که: با سلام، لطفاً بگوئید راهکار شما جهت خروج از بحران قبل از مذاکره ژنو چه بود، در صورتی که مشکلات اقتصادی خیلی ملموس می‌باشد. من به این بحث معتقد نیستم، چون به خود مقدمات این سؤال باور ندارم. نه این‌که باور داشته باشم که وضعیت اقتصادی خوب و توپ است، اشتغال منظم و مرتب و صنایع خوب می‌چرخند و کشاورزی مشکلی ندارد. اصلاً ما بدون تردید مشکلات اقتصادی داریم، اما بریتانیا هم دارد، امریکا هم دارد و فرانسه هم دارد. خوب همه دارند، خیلی کشورهای دنیا مشکلات اقتصادی دارند، فقط چند کشور معدود را می‌شود نام برد که برای ما از دور به نظر می‌آید که مشکل ندارند، البته از دور. ترکیه مشکل ندارد؟ بریتانیا ندارد؟ کجا ندارد؟ ظاهراً تک و توک کشورهای بسیار کوچک و فوق العاده غنی مثل نروژ، مثل کویت، مثل قطر، و کل مجموعه این شیخ‌نشین‌های خلیج فارس. این‌ها یک مقداری مشکل اقتصادی ندارند و ظاهراً یکی دو سه کشور فوق‌العاده ثروتمند اسکاندیناوی منجمله نروژ. بقیه کشورها مشکل دارند. البته ممکن است مشکلات ما بسیار بیشتر باشد، و ممکن است نباشد.

همین‌جا می‌خواهم حرف اصلی را بزنم، این‌که گفته می‌شود ما داریم در یک وضعیت بد اقتصادی به سر می‌بریم و این ساختار اقتصادی ایران به کلی دارد فرو می‌ریزد، این‌ها حرف است. من معتقدم این حرف‌ها باید با آمار و ارقام مستند شود. اگر منافع ملی و انقلاب مطرح است، باید کارشناسان اقتصادی با کمیسیون‌های مربوطه مجلس بنشینند و بررسی کنند. ولی اگر همین‌طوری می‌خواهیم حقه‌بازی و جوسازی کنیم و بعضی کارهای دیگر و یک نان‌های دیگری به تنور بچسبانیم، باشد بگویم اقتصاد ایران دیگر دارد از بین می‌رود. ولی امریکایی‌ها و کل نظام اطلاعاتی‌شان ابداً این حرف‌ها را قبول ندارند، این حرف یک مرتبه از کجا آمد؟ الآن عرض می‌کنم. جان کری می‌گوید: این‌که برخی‌ها می‌گویند که این توافقنامه به قدر کافی موفق نبوده است، ناقص است به خاطر این است که یک چیز خیلی موفق و

سوپر مورد انتظار بوده است این که عده‌ای این حرف‌ها را می‌زنند، این‌ها مسئولیت دارند، و باید بدیل ارائه کنند.

کری سپس ادامه می‌دهد: دولت سابق ایران در سال ۲۰۰۳، دولت وقت ایران پیشنهادی را به دولت سابق آمریکا داد و دولت سابق اشتباه کرد، نپذیرفت. آن زمان ایرانی‌ها ۱۶۴ تا سانتریفیوژ داشتند، این عین مطلب است، ما رفتیم در خط تحریم بیشتر، سانتریفیوژهای ایرانی‌ها ۱۹۰۰۰ تا شد. بدیل بگوئید. تحریم‌ها را هم افزایش دادیم و رفتیم در خط تحریم، پشت سر هم، موج پشت موج، ۱۶۴ تا شد ۱۹۰۰۰ تا. یک جای دیگری، این دومی را خاطر م هست، کری دارد می‌گوید. در یکی از این مطالب مکتوب که باز قابل دسترسی برای شما هم هست، می‌گوید: «این که بعضی‌ها می‌گویند این رضایت‌بخش نیست، شما باید خیلی بیشتر از این به دست می‌آوردید و توفیقات شما کم بوده است، این‌ها متوجه نیستند. این‌ها راه حلی که ارائه می‌کنند می‌گویند ایرانیان را با تحریم‌ها تحت فشار قرار دهید، بیچانیدشان و بروید داخل که عاقبت ایران یا تسلیم بشود یا فروپاشیده شود». عین عبارت کری است، یعنی یا تسلیم یا فروپاشی. بعد می‌دانید چه می‌گوید؟ می‌گوید تمام اطلاعاتی که ما از ناحیه نه بیشتر متخصصان که همه متخصصان داریم می‌گوید که اصلاً وضع ایران این‌طور نیست. بعد از «تمام متخصصین» توضیحی می‌دهد که «(۱+۵)». تمام متخصصین ۱+۵ به ما می‌گویند اصلاً این اتفاق نخواهد افتاد که این پیچ را هی بچرخانیم عاقبت ایران تسلیم می‌شود! این عین عبارت است، خواهش می‌کنم بروید و بخوانید. ایرانی‌ها یا تسلیم می‌شوند یا اصلاً فروپاشی می‌شود، کل نظام و حکومت زیر رو می‌شود، هیچ! «تمام متخصصان» می‌گویند. اصلاً این اتفاق نمی‌افتد. شما اگر فشار بیاورید، فقط زمان تا آستانه گریز را کوتاه‌تر می‌کنید. می‌دانید آستانه گریز چیست؟ یعنی شما به ایران فشار می‌آورید، بازرسی‌ها متوقف می‌شود، مذاکره متوقف می‌شود و مدام فشار می‌آورید و این‌ها سانتریفیوژهای نسل جدیدتر، اورانیوم غنی‌سازی شده بیشتر، انبارهای بیشتر، میزان غنی‌سازی بالاتر و فاصله‌شان با مرحله‌ای که بمب را

بسازند و دیگر نشود کاری کرد - این را می گویند آستانه گریز (breakout) - یعنی دیگر «تو» هم به این‌ها نمی‌شود گفت، این را دارید کوتاه می‌کنید. ما هرچقدر فاصله ایران را از آستانه گریز بیشتر کنیم، به نفع ماست، و احساس امنیت بیشتری خواهیم کرد. هم ما و هم متحدین ما، اسرائیل، عربستان، امارات، قطر، دانه‌دانه این‌ها را اسم می‌برد.

آیا به راستی کری این حرف‌ها را همین‌طوری می‌گوید؟ این‌طور نیست؟! حالا ممکن است شما بگوئید کری خبر ندارد و بی‌اطلاع هست و متخصصینش هم یک مشت آدم‌های بی‌سواد و یا کم‌سواد هستند و یا بعضی‌هایشان از جایی جیره و مواجب می‌گیرند. بنده نمی‌گویم ما مشکلات اقتصادی نداریم، این بار دوم است می‌گویم، ما مشکل اشتغال داریم، ما مشکل رانت‌خواری به ویژه هزارخانوار ویژه را داریم. مشکل عدم بهره‌وری درست صنعتی و کشاورزی داریم و همه این‌ها را داریم. از همه این‌ها مهمتر، ما غارت‌های عجیب و غریبی در نظام اقتصادی-مالی داریم. این را داشته باشید. ما مشکلات داریم، این مشکلات را هم باید رفع کنیم، تحریم نه این کارها را بیشتر می‌کند و نه کمتر. به نظر بنده این مشکلات با برداشتن تحریم‌ها برداشته نخواهد شد. ضمن اینکه تحریم‌ها هم به این راحتی و سرعت برداشته نخواهد شد. زیرا شما دست از خیلی چیزهای دیگر باید بردارید. من جمله برنامه موشکی‌تان و منجمله حمایت از حزب ا... لبنان و دولت ونزوئلا و دولت‌ها و ملت‌های مختلف و خیلی چیزها را باید دست بکشید.

یک بار چند سال پیش - به نظرم سال ۱۳۸۲ بود، اگر اشتباه نکنم - آقا گفتند به نظر‌تان حد یقف آن‌ها چیست؟ یعنی ما چه چیزهایی را اگر تعلیق کنیم و توقف بدهیم آن‌ها دیگر می‌ایستند؟ این روشن است؟ و بنده چون هم سالیانی در فرنگ زندگی کرده‌ام - یک کمی طولانی - و هم با آن‌ها در عرصه بین‌المللی، سازمان ملل، شورای امنیت و سازمان‌های بین‌المللی دیگر محشور بوده و کار کرده‌ام، می‌گویم فوق‌العاده در این حوزه‌ها غنی هستند و بسیار ماهر و چیره‌دست

هستند. کار آخرشان را اول به شما نمی‌گویند، هیچ وقت نمی‌گویند، کار نیمه‌راهشان را هم به شما نمی‌گویند، حد یقفشان را بگویند؟ محال ممکن است. بنابراین الآن می‌گویند این را شما ۶ ماه راه نیندازید و الی آخر. بنابراین این‌که وضعیت اقتصادی ما مشکلاتی دارد در آن تردیدی نیست. اما آیا این مشکلات با برداشتن تحریم‌های برداشته نشده حل خواهد شد یا با یافتن منافذ بسیار ضربه زنده به نظام اقتصادی و مالی، و رویه‌های بسیار ناسالم و بل ویرانگر اقتصاد داخلی؟

خیلی مشکلات عدیده‌ای وجود دارد، و در این زمینه برخی دوستان کارهای پژوهشی انجام داده‌اند و نشان می‌دهد به قدری نظام اقتصادی ما از درون با توجه به برخی شخصیت‌ها و برخی آفازده‌ها دارد ضربه می‌خورد که اصلاً قابل مقایسه با میزان تحریم موجود نیست. بفرمائید.

مدیریت جلسه: اگر دوستان سؤال شفاهی دارند می‌توانند اسمشان را در فهرست بنویسند که دوستان فهرست را به من بدهند و سؤال شفاهی‌شان را مطرح کنند. هنوز کسی نخواست است اینجا سؤال شفاهی بپرسد، اگر کسی می‌خواهد می‌تواند این کار را انجام دهد.

یک سؤال پرسیدند همراه با بیان نظراتشان. گفتند که نیمی از رأی‌دهندگان به آقای روحانی رأی دادند. آیا این افراد نمی‌دانستند که چنین توافقنامه‌ای بسته خواهد شد؟ چرا می‌دانستند. آن‌ها پذیرفتند که هسته‌ای نبود هم نبود. بله، این جلسه، جلسه خوبی است که آگاهی به چنین افرادی می‌دهد، اما باید دانست که نمی‌توان این توافقنامه را عوض کرد و برای به منفعت نرسیدن بیشتر امریکا باید وحدت را حفظ کرد.

دیگر سؤالی مطرح نیست؟ اولش یک سؤالی پرسیدند که: آیا این افراد نمی‌دانستند چنین توافقنامه‌ای بسته خواهد شد؟ چرا می‌دانستند. آن‌ها پذیرفتند که هسته‌ای نبود هم نبود! احتمالاً می‌خواهند که در این مورد نظرشان را تحلیل کنید، این‌جا علامت سؤال وجود ندارد، ولی احتمالاً تأیید شما را

می خواهند.

به کوتاهی می توانم بگویم که نخیر، بسیاری از کسانی که بنده در شاگردانم و همکارانم و اساتید و جاهای دیگر و کارکنان دانشگاه‌های مختلف و خانواده و فامیل و دوست و همسایه و این طرف و آن طرف، بسیاری از آدم‌ها نمی دانستند که چنین توافقنامه‌ای به ارمغان خواهد آمد.

به نظر من این هم حرف است. خیلی این طور نیست که مردم شناخت ویژه‌ای داشته باشند. اما بنده با همه تجربه‌ام، این مبارزات انتخاباتی و سخنرانی‌ها را که با دقت گوش می‌کردم - صادقانه دارم به شما می‌گویم - می‌دیدم خیلی چیز زیادی دستگیر نمی‌شود. هر چه بیشتر دقت می‌کردم، کمتر از برنامه ایشان سردرمی‌آوردم. دارم آقای روحانی را عرض می‌کنم. من حقیقتاً نتوانستم چیز زیادی در بیاورم. حالا یک مختصری حوزه فلسفه سیاست کار کردیم، مختصری درباره جنبش‌ها و جریان‌های انقلابی و غیرانقلابی درس خواندیم و تدریس کردیم و بالاخره در یک سری ماجراهای اجتماعی سیاسی هم نقش داشتیم و حضور داشتیم و جاروکش ماجراهایی بودیم. اما هرچه دقت می‌کردیم ببینیم چه از این در می‌آید و بالاخره چه کار قرار است بکند، واقعاً نمی‌فهمیدیم. البته منحصر به ایشان نبود، برخی‌های دیگر هم این طوری بودند. می‌گفتیم این‌ها برنامه‌شان چیست؟ من بعید می‌دانم خیلی از مردم مثلاً دقیقاً می‌فهمیدند که دارند به چه کسی رأی می‌دهند یا مثلاً این رأیشان چه تبعاتی دارد، من خیلی بعید می‌دانم. بفرمائید.

سؤال بعد. سؤالشان را خیلی کوتاه پرسیدند، آیا ایران نمی‌تواند در مدت ۶ ماه سانتریفیوژ ساخته و بدون نصب ذخیره کند؟

یک بار دیگر؟

سانتریفیوژ ساخته و بدون نصب ذخیره کند.

نه، اجازه ندارد. مطابق این توافقنامه اجازه ندارد، به این سادگی.

پرسیدند که با توجه به اظهارات شما درباره توافقنامه ژنو این سخن مقام

معظم رهبری چگونه قابل تفسیر است؟ دستیابی به این موفقیت می‌تواند پایه اقدامات هوشمندانه بعدی قرار بگیرد؟

موضوع‌گیری آقا به نظر من خیلی قابل مطالعه و قابل بحث و بررسی است. اولاً این‌که گفته می‌شود که آقا گفتند من از این دولت حمایت می‌کنم و امثال این گونه عبارات، آقا بلافاصله هم فرمودند و گفتند ضمناً من از همه دولت‌ها حمایت می‌کنم. من وظیفه‌ام حمایت از همه دولت‌هاست، دولت‌ها رأی مردم را دارند و من به عنوان رهبر تنفیذ رأی مردم کردم. مراسم تحلیف را یادتان بیاورید. یک مراسم تشریفاتی نیست، تنفیذ رأی مردم می‌کنند. خیلی حرف است. خوب، رهبر انقلاب چطور می‌تواند بیاید سیاست‌های یک دولت منتخب مردم، دولت قانونی را نقض کند؟ به ویژه که این دولت وعده‌هایی داده و گفته که من تحریم را جمع می‌کنم و این ویرانه را تبدیل به گلستان می‌کنم و سفره‌های شما را رنگین می‌کنم و بعضی‌ها شروع کردند صابون‌ها را در آوردن و آیا با چنین جوی و با چنین فضایی ما انتظار داریم که آقا بیاید بگوید این‌ها چیست؟ چه خبر است؟ چه کار دارید می‌کنید؟

آقا در همان نامه گفتند، اول بِسْمِ ا...، «آن چه مرقوم داشته‌اید»، این را به کرات شماها شنیده‌اید، آن قدر شنیده‌اید که نیازی نیست تکرار شود. آقا در آن نامه جواب دادند که آن چه مرقوم داشته‌اید موجب خوشبختی و فلان و انشاء... خوب است و خیر است و... این را گفتند. و بعد تصور کنید آقا این جواب را نمی‌دادند و اصلاً هیچ جوابی نمی‌دادند یا می‌نوشتند که آن چه مرقوم داشته‌اید قابل مطالعه و بررسی است. در آینده چه اتفاقی می‌افتاد؟

کمی فکر کنید، داریم برای آقا نسخه می‌پیچیم که آقا باید چه کار کند؟ چرا نمی‌آید بگوید این توافقنامه این است، ما که باسواد هستیم و داریم می‌خوانیم! شما هم که شامورتی‌بازی نمی‌کنی از این‌جا یک چیزی در بیاوری! در این ۲-۳ ماهه با هر کدام از آقایان، از رجال بسیار بسیار تحصیل کرده باسواد که مشاور عالی و مشاور فلان هستند، گفتیم بیاید بنشینیم راجع به توافقنامه صحبت کنیم؛ در همین

دانشگاه، در دانشگاه شیراز، در دانشگاه قزوین، در دانشگاه‌های مختلف. هیچ‌کدام از عزیزان حاضر نیستند. بحث شعاری و دست‌اندازی و متلک گفتن و از این کارهای شامورتی‌بازی که بعضی از اساتید خوب بلدند و این‌ها نه. آن‌طور کارها هیچ ارزشی نداشته فقط به درد تهییج و تحریک احساسات و تمسخر و خنداندن مخاطب می‌خورد. ما توافقنامه را ارائه می‌کنیم. آن استاد محترم، مشاور عالی رئیس جمهور است، وزیر است، وکیل است، هر که هست. ایشان بیاید بنشیند و تلقی خودش را بگوید و این‌جا هم بالاخره یک سری اصحاب فضل و فرهنگ و اندیشه و مطالعه و دانشجو و دانش‌پژوه نشسته‌اند، قضاوت می‌کنند؛ خیلی ساده است، چرا نمی‌آیند؟

این که مشخص است توافقنامه چیست. آقا متوجه هستند، منتهی یادمان باشد آقا نماد همبستگی و وحدت ملی و نظام است. یادتان می‌آید؟ اکثر شما یادتان نمی‌آید - چون سن و سال‌ها را که من می‌بینم این‌طوری است و رصد می‌کنم. شاید برخی از شما خوانده باشید که امام با بنی صدر با وجود لشگرکشی و هجوم اساسی که ارتش عراق علیه ایران می‌کرد. هفته‌ای نبود که یک شهر یا محاصره نشود یا سقوط نکند، شهریور مهر ۵۹ را می‌گویم. ۶-۷ ماهه آخر ۵۹ را دارم می‌گویم و رئیس‌جمهور منتخب مردم و رئیس‌جمهور قانونی مردم دست و بال سپاه که تازه مختصری می‌توانست روی پای خودش بایستد و تشکیلاتی هم نداشت، بسته بود. در سال ۱۳۵۹ هستیم، آقای رئیس‌جمهور قانونی دست و پای همین سپاه را که تازه عقبه بسیجی آن‌طوری هم برایش درست نشده بود را تا آنجا که تیغش می‌برید و می‌توانست، می‌بست و به جایش ارتش را جلو می‌فرستاد. ارتشی که فرماندهانش اکثراً یا فرار کرده یا اعدام شده بودند. رده‌های میانی یا باز خرید شدند یا بازنشسته شدند یا اخراج شدند. یادتان هست دارم چه وضعیتی را توصیف می‌کنم؟ اوایل انقلاب، روزنامه‌های آن زمان‌ها را یک نگاهی بکنید. آن زمان‌ها را دارم می‌گویم. این ارتش را جلو می‌فرستاد که برود بایستد و جلوی عراقی‌ها مقاومت کند. این ارتش هم می‌رفت. ارتشی واقعاً نبود، یک چیز به هم ریخته متلاشی شده که در جریان انقلاب



به هر حال آن سازمان خودش را از دست داده بود. هیچ، یک حمله این‌ها می‌کردند و ۵۰ تا گلوله توپ می‌زدند و عراقی‌ها ۵۰۰ گلوله توپ جواب می‌دادند، یک مرتبه با ۲۰۰ تانک می‌آمدند جلو. بندگان خدا یک مرتبه نگاه می‌کردند یا تسلیم می‌شدند یا کشته می‌شدند یا عقب‌نشینی می‌کردند. این وضع ارتش ما بوده است.

حالا این‌ها را داشته باشید، هفته به هفته شهرهای ما دارد محاصره می‌شود، سقوط می‌کند. سال ۱۳۵۹ هستیم، این وضعیت را خوب ببینید. اقتصاد ما در چه وضعی است؟ ویرانه کامل است. صادرات نفتمان دارد مشکل پیدا می‌کند، پالایشگاه آبادان را صدام با موشک زده و الی آخر. امام از تمام این مطالب و مطالب ریزتر و تفصیلی‌تر و دقیق‌تر مطلع است. چرا ایشان چیزی به بنی‌صدر نمی‌گویند؟ چرا چیزی به رئیس‌جمهور قانونی مملکت نمی‌گویند؟ چرا چیزی نمی‌گویند؟ ما باشیم می‌گوئیم، می‌گوئیم: به!... شما فردی را، یک رجل سیاسی را، با اقتدار امام در تاریخ معاصر سراغ دارید؟ در تاریخ ۵۰ یا ۶۰ سال گذشته سراغ دارید؟ نفوذ کلام در مورد هر چیزی، در مورد هر موضوعی ۲ دقیقه صحبت می‌کردند ماجرا به سرعت می‌خوابید. همه می‌گفتند سلیمان، چشم. اما راجع به بنی‌صدر هیچ چیزی نگفت، راجع به آقای منتظری چطور؟ بعد از این همه سال می‌گویند... بعد که قائله تمام شد و مجلس خبرگان وارد کار شد و مجلس شورا بنی‌صدر را برکنار کرد و راجع به آقای منتظری مجلس خبرگان نهایتاً او را برکنار کرد. جامعه مدرسین اطلاعیه و اعلانیه داد و محکوم کرد و فلان کرد و روحانیت مبارز، کجا و کجا، بعد تازه امام گفتند که من از اول هم می‌دانستم. این را از خودمان سؤال کنیم که اگر امام از اول می‌دانستند، پس چرا اقدام نکردند؟

این سؤال الآن هم موضوعیت دارد. این منتخب مردم است، مردم به این مقام و این فرهنگ و این آگاهی برسند، آن‌وقت شما بنشینید ببینید آقا چه خواهند گفت. ضمناً این یک تکه را هم بگویم و دیگر به سؤال بعدی بپردازم. ضمناً این آقا که الآن این‌طوری موضع می‌گیرند یا بهتر است بگویم موضع نمی‌گیرند - آن‌چه مرقوم

داشته‌اید فلان، نه این‌که این‌طوری شده است، آن‌چه مرقوم داشته‌اید - این آقا همان آقای است که وقتی شرایط مهیا بود گفت بروید پلمپ‌ها را بشکنید و در همین دولت باید شکسته شود. این آقا همان آقای است که ما هر قدمی در حوزه برنامه هسته‌ای به جلو می‌گذاشتیم، ابراز نظراتشان و اعلان مواضعشان را یادمان هست. بروید بخوانید، من مخصوصاً نمی‌گویم. بروید ببینید چه کار می‌کردند، بروید بخوانید. این همان آقا است، حالا همان ماجراها دارد لوله و جمع می‌شود و بعد این آقا بگویند که: بله، من دارم تأیید می‌کنم؟ آخر چه داریم می‌گوئیم؟ واقعاً این‌طوری است؟ آقا دارند این اوضاع و احوال را تأیید می‌کنند؟ می‌گویند من از این دولت حمایت می‌کنم، من وظیفه قانونی‌ام است. خیلی جالب است، بلافاصله می‌گویند من از همه دولت‌ها حمایت می‌کنم. حالا اگر شما به گذشته برگردید، می‌بینید در یک ماجراهای حساسی می‌گفتند من از دولت حمایت می‌کنم.

از کدام دولت حمایت نکردند؟ شما دو دوره دولت موسوم به سازندگی را دارید، دو دوره دولت اصلاحات را دارید، دو دوره دولت عدالت و سازندگی و آبادانی آقای دکتر احمدی‌نژاد را دارید که می‌شود ۲۴ سال. آقا از این دولت‌ها با این همه تفاوت‌هایی که داشتند ۲۴ سال حمایت کردند، اما آیا این بدین معنا است که آقا از تمام سیاست‌هایی که این‌ها به طور ویژه در عرصه‌های مختلف اجرا می‌کردند، راضی بوده و تأیید می‌کرده است؟ به نظر من قدری در قضاوت‌هایمان باید احتیاط بیشتری بکنیم و یک خرده ظرافت بیشتری به کار ببریم.

آقا نمی‌تواند قدمی بردارد که دوگانگی در حاکمیت در دنیا روی شیپور برود و در داخل شکاف ایجاد کند. نمی‌تواند این کار را بکند و نباید بکند. آقا به عنوان رهبر یک وظایفی دارد و ما بعنوان مردم یک وظایفی داریم. ما وظیفه خودمان را انجام بدهیم، آن‌چه که می‌فهمیم و می‌دانیم انجام دهیم. وظایف آقا را هم به خود ایشان واگذار کنیم. برای آقا تعیین تکلیف نکنیم که آقا چرا موضع نمی‌گیرند؟ این توافقنامه که افتضاح است و این‌که فاجعه است و این‌که معلوم است چیست. به خود آقا

واگذار کنیم. زمانی که بخواهند ورود کنند، چنانچه شرایط آماده شود ورود می‌کنند. ضمناً آخرین کلام، چرا آقا می‌گویند ملت هوشیار باشند؟ ملت مراقب باشند؟ اگر کارها همه مطلوب و مقبول و درست است، چرا می‌گویند مراقب باشند؟ چند بار شما این عبارت را شنیدید؟ چرا این حرف را می‌گویند؟ چرا می‌گویند ملت هوشیار باشند؟ مگر چه اتفاقی دارد می‌افتد که این طوری سخن می‌گویند؟ چه اتفاقی دارد می‌افتد که چند بار این را در همین ۲-۳ ماه گذشته تکرار کردند؟ آیا مثلاً دیگر باید شمشیر بگیرند، دستشان پرچم بگیرند بیایند وسط میدان انقلاب؟ دیگر به هر حال اگر ملت همین سیاست‌ها را می‌پسندد و می‌خواهد نوش جاننش! نمی‌آیند تمامیت و همبستگی ملی را از بین ببرند، نمی‌آیند شکاف در ملت ایجاد کنند، این کار را نمی‌کنند. ولی اگر این ملت مجموعاً این سیر و این سیاست‌ها را می‌پسندند، خوب، به هر حال رأی ملت است. مجلس را نگاه کنید... بفرمائید.

پرسیدند زمانی که آقای جلیلی می‌رفتند مذاکره کنند نیز ارقام مذاکره محرمانه ذکر شده است، پس در این دوره نیز می‌تواند محرمانه خوانده شود. آیا این‌گونه است؟ دست‌کم پس از این‌که مذاکرات تمام می‌شد باید گفته می‌شد. ولی خوب، به نتیجه نمی‌رسید. الآن مذاکرات به نتیجه رسیده است. باید گفته شود چه مذاکره شده است. آقای دکتر ظریف در یک جلسه‌ای با قاطعیت تمام می‌گویند که من اگر شده استعفا هم بدهم، جزئیات مذاکرات را نمی‌گویم. شما دقت کنید، آخر این یعنی چه؟ من مذاکرات را نمی‌گویم! مذاکرات چرا نباید گفته شود؟ ما اگر جایی به توافق برسیم، دیگر آن‌جا هیچ عذر و بهانه‌ای نداریم. البته اگر بنده بودم، به نوبه خودم آن شیوه کار مخفی کردن را اعمال نمی‌کردم. بنده اتفاقاً انتقال می‌دادم که ملت واکنش نشان بدهد و با توجه به آن مذاکره می‌کردم. اگر بنده بودم این طور عمل می‌کردم. بنابراین یک طورهایی این را بنده نمی‌پسندم، حالا آقای دکتر جلیلی سبک کارشان این‌طور بوده، بنده نمی‌پسندم. اگر بنده بودم با آگاهی مردم حرکت می‌کردم.

مدیریت جلسه: خیلی ممنون. پرسیدند که: یک سؤال ساده و کوچک. شما

کم سواد هستید یا عده‌ای معدود که از جایی محدود تأمین می‌شوید؟ شما تندرو هستید یا افراطی؟  
بنده هم مزدورم، هم مواجب‌بگیرم، هم بی‌سوادم! همه چیزهایی که گفتند، هم تندرو و هم افراطی!

مدیریت جلسه: پرسیدند که: سلام علیکم، با وجود تمام این نکاتی که این قرارداد دارد، چرا مقام معظم رهبری برای دوره بعدی مذاکرات اقدام نکردند؟ این همان قصه‌هایی است که صحبتش را کردیم دیگر. برمی‌گردد به موضع‌گیری کلی آقا. بحث مستوفایش ارائه شده است.

مدیریت جلسه: باز هم سؤالی در رابطه با همین موضوع پرسیدند. گفتند این‌طور که شما بیان نمودید، این توافقنامه بیشتر شبیه مصیبت‌نامه است. چرا شخص رهبری سیاست‌های کلی برای این کار اتخاذ نکردند. در کل چرا رهبری مخالفت نکردند؟

دیگر این باز همان قصه موضع‌گیری آقا است، همان است دیگر.

مدیریت جلسه: پرسیدند که، حالا این سؤال دیگر تکراری نیست. با توجه به شدت یافتن تحریم‌ها و بندهای توافقنامه ژنو، راهکار پیشنهادی شما چیست؟

آگاهی‌بخشی. از وکلایی که عمدتاً سوگند خوردند منافع شخصی‌شان را خوب تعقیب کنند، بخواهیم که موضع بگیرند؛ بخواهیم که به وظایفشان عمل کنند و چنان‌چه نکنند انتخابات دوره بعدی سر کوچه است. رسماً ازشان بخواهیم، چرا موضع نمی‌گیرید؟ از آن‌ها بخواهیم و این‌جا دعوتشان کنیم و توافقنامه را به فارسی و انگلیسی و عربی و هر زبانی که بلد هستند، این‌جا ارائه کنیم. بگوئیم این توافقنامه هست، یک چکیده‌ای از آن را یکی از دوستان این‌جا ارائه بکنند و بگویند آقای دکتر، پروفیسور، چه، بفرمائید که شما چطور موضع نگرفتید؟ چرا از وزیر امور خارجه نخواستید؟ ما باید دست‌کم نمایندگان تهران را این‌جا در شهرمان بخواهیم. از دانه دانه

آن‌ها بخواهیم. شما چرا موضع نمی‌گیرید؟ مشکل شما چیست؟ با هیئت رئیسه برنامه خاصی دارید؟ آن‌جا یک اتفاقاتی افتاده است؟ چه خبر است آن‌جا؟ ازشان بخواهیم و فشار بیاوریم. به رسانه‌ها فشار بیاوریم. به رسانه شبه‌ملی فشار بیاوریم. عملکرد رسانه ملی واقعاً مایه شرمندگی است. به من می‌گویند: فلانی، به هر که هر چه می‌خواهی بگو، ولی به رسانه ملی نگو! دیگر دعوت نمی‌شوی! چه ترسی! چه نگرانی! دیگر از من دعوت نمی‌شود در تلویزیون، بروم بحث‌های فلسفی و فلان بکنم؟ نشود! من واقعاً می‌گویم! متأسفانه به قدری تریبون در اختیارم هست که اصلاً همان مقدارش هم بتوانم وظیفه کنم - در یک سطوح خیلی بالای علمی - از سرم هم زیاد است. همان‌ها را هم نمی‌رسم. یعنی اساتید خیلی از دانشگاه‌ها، اساتیدی که در همان حوزه‌هایی که بنده کار می‌کنم، علاقه‌مند هستند؛ به همان‌ها هم نمی‌رسم. حالا رسانه ملی می‌خواهد ناراحت شود، بشود، این رسانه دارد غیرملی عمل می‌کند. روز ۳-۴ آذر گزارشگرهای رسانه ملی راه می‌افتند در کوچه و برزن، و از افرادی که بسیاری از آن‌ها یا هیچ اطلاعی از خود خبر هم ندارند و یا در اخبار چیزی چیزی شنیده‌اند، سؤال می‌کنند: این توفیقات خیلی چشمگیر است؟ شما از اینکه حق غنی‌سازی احراز شده خیلی خوشحال هستید؟ آخر شما رسانه ملی هستید، خجالت بکشید! هیچ جای دنیا این مقدار تحمیق صورت نمی‌گیرد. بنشینید یک خرده این غربی‌ها را نگاه کنید، ببینید چقدر با ظرافت کار می‌شود. آخر این هم شد سؤال؟ خوب، حالا شما خیلی خرسند هستید؟ معلوم است دیگر لبخندتان و دست گل هم دارید، می‌خواهید ببرید برای خانمتان و شب هم می‌خواهید بروید چلوکبابی! شرم بر شما. آخر این چه رسانه‌ای است؟ چقدر جانبدارانه! چقدر خوار و چقدر خام. آخر ۴ تا کارشناس، گفت‌وگوی ویژه شب ساعت ده و ۴۵ دقیقه است، در این ۲۰:۳۰ و بعد از گفت‌وگوی ویژه اخبار ساعت ده و نیم، می‌گویند که امشب فلان می‌کنیم و بهمان می‌کنیم و دیگر امشب می‌خواهیم فلان کنیم با حضور آقای دکتر عراقچی! بعد دو مرتبه می‌گذرد، می‌گوئیم بالاخره عیب ندارد! بالاخره یک طرف قصه کسانی هستند که

رفتند، مذاکره کردند و بالاخره دولت است و برآمده از ملت است. حالا ولو با اختلاف ۲۰۰ هزار رأی، بالاخره منتخب مردم است و از این جهت قانونی و محترم. بله، ۳- ۴ روز می‌گذرد باز برنامه‌ای در این باره پخش می‌شود. حالا امشب راجع به برنامه هسته‌ای در گفت و گوی ویژه همه کارشناسان را آوردیم و امشب با آقای دکتر ظریف صحبت می‌کنیم! باز دو مرتبه هفته بعد می‌شود، امشب با...

آقای تخت روانچی.

بله، همین که شما گفتید! امشب هم با آقای تخت روانچی! بالاخره در این مملکت متخصصین فقط این‌ها هستند؟ اساتید دانشگاهی که بالاخره یک تجاربی دارند و تحلیل می‌دانند این‌ها هم یک سری آدم هستند! شما در رسانه ملی این‌ها را هم باید دعوت کنید، پدرآمرزیده. قصه چیست؟ بفرمائید.

مدیریت جلسه: سؤال بعد. هنوز کسی درخواست سؤال شفاهی نکرده است، اگر کسی می‌خواهد شفاهی سؤال پرسد بیاید. من این سؤال کتبی را بپرسم. پرسیدند: در صورتی که ایران معاهدات توافقنامه را برهم بزند، چه عواقبی را در پی خواهد داشت؟

این پاورقی آخر که من نرسیدم که بیان کنم و بگویم این ساز و کارش چیست و با وجود آن چه اتفاقی می‌افتد، این راه را برای ما هم باز گذاشته است. یعنی این را دارد می‌گوید که هم نسبت به گام نهایی و هم گام‌های میانی، اصل پایه و مبنا این است که هیچ چیز توافق نشده است مگر بر سر همه چیز توافق شود. این دلالتش خیلی ساده به این صورت است: یعنی در مذاکراتی که در حال حاضر دارد صورت می‌گیرد، چنانچه راجع به آن راه حل جامع - که در واقع گام نهایی است - فرض کنید سر یک موضوعی عدم توافقی پیش بیاید - سر هر موضوعی - راجع به اراک یا هر موضوعی، یک عدم توافقی پیش بیاید. اتفاقی که می‌افتد این است که مطابق این اصل همه چیز من جمله توافقنامه اولیه منتفی می‌شود. این اصل این را می‌گوید، خیلی مهم است. البته اگر چنین اتفاقی بیفتد، ما خیلی ضرر کردیم، امریکایی‌ها و

اروپایی‌ها هیچ ضرری نکردند. ما فقط با احتساب یک بند از آن ۱۲ بند، مقادیر زیادی اطلاعات دادیم، توان هسته‌ای و صنعتی خودمان را کامل در اختیار گذاشتیم: معادن و کارخانه‌جات و هر کارگاهی که یک عده‌ای، افراد ماهر زبردستِ قالب‌ریزِ قطعه‌درست‌کنی در هر جای ایران است آشکار کردیم. شما می‌دانید ما چقدر از این افراد در ایران داریم، چقدر از این آدم‌های ماهرِ باهوش و باتجربه داریم که سن و سالی ازشان گذشته است، و کلی استاد است. همه شماها کم و زیاد با این‌ها برخورد کرده‌اید، اگر مستقیماً هم نشناسید. شما تمام این‌ها را عرضه کردید. امریکایی‌ها چه از دست دادند؟ از ۱۲ ماده فقط یکی را گفتیم. این همه اطلاعات، آدرس و مشخصات معادن اورانیوم و کارخانجات و ذخایر و مکان تولید هر چه چرخنده‌ها و سانتریفیوژها هست، هرچه را فکرش می‌کنید همه را دادیم. یکی از ۱۲ تا را گفتیم، توافق ۲۰٪ و خراب کردن و از بین بردن و صفر کردن ۲۰٪ و هزینه و این‌ها را اصلاً کار ندارم. فقط یکی را دارم می‌گویم. تمام این اطلاعات را دادیم و شماها هم می‌دانید، اطلاعات برگشت‌ناپذیر است، وقتی اطلاعات بیرون می‌رود، برگشت‌ناپذیری روی پیشانی‌اش است. امریکا و اروپایی‌ها چه دادند؟ چند قسط از ۴/۲ میلیارد را دادند. می‌گوئیم نه، سخاوت به خرج می‌دهیم و می‌گوئیم همه ۴/۲ را گرفتیم، باشد. این را گرفتیم، یعنی از فروش نفت این ۶ ماه این ۴/۲ پرداخت می‌شود، آن ۱۰۰ میلیارد دارائی‌های مسدود شده ایران سر جایش است. من مجال نکردم این ماجراهای جزئی‌تر و در عین حال مهم را بگویم. به خاطر اینکه نگران وقت بودم، خیلی ماجراها من جمله این را نگفتم. این در برگه اطلاعاتی کاخ سفید آمده است و در توافقنامه نیامده است، این ۴/۲ میلیارد از فروش نفت این ۶ ماهه برداشت می‌شود، قسمت اعظمش می‌رود و به آن ۱۰۰ میلیارد اضافه می‌شود. در واقع دارایی مسدود شده ما در این ۶ ماه افزایش خواهد یافت، این در برگه اطلاعاتی کاخ سفید است.

خوب، حالا فرض کنیم ۴/۲ را کامل گرفتیم، دیگر چه؟ احتمالاً یک مقدار طلا و

سایر فلزات یا وارد کردیم ، در پتروشیمی هم که در هر حال خیلی مشکلی نداشتیم، یک مقداری صادر کردیم. دیگر چه؟ یک تعدادی بیوک و کادیلک و شورلت هم داخل آمده. در یکی از دانشگاه‌ها تا من این بند را گفتم، یک دانشجویی دستش را بالا کرد و گفت: ببخشید، وسط صحبت بی ادبی هست؛ اما جهت اطلاع شما، همین به تازگی یک شرکتی تأسیس شده است که دارد واردات همین خودروهای لوکس امریکایی را انجام می‌دهد. من یادم افتاد این صحبت در آذر ماه بود که در دانشگاه صنعتی شریف سخنرانی کردم. همان میانه آذر بود، هنوز ۲-۳ هفته از این ماجرا گذشته بود. یک مقداری این‌ها شده است، یعنی یک مقداری از ماشین‌های لوکس به ایران آمده است.

علاوه بر این، بخشی از آن‌چه به عنوان دستاورد توافقنامه ژنو نشان داده می‌شود، آن قصه هواپیمای کشوری‌مان است که موجب می‌شود یک سری سرخ‌های ما لو بروند. این‌ها را من باز نکردم، از آن‌ها گذشتم. می‌دانید یعنی چه؟ حالا اگر که فرصت باشد من کوتاه فقط قصه هواپیماهای کشوری را بگویم. سی و اندی سال است که هواپیمائی کشوری‌مان، یعنی هواپیمائی غیرنظامی‌مان تحریم است. این یک. دوم: بوئینگ، ایرباس و فوکر تمام قطعاتشان شناسنامه دارد. هر قطعه‌ای را که خراب می‌شود و کشوری لازم دارد، مثلا خطوط هوایی کانادا، کره، سنگاپور، لوفت هانزا و هکذا. هر کدام از این‌ها، هر قطعه‌ای که می‌خواهند، شناسنامه دارد که نشان می‌دهد این قطعه به کدام کشور و کدام شرکت داده شده است. خوب، یک سری ایرانی هستند، کم، در غرب و حاشیه جنوب خلیج فارس و خاور دور و... زندگی می‌کنند. برخی از این ایرانی‌ها، عشقی هم به ایران دارند. شغل دارند و درآمد دارند و زن و بچه دارند؛ آن‌جا زندگی می‌کنند و هیچ‌وقت هم برای همیشه به ایران نخواهند آمد، هیچ‌وقت. اما ایران را دوست دارند، نه همه‌شان، بعضی‌هایشان این‌طوری‌اند. خودشان را به آب و آتش می‌زنند و با فوت و فن‌های پیچیده قطعات را به ایران می‌فرستند.



بنده یکی‌شان را می‌شناختم. وقتی برای من تعریف می‌کرد، داشتم منفجر می‌شدم. گفتم بس است به خدا! این از فلسفه پیچیده‌تر است، این چیست که داری می‌گویی؟ این زیرآبی‌هایی که یکی، یک قطعه‌ای از شرکت فلان، صادر به بهمان کشور، و از آن کشور یک شرکت دیگری دوباره به کجا می‌فرستند و ۴-۵-۶ بار زیرآبی می‌چرخاند و از گمرک رد می‌کند و عاقبت آرام و غیررسمی وارد ایران می‌شود. شما ببینید هواپیماهای غیرنظامی ما چطوری دارد می‌پرد؟ حدود ۳۰ سال است که ما تحریم هستیم. وقتی قرار می‌شود بیایند بازرسی کنند، و قطعه نصب کنند و تعمیرات کنند، می‌بینند این قطعه با این شماره، با این شناسنامه این‌جا چه‌کار می‌کند؟ یک سری هموطن‌های شما که خودشان را به آب و آتش می‌زنند، ما با سخاوت کامل آن‌ها را لو می‌دهیم. مشکلات و مسائل و نیازهای هواپیمای کشوری‌مان را هم در بازدیدها تقدیم می‌کنیم. حالا حدس و گمان می‌زنند که ظرف این ۲۰-۳۰ سال مثلاً بوئینگ ۷۲۷ چه شده الان؟ بوئینگ ۷۴۷ چه شده؟ ۷۰۷ چه شده؟ فلان است، آن یکی چطور شده. الان حدس است، ولی نم‌نمک می‌آیند و قشنگ بازرسی می‌کنند و همه مشخص می‌شود ما چه مشکلات و چه مصیبت‌هایی داریم و چه مقدار از قطعات عمرشان تمام شده و برخی قطعات از کجا آمده؟ از کجا آمده است، یعنی می‌شود رفت این را پی‌اش گشت و کانال را پی‌گیری کرد. و من دیده‌ام وقتی بعضی هموطنان شما لو می‌روند، چه پدری ازشان درمی‌آید و چه‌کار با آن‌ها می‌کنند. کی؟ نه پلیس آن کشور، اف بی آی آمریکا می‌آید، کجا؟ اف بی آی در کشور اروپایی می‌آید، در جاهای دیگر که با خداست. اف بی آی آمریکا راه می‌افتد و به کشور اروپایی می‌آید. من سراغ دارم. این هم از ثمرات تعمیر و بازرسی قطعات هواپیماهای کشوری.

## پرسش و پاسخ شفاهی

مدیریت جلسه: جهت تنوع هم که شده، پس از این همه سؤال کتبی، ان شاء... سؤال شفاهی هم خواهیم داشت. فقط خواهش می‌کنم کمی کوتاه‌تر جواب بدهید. البته سؤالات کتبی باز هم هست. از نفر اول خواهش می‌کنم برای طرح سؤال بیایند.

سؤال دانشجوی اول: سلام آقای دکتر، خسته نباشید.

می‌خواستم یک نکته را بگویم و نظر شما را هم بدانم. در حقیقت، جایگاه این توافق چیست؟ با توجه به این که آقایان با توجه به نگاهی که داشتند و محدودیت‌های قانونی را می‌دانستند، نگفتند که این یک قرارداد است، یک عهدنامه است، نگفتند چیست. گفتند که این «برنامه اقدام مشترک» است، و محرمانه است و امضاء نشده است. خوب، این جا به این نکته می‌رسیم، ما می‌دانیم که در مجلس قانون تصویب شده است که ما فراتر از معاهده عدم گسترش نمی‌توانیم عمل کنیم. اول این که این جا آیا مشکل قانونی پیش می‌آید یا نه، آن قانونی که تصویب شده، همان طور که آمریکائی‌ها می‌گویند اعمال قانون و این جا در تلویزیون هم باب شده که می‌گویند «اعمال قانون»، می‌گویند قانون که هست و حدودش معلوم است، مجری اعمال قانون هم باید مشخص باشد. خوب، الآن آن قانون مجلس ما آیا جایگاه قانونی برای مجری قانون دارد، مجری اعمال آن قانون چیست و آیا اگر رئیس مجلس یا فرد دیگری از هیئت رئیسه بگوید این مشکلی ندارد و بالاخره چیزی نوشته‌اند و این طوری است، آیا تمام می‌شود؟ چه کسی مسئول اجرای قانون است؟ بالاخره قانون تصویب شده، مسئولیتش با کیست؟

معذرت می‌خواهم، برای وضوح می‌پرسم، این که می‌گویند قانونی تصویب می‌شود، یعنی قانون مجلس یا این توافقنامه؟

در قانون مصوب مجلس داریم و در مجلس تصویب شد که دولت حق ندارد فراتر از معاهده عدم گسترش با اژانس همکاری کند. خوب پس الآن این‌ها چیست؟ متوجه نمی‌شوم این توافقات چگونه است؟ نکته دوم این است که چه کسی باید اقدام کند، جایگاه قانونی‌اش چیست؟ ما بالاخره بدانیم چه کسی است که باید به وظیفه قانونی‌اش عمل کند و نمی‌کند؟ و باز نکته دیگر این که بر اساس چه ضابطه‌ای آقایان دارند این اطلاعات را می‌دهند؟ چه کسی به آن‌ها چنین اجازه‌ای را داده است؟ البته چه کسی که خوب، اطلاعات دستشان است و می‌دهند، اما چه کسی می‌تواند قانوناً آن‌ها را به نقد بکشد یا از آن‌ها شکایت کند که شما قانوناً حق ندارید چنین کاری را انجام دهید. بر چه مبنائی دارند این کارها را می‌کنند؟

مدیریت جلسه: لطفاً کوتاه‌تر بپرسید.

دوم این که توافق نهائی چه؟ در بررسی‌هائی که شد فقط توافق اولیه... این سؤال اولتان خودش ۵ قلو هم بیشتر بود... خیلی سؤال بود! تازه رفتید روی دو. توافق نهائی را ما چه باید بکنیم؟ بالاخره عین همین قضیه در توافق نهائی دارد بسته می‌شود و حالا آن چه داستانی است؟

نکته سوم این که عین همین قضایا را ما در مسائل فرهنگی داریم می‌بینیم. می‌گویند: فیس‌بوک آزاد، فلان آزاد. یک کانال ارتباطی رمز شده غیرقابل نظارت برای کارهای مختلف در اختیار آقایان غرب‌گرا. و در مسائل اقتصادی، کپی‌رایت را امضاء کن، کنوانسیون برن را امضاء کن، کنوانسیون رم را امضاء کن، در تبادلات مدل بازار آزاد را پیاده کن.

بعد آقای اوباما در صحبت‌های اخیرش می‌گوید: «ایرانی‌ها قادر به تغییرند، در واقع در نتیجه توافق در مسئله هسته‌ای صداها و روندهائی در داخل ایران که خواهان تغییرند، تقویت خواهند شد؛ اقتصادشان به اقتصاد بین‌المللی پیوند خورده و سفرهای بیشتر و جامعه بازی برای ایران ایجاد خواهد شد.

امری که می‌تواند یک دهه یا ۱۵ تا ۲۰ سال طول بکشد و ما ممکن است به نتایجی بسیار بیشتر از آن چه آرزو داریم، برسیم».

من می‌خواهم بگویم این موضوعات چه؟ من ندیدم در این موضوعات صحبتی بشود، در فناوری اطلاعات چه، در اقتصاد چه؟ مدلی که این‌ها پی‌گیری می‌کنند... یکی از همفکران این آقایان گفته بود و بنده جایی خواندم، نوشته بود: مدل لیبرالیسم سیاسی و فرهنگی جواب نمی‌دهد و لیبرالیسم اقتصادی راه حل است. خوب ما آن‌ها را چه باید بکنیم؟

خیلی ممنونم، متشکر. سؤال خیلی خوبی است. جو واقعاً آکادمیکِ نقدی، نه انتقادی اعتراضی رد کردن. سؤال‌های فوق العاده خوبی است.

جایگاه توافقنامه، اول از همه. این توافقنامه هیچ جایگاه روشنی ندارد. من توصیه می‌کنم که بسیج یا هر تشکلی، شما از حقوق‌دان‌ها دعوت کنید. در میان اساتید دانشگاه تهران، از برخی حقوق‌دان‌ها کسانی هستند که حاضرند بیایند و در این زمینه صحبت کنند. عین این سؤال را از آن‌ها بپرسید. توافقنامه چه جایگاهی دارد؟ هیچ، هیچ جایگاهی ندارد. یک جور بلاتکلیف است و در یک ابهامی گذاشته شده است. اتفاقاً خودتان خیلی قشنگ اشاره کردید، اسمش هست: Joint Plan of Action. یعنی چه Plan of Action؟! Plan of Action که مال مثلاً مهندس‌هاست که یک جایی را می‌خواهند بکنند و ساختمان بسازند و چیزی تولید کنند. آن Plan of Action است. این توافقنامه بین المللی است، که سال‌های سال پشتش جنگ و دعوا و تحریم و قطعنامه و ... بوده است. بنابراین متأسفانه هیچ مبنای حقوقی ندارد. یعنی شما از حقوق‌دان‌ها هم بپرسید می‌گویند این بلاتکلیف است.

سؤال بعدی شما، یا قسمت بعدی سؤال این‌که حالا مثلاً چه کسی می‌تواند کاری بکند؟ مجلس می‌تواند کاری بکند. منتها مجلس متأسفانه این اراده را ندارد. مجلس ما مجلس بسیار خوار و ذلیلی است. از استثناءها بگذریم، استثناءها همواره بیان‌گر وجود یک قاعده‌اند. قاعده چیست؟ قاعده این است که ما با گروه‌های

مختلف قدرت در مجلس چه مقدار می‌توانیم ۲۰۰ میلیون تومان وام را به ۵۰۰ میلیون تومان وام تبدیل کنیم، چگونه می‌شود حقوق‌مان را افزایش بدهیم، مرخصی را فلان کنیم، با آن وزیر در رابطه با این ماجرائی... یا ریاست فلان دانشگاه آزاد را بگیریم. در مجلس، بسیاری از تلاش‌ها معطوف تکاثر قدرت و ثروت است نه تحکیم و بسط منافع و مصالح انقلاب. البته هستند نمایندگان غیرتمند، عزت‌مند، راسخ، قاطع، ولی در جریان کلی دویست و اندی، سه، نفر، چهار نفر، پنج نفر چه اثری دارند؟ اگر اعتراضی هم می‌کنند، چه نتیجه‌ای دارد؟ چه جریانی می‌سازد؟ هیچ! چه اتفاقی می‌افتد؟ هیچ! ولی در واقع مجلس می‌تواند جلوی این کارها را بگیرد. اما این‌که سؤال کردید اطلاعاتی دارد داده می‌شود، چه کسی و بر چه اساسی دارد می‌دهد؟ روی اساس توافقنامه دارد داده می‌شود. به چه کسی داده می‌شود؟ به آژانس.

مدیریت جلسه: آقای دکتر، ببخشید. دوستان دیگری هستند که می‌خواهند شفاهاً سؤال بپرسند. اگر می‌شود، لطفاً کوتاه‌تر پاسخ بدهید.

من حیث‌المجموع همین است دیگر. در واقع مجلس می‌تواند جلوی این را بگیرد و جایگاه قانونی‌اش را دارد که مورد سؤال و اعتراض قرار بدهد، اشکال فنی بگیرد. این را در رابطه با جلوگیری کردن اضافه‌کنم که اسرائیلی‌ها معتقدند که توافقنامه محصول یک تغییر تاریخی در ایران است. اصلاً در جرایدشان نام می‌برند. این‌ها را ببینید. برخی کارشناسان قدیمی اطلاعاتی-امنیتی‌شان و کارشناسان ارشد راهبردی‌شان اصلاً می‌گویند تغییری تاریخی در ایران رخ داده است. خوب دقت کنید.

مدیریت جلسه: از دوستانی که این‌جا می‌آیند و سؤال می‌پرسند، خواهش می‌کنم در داخل بحث سؤال بپرسند و سؤالشان را هم خیلی کوتاه‌تر مطرح کنند.

سؤال دانشجوی دوم: من رفتم پیشنهاد جایگزین بدهم جای تربیون، وقت هم کم است، اذنان شده است. اما اگر اجازه بدهید، آقای دکتر هم یک مقدار

خسته شدند، ۳ ساعت صحبت کردند و خسته شدند، ما هم در حد ۲-۳ دقیقه بتوانیم سؤالاتمان را بپرسیم. صبر کنیم تا اذان تمام شود. مکث...  
بسم الله الرحمن الرحيم، من اول سلام عرض می‌کنم خدمت آقای دکتر. سخن کوتاه می‌کنم و از خیلی از حرف‌هایم می‌گذرم، چون وقت کوتاه شده است. فقط یک بخش کوتاه از سؤالم را می‌پرسم، امیدوارم فضائی مهیا بشود که در نشریات بسیج و ... بتوان مناظره‌ای مکتوب داشت و این گونه بحث را پی گرفت. بنده شخصاً از طرف خودم قول می‌دهم طرف مناظره باشم، حداقل به عنوان یک دانشجو با نظر متفاوت.

اما چون آقای دکتر سعید زیباکلام ماشاء الله... همه دانشگاه‌ها می‌آیند، اصفهان هم آمدند و آنجا به ما قول تریبون داده بودند، آنجا ما از کانال تشکیلی هم رفتیم تا تریبون بدهند، احتمالاً آقای دکتر در جریان نیستند تریبون داده نشد. خودشان می‌دانند جلسه به چه صورتی برگزار شد، به جز شریف فکر نمی‌کنم - حالا خودشان بهتر می‌دانند - جای دیگر تریبون داده شده باشد. من فقط این بخش از سؤالم را می‌گویم، بقیه‌اش ان شاء الله... در فرصت‌های دیگر. می‌گویند دیپلماسی واضح است، یعنی توافق، یعنی داد و ستد. آیا دیپلماسی یعنی این که ما یک چیزی را بدهیم و چیزی بگیریم، یا این که نه، اصلاً هیچ چیزی ندهیم و فقط بگیریم. اگر قرار باشد توافق و داد و ستد نباشد، فکر می‌کنم این مدل را هم تجربه کردیم، می‌شود بازی زور. و در بازی زور هم نتیجه تحریم‌ها و چیزهای دیگر را دیدیم، دیگر کار به جایی می‌رسد که الآن داریم می‌گوئیم مثلاً هزینه یک فاز از هدفمندی ۱۲۰ میلیارد دلار می‌شود و از آن طرف کل درآمد ارزی توافق هم حاصل بشود و بیاید می‌شود ۲۴ میلیارد دلار، مقایسه کنید...

**دانشجوی اول:** خوب هزینه هدفمندی که باید از منبع درآمدی خودش یعنی فروش حامل‌های انرژی با قیمت صحیح تأمین شود.

دانشجوی دوم: نه، مثال بود. بله، ما می‌توانیم اصلاً هیچ توافقی نداشته باشیم، یا این‌که توافق داشته باشیم. چرا؟ بگذارید یک تفاوت را بگویم. الآن به من بفرمائید، این یک سؤال حاشیه‌ای است، این‌که به جز آقای دکتر نوبری کدام دیپلمات به توافق اعتراض کرده است؟ بحث دکتر نوبری هم به جای خود، ما خودمان در اصفهان از ایشان دعوت کردیم تشریف بیاورند و بحثشان را مطرح کنند.

اما راجع به فرمایشات شما، در توافق ژنو. از سؤال قبلی شروع کنم، فقط همین بخش از سؤال را عرض می‌کنم، حالا اگر لازم بود دوباره بالا می‌آیم و بقیه سؤال را می‌پرسیم. همین الآن فرمودید که از لحاظ حقوقی عدم الزام است. ما وقتی توافقی می‌کنیم که الزام‌آور نیست، تبعاتی دارد، ولی الزام‌آور نیست، اما از آن طرف می‌بینیم گشایش ایجاد می‌کند، انجام بدهیم بهتر است.

ما بینیم، سر همین قضیه هسته‌ای چیزی که دادیم چیست؟ شفافیت است. ما می‌خواهیم یک سایت هسته‌ای دیگر ایجاد کنیم، باید از قبل برنامه‌اش را بگوئیم، که این‌ها در معاهده عدم گسترش هم بوده، قبلاً فقط به عنوان تفسیر به ما تحمیل می‌شد، الآن قطعی شد. اما عوضش چیست؟ چه شد بورس ما ۱۴۰٪ رشد داشت؟ ۱۴۰٪ رشد یعنی تقریباً ۲/۵ برابر شد. آیا ما در اقتصادمان این گشایش را نداشتیم؟ آیا در همین دیپلماسی‌مان، ایران نتوانست قضیه ایران‌هراسی را تحت الشعاع قرار بدهد و کار به جایی برسد که الآن چانه‌زنی بر سر چه باشد؟ سر این باشد که نگاه کنید کسی که دارد وضع منطقه را به هم می‌زند و ایجاد ناامنی می‌کند، ایران نیست، عربستان است و فشار بیاورند که رئیس سازمان اطلاعات عربستان عوض شود. آیا ما ۶ ماه پیش اصلاً می‌توانستیم تصور کنیم و در این مقام باشیم که چنین چیزهایی را بحث کنیم؟ این بحث‌ها دقیقاً دیپلماسی است و بفرمائید به جز

دکتر نویری چه کسی مخالفت کرده است؟

من سؤال آخرم این است. سؤالات دیگر هم هست که بستگی به مسئولین جلسه دارد. ما چه امتیازی را از لحاظ الزامی داده‌ایم؟ بله، شفافیت را داده‌ایم، آیا ما چیز پنهانی داشتیم که از شفافیت ترسیدیم؟ من اتفاقاً رشته لیسانس‌ام هوافضای همین‌جا بود و کارآموزی‌ام دقیقاً همین بحث تعمیرات قطعات هواپیما بود و تنها شرکتی هم که واقعی بود و اطلاعاتش را هم بخواهید بعد از جلسه ارائه می‌دهم. ما کجا به جز قضیه هسته‌ای، جای دیگر را قول دادیم که شفاف کنیم؟ شما که این قدر دقیق می‌شوید، بخشی‌اش راجع به ... بگذارید این مثال را بزنم، گفتید حق غنی‌سازی نیامده که اخیراً باز آقای اشتباه: خانم شرم‌ن باز هم اذعان کرد. اما در گذشته هم داریم همین که اذعان شده به حقوق ایران در معاهده عدم گسترش، آیا در آن‌جا غنی‌سازی بوده یا نه؟ اگر این حق را نداشتیم، قبلاً چه می‌کردیم و اگر بوده چه؟

شما که به واژگان این قدر دقیق می‌شوید، بفرمائید در صنعت کجا آمده ما شفافیت اطلاعاتی که الآن فرمودید در غیر از مسئله هسته‌ای باید بدهیم؟ نه! راجع به هسته‌ای بود، حتی در شفافیت هسته‌ای هم همه چیز نیامده، دقیق مشخص شده است چه چیزهایی. سایت جدید بخواهید بزنید، برنامه توسعه دارید، فلان، فلان. و نهایتاً به جز اطلاعات هیچ چیز دیگری الزام نیست، چون فقط اطلاعات بوده که رفته، آن هم زمان‌مند. به جز آن، اگر بقیه چیزها هم باشد، مثلاً این قضیه ۲۰٪. ما مهندس هستیم دیگر، آن قضیه غنی‌سازی ۲۰٪ چقدر نیاز کشور است، در مقایسه با مثلاً بلوکه شدن نفت‌مان که می‌توانستیم پولش را بگیریم. همین الآن کار به جایی می‌رسد که ... یک مناظره‌ای جایی داشتیم، من مدعو بودم. گفتم پرچم ایران را بیاورید، نگاه کردیم دیدیم پرچم ایران ساخت چین است. جایی که ما مجبور شدیم به سمت مبادله کالا به کالا برویم، چون پول نداشتیم و نمی‌توانستیم. الآن امتیازی که



می‌دهند این است که پول نفتی که فروختیم بهمان بدهند. واقعاً ببینیم وضعیت این‌جا چگونه است. دقیقاً شما بفرمائید ما کجا اطلاعات دادیم، دیگر به جز آن چه امتیازی را الزامی دادیم. ممنونم.

ببخشید وقتتان را گرفتم. به افتخار شهدای هسته‌ای که چشم و چراغ این ملتند و به افتخار شهدای دانشگاه خودمان یک صلوات بفرستید. مدیریت جلسه: خوب، سؤال دیگری نیست؟ مکث... هستند.

اگر وقت هست. ساعت ۶:۳۰ است.

حداکثر تا ۶:۴۵، چون اذان هم گفته شده است، الآن هم فکر کنم ۶:۳۰ است. پاسخ دوست ما روشن است. ما اطلاعات بسیار زیادی را دادیم. و تمام اطلاعات که قید شده مربوط به هسته‌ای است، خیلی از صنایع دیگر ما را هم درگیر می‌کند. به دلیل این‌که کارگاه و کارخانجاتی است که کاربرد دوگانه دارد و همزمان چیزهایی را تولید می‌کند که هم به کار هسته‌ای می‌آید و هم کار غیرهسته‌ای و موشکی. شما الآن مثال هواپیما زدید. هواپیما که...

مدیریت جلسه: خواهش می‌کنم آن‌جا دیگر ادامه ندهید.

شما محبت کردید، ما گوش کردیم، حالا...

بنابراین این‌که توان صنعتی ما عرضه می‌شود مهم است. ماجرای هسته‌ای کارخانهٔ مداد پاک‌کن سازی نیست. یک ماجرای فوق العاده ذوابعاد و ذوسطوحی است، ابعاد مختلف دارد، قطعات بسیار زیاد و متنوعی آن‌جا به کار گرفته می‌شود و وقتی شما این اطلاعات را می‌دهید، یعنی اطلاعات این قطعه را می‌دهید که از کجا تأمین شده، اطلاعات فوق العاده زیادی است. بنابراین توان صنعتی را به مقدار زیادی دارید می‌دهید. خوب، این خسارات روشنی دارد، همان‌طور که عرض کردم، تبعات ناگوار و شوم آن در تمام مذاکرات آتی و توافقات سایهٔ خودش را می‌اندازد.

قصهٔ هواپیماهای غیرنظامی را دوستان اشاره کردند که من تصور می‌کنم آن مد نظرشان بود. بله، کاملاً همان‌طور است که آن‌جا عرض کردم. یعنی ما در آن حوزه

تحریم هستیم، قطعات هواپیماهای غیرنظامی را در تحریم هستیم و با مصیبت بسیار به صورت قاچاق و شیوه‌های مختلف که در حوصله جلسه نیست که به آن پردازیم دارد با هزینه‌های سنگین وارد می‌شود. اتفاقی که می‌افتد این است که این بازرسی‌هایی را از این به بعد برای شرکت‌های مربوطه فراهم خواهیم کرد، یعنی عمدتاً ایرباس و بوئینگ و فوکر. نیاز عمده سیستم ما این‌هاست. یک مقداری هم روسی است مانند آنتونوف و توپولوف و ... که مشکلی با آن‌ها نداشتیم. اما در رابطه با بوئینگ‌هایمان که اساساً نظام مسافربری ما بوئینگ‌ای و آمریکائی است، و نیز ایرباس‌ها مشکل داشتیم. چه کسی نمی‌داند؟ کاری ندارد. یکی از بازرسان سازمان هواپیمائی کشوری، از اداره استاندارد را دعوت کنید. یکی از آشنایان بنده آن‌جا بازرس است. ما مشکل اساسی در قطعات داریم. این بازرسی‌ها چنان‌چه از این به بعد توسط آمریکائی‌ها انجام شود، برای این‌که ببینند ما چه قطعاتی را نیاز داریم، بعضی از این سرنخ‌های ما لو خواهد رفت، برخی از نیازها و مشکلات ما و وضعیت هواپیمای کشوری ما برای آمریکائی‌ها آشکار می‌شود. این خیلی چیز روشنی است. وضعیت اقتصاد ما خراب است یا خوب است، ربطی به این قصه ندارد. این بازرسی‌ها و این‌که ببینند کدام هواپیما چه قطعاتی را نیاز دارد و باید جایگزین شود، این روند تهیه قطعات را آشکار می‌کند. این چیز روشنی است.

یک اشاره‌ای در صحبت دوستان بود و خیلی باز نکردند، و آن هم وضعیت اقتصادی بسیار خراب! من در سؤالی قبلاً این را توضیح دادم. این‌که به کرات توسط دولت و رسانه‌های ردیف، متری و سازمان یافته استوانه‌های زر و زور و تزویر در مملکت بیان می‌شود، این‌که توسط این جرایم و مقامات مملکتی و به ویژه دولتی گفته می‌شود که وضعیت اقتصاد ایران دیگر در حال احتضار است و عنقریب است که سقوط کند! من در مجموع این طور نمی‌بینم، اما دیدن من اعتباری ندارد. دیدن هیچ کسی اعتباری ندارد. پس چه چیزی اعتبار دارد؟ اعداد و ارقام! این‌که مثلاً پرچم ایران ساخت چین است. خوب؟ این معنایش این نیست که ما ناتوانیم از این‌که

پرچم ایران بسازیم. خیلی چیزها ساخت چین است. اساساً ما مشکل صنعتی داریم. هیچ ربطی به تحریم هم ندارد. ما مشکلات صنعتی هم داریم. مشکل تولید داریم. ساز و کارهای داخلی ما ایراد دارد. نظام تجاری و بازرگانی در ایران حرف اول را می‌زند. پول‌های هنگفت بی‌زحمت و بی‌حساب درآوردن، در ایران امر رایجی است.

اکثر آدم‌هایی که تن به تولید می‌دهند، علاقه‌شان به این است که چیزی را تولید کنند یا کمکی به امر تولید در ایران بنمایند - نمی‌توانم بگویم اکثرشان، چون با اکثرشان تماس ندارم، اما با برخی از این افراد صحبت داشتم، احتمال می‌دهم شما هم تجربه‌ی مشابهی داشتید - وقتی با آن‌ها صحبت می‌کنید، می‌گویند ساز و کارهای بدی وجود دارد. این ساز و کارها مانع تولید می‌شود. می‌گویند ما با هزار جور مانع و بند و قفل و زنجیر درگیر هستیم که نمی‌گذارد تولید کنیم. این‌ها ربطی هم به تحریم ندارد. تحریم‌ها دو سه سال است که تشدید شده است، از سال ۲۰۱۱. قبلاً اش چیز ملایمی بود، اما آن موقع هم این مشکلات را داشتیم، نداشتیم؟ هر فردی که در هر حوزه‌ای وارد تولید شده بود، می‌دیدید دارد ناله می‌کند و مایل است به سمت تجارت و بازرگانی برود. این تجربه‌ی خیلی‌هاست. نیاز به این پیچیدگی‌ها برای دیدن منشأ مشکلات نیست.

اما این‌که وضعیت اقتصادی ایران در مجموع خراب است؟ بله، در مجموع بد است. چقدر بد است؟ به نظر من این‌جا آمار و ارقام و بررسی می‌خواهد، بحث و گفتگو می‌خواهد. این‌که بنده بنشینم و بگویم: نه، بسیار خوب است و بعد فرد دیگری بگوید: نه، خراب است، در حال فروپاشی است. این چیزی را روشن نمی‌کند. هیچ فایده‌ای ندارد. عاقبت الامر من هیچ نظر کیفی اساسی ارزیابانه نمی‌توانم بدهم. هیچ کس همین طوری نمی‌تواند بدهد. چه کار می‌توانیم بکنیم؟ باید به کارشناسان مراجعه کنیم و کارشناسان با آمار و ارقام این‌جا بنشینند و صحبت کنند تا ببینیم چقدر وضعیت بد است. و این بدی چه مقداری‌اش به تحریم برمی‌گردد. در فاز دوم بعد از این که معلوم شد فلان مصیبت را داریم، فلان مشکل را داریم، تازه آن وقت سؤال

این است که کدام مربوط به تحریم و یا چه مقدار از آن مشکلات مربوط به تحریم است. به نظرم این حوزه‌هائی است که باید رویش کار بشود. با سخنرانی و با استفاده از برخی مضامین و تحریک احساسات هیچ چیزی حل نمی‌شود.

ما چاله و چوله‌های زیادی در نظام اقتصادی داریم. خیلی زیاد! به نظر من باید جلوی این چالش‌ها را بگیریم. ویژه‌خواری‌ها و رانت‌خواری‌های فوق‌العاده‌ای داریم. بعضی بررسی‌ها نشان می‌دهد که این‌ها ضربات مهلکی بر نظام اقتصادی و مالی ما می‌زنند. آیا ما تا به حال نشستیم و با عدد و رقم ببینیم چقدر صدمه به نظام اقتصادی ما می‌خورد؟ به نظر من جا دارد این کار را بکنیم. این یک مطلب.

مطلب دیگری در صحبت دوستان بود که فرمودند حالا که تحریم‌ها دارد برداشته می‌شود، این بد است؟ برداشته شده یا دارد برداشته می‌شود، اشتباه، یعنی عدم دقت از بنده است. یک کدام از این‌ها را دوستان گفت که برداشته شده یا دارد برداشته می‌شود. واقعاً این‌گونه است؟ برداشته شده؟ یا اگر گفته‌اند دارد برداشته می‌شود، واقعاً دارد برداشته می‌شود؟ این توافقنامه، بنشینیم دو مرتبه مرور کنیم، ببینیم آن‌چه خواندیم، ماده ۵ و ۶ و ۷، «جدید» و «مرتبط با هسته‌ای» و بند ۱ راجع به صادرات نفت و دسترسی به منابع مسدود شده‌مان، آیا الآن داریم دسترسی پیدا می‌کنیم؟ آیا دورنمای این را شما می‌بینید؟ آیا جایی پیش‌بینی شده، جایی گفته شده است؟

آقای دکتر بیخشید، دوستان این‌جا منتظرند. دو نفر دیگر هم هستند که می‌خواهند سؤال شفاهی بپرسند. بعد از این‌که این دو نفر سؤال مطرح کردند، ان شاء... جلسه تمام می‌شود. ۵-۶ برگه سؤال دیگر هم مانده که دیگر وقت نمی‌شود که طرح گردد. من از بقیه دوستانی که سؤالشان مطرح نشد، عذرخواهی می‌کنم.

سؤال دانشجوی سوم: بسم... الرحمن الرحیم، سلام عرض می‌کنم خدمت دکتر زیباکلام.

خسته نباشید می‌گویم، بین صحبت‌هایتان در پاسخ به سؤال یکی از دوستان که پرسیده بودند، نمی‌دانم سؤالشان چه بود، شما پاسخ را به پاورقی پایان

توافقنامه ارجاع دادید که نوشته بود: تا همه چیز مورد توافق قرار نگیرد، هیچ چیز توافق نشده است. در مقدمه هم دقیقاً این آمده و گفتید - آن طور که بنده برداشت کردم و اگر برداشت بنده ناقص یا غلط است حتماً متذکر شوید - بنده برداشت کردم که ما به نوعی می‌توانیم این توافقنامه - که در اصل توافقنامه هم نیست و برنامه اقدام مشترک است - را یک طرفه فسخ کنیم. ولی خوب، سؤالی برای من پیش آمد. ما مسئول راستی‌آزمایی در ارتباط با برنامه‌های هسته‌ای را آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دادیم و این در متن توافقنامه هم آمده است. ما دقیقاً سال ۸۲ در توافقنامه سعدآباد همین کار را کردیم، یعنی - آن طور که یادم هست و در ذهنم هست - آژانس مسئول راستی‌آزمایی شد و صورت و مراتب قانونی آن طی شد و ما تعلیق‌هایی که پذیرفته بودیم کنار گذاشتیم و به تعبیری زیر میز زدیم و آن‌ها قضیه ایران را به شورای امنیت سازمان ملل بردند و آن حوادث پس از آن به وجود آمد و آن قطع‌نامه‌هایی که بر علیه منافع ملی ایران تصویب شد. الان که ما دوباره آژانس را به عنوان مسئول راستی‌آزمایی مشخص کردیم، اگر بخواهیم یک طرفه فسخ قرار داد کنیم، دوباره همان مشکل سال ۸۲ به وجود نمی‌آید؟ سؤال من این است.

متشکرم. دوستان کمی دقت کنند. من عرض نکردم که ما - به تعبیر دوستان - بزنیم زیر میز یا مثلاً نقض توافق کنیم. این را نگفتم. خوب دقت کنید، عرض کردم که راه برای ما وجود دارد. این پاورقی زمینه را فراهم می‌کند - هم برای ما و هم برای آمریکائی‌ها و اروپائی‌ها، برای همه طرف‌ها - که چنانچه ما بر سر یک ماجرائی به توافق نرسیم، مطابق این اصل تمام توافقات گذشته‌مان رها می‌شود. نه این‌که ما بگوئیم توافقنامه را قبول نداریم. نخیر، فرق می‌کند. یک وقت است ما می‌گوئیم که ما این توافقنامه را قبول نداریم. بد است، فلان است، بهمان است، می‌خواهیم زیرش بزنیم! نه، ما این کار را نمی‌کنیم. ما در این مذاکرات که داریم درباره‌اش

صحبت می‌کنیم، می‌گوئیم این امکان وجود دارد که جاهائی جلوی زیاده‌خواهی‌های آمریکا بایستیم و بگوئیم: نه، ما این موارد را قبول نداریم. می‌گویند، نه آخر باید قبول کنید، ما می‌گوئیم نه این را قبول نمی‌کنیم. مذاکره می‌کنیم. آن‌ها می‌گویند خوب شما نیاز ندارید، ما می‌گوئیم نیازهای ما را شما باید تعیین کنید؟! هیچ! شما سر آن ماجرا به توافق نمی‌رسید. به هر حال پشت این می‌تواند فردو باشد، هر چیزی می‌تواند باشد. و من مطمئنم که اراک قطعاً یکی از ماجراهای حساس است که اگر ما اراده ملی لازم را داشته باشیم، سرش گیر خواهیم کرد. و آن‌جا جائی است که اساساً الغاء توافقتنامه رخ می‌دهد. نه این‌که ما زیرش بزیم. خوب دقت کنید. نه، شما زیرش نمی‌زنید؛ نباید بزیند. اگر از من بپرسید که باید زیرش بزیند یا خیر، می‌گویم: نه!

پس چه؟ هیچ! در مذاکرات دور بعدی که یکی دو هفته‌ای است شروع شده است، سر مواردی آمریکائی‌ها چیزهای فوق‌العاده زیادی از ما خواهند خواست. ما آن‌جا به توافق نمی‌رسیم. خوب، وقتی به توافق نرسیم، این بند به امداد شما می‌آید: هیچ چیزی توافق نشده است، مگر بر سر همه چیز توافق شود. خوب، بر سر یک چیز نمی‌توانیم توافق پیدا کنیم، لذا توافقتنامه ملغی می‌شود. نه این‌که شما اعلام کنید. دقت کنید این‌ها از لحاظ حقوقی خیلی فرق می‌کند. نه، ایران اعلام نمی‌کند ما قبول نداریم، این تبعات بسیار بدی برای ما دارد. در مذاکره سر چیزهائی به توافق نمی‌رسیم که پیش‌بینی هم شده است. بنابراین همه چیز روی هوا می‌رود! همه چیز دیگر بی‌اعتبار می‌شود. همه توافقاتی قبلی هم بی‌اعتبار می‌شود. «هیچ چیزی توافق نمی‌شود، مگر بر سر همه چیز» معنی‌اش همین است دیگر. بنابراین جای نگرانی ندارد. ضمناً، آن قدر که من اطلاع دارم، و اطلاع دقیق و واثق از منابع آمریکائی دارم، این‌ها در رابطه با ادامه این روند نگرانی‌هائی دارند. یکی از نگرانی‌های مهم‌شان این است که مبدا اگر روی خط تحریم ادامه می‌دادند، این اجماع قدرت‌های بزرگ را از دست می‌دادند. این را بارها کری در جاهای مختلف تکرار کرده است. خطاب به ما نه، خطاب به کمیته روابط خارجی کنگره، خطاب به خبرنگاران که این

طوری است، در مرکز سابان صحبت باز شده است. یعنی این بحث‌ها جدی است. آمریکائی‌ها فوق العاده از فروپاشی این اجماع نگران‌اند. چون فرانسوی‌ها زیر فشارند، آلمانی‌ها زیر فشارند. ما مدام این طرف را می‌بینیم، بعد می‌گوئیم که: پوف! دیگر چیزی نمانده که اقتصاد ایران با این وضعیت بپاشد! آقای وزیر می‌گوید، آقای وکیل می‌گوید، آقای رئیس جمهور هم می‌گوید. آن طرف را نگاه نمی‌کنیم که ردیف پشت سر هم راه افتاده‌اند و دارند می‌آیند، خودروسازان آلمانی و فرانسوی و صنایع آلمان و فرانسه دارند به دولتشان فشار می‌آورند. تازه این دو کشوری است که به لحاظ صنعتی و اقتصادی بالنسبه - به ویژه آلمان - کم مسئله دارند. ببینید چقدر فشار داخلی رویشان هست که صاحبان صنایع بزرگ آلمان و فرانسه - اعم از خودروسازان و غیرخودروسازان - پشت سر هم راه افتاده‌اند و آمده‌اند، که جیغ آمریکائی‌ها درآمد! ندیدید جیغ آمریکائی‌ها را؟ فریاد اعتراض‌شان در آمد: هی، چه خبر است؟ چه کار دارید می‌کنید؟! تحریم‌ها سر جایش هست! که اولاند، رئیس جمهور فرانسه، در واشنگتن گفت که بله، ما تعهدی نداریم، ما نخواستیم که این‌ها بروند، خودشان پا شدند و رفتند، و تحریم هم سر جایش هست.

ما می‌بینیم صاحبان صنعت خودروسازی فرانسه و سایر صنایع‌شان همین طور پشت سر هم چند صد نفره می‌خواهند به ایران بیایند. چرا؟ خیلی ساده، برای اینکه مشکل دارند، عقب بازار می‌گردند، بازار مصرف، چون صنایعشان مشکل پیدا کرده است، و ایضاً آلمانی‌ها. آلمانی‌ها با آن اقتصاد و صنعتی که کمابیش من و شما می‌توانیم همین طوری از روی ظواهر حدس بزنیم که نسبت به انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها چقدر توانمند هستند. ایتالیائی‌ها و اسپانیائی‌ها که وضعیتشان بسیار خراب است، آن‌ها که هیچ. آلمان دارد حرف اول را در اقتصاد و صنعت اروپا می‌زند. آن‌ها این طور دارند «ارجو ارجو» می‌کنند تا خودشان را به تهران برسانند و قرارداد امضاء نمایند و صادرات کنند. یعنی این طور نیست که آن‌ها وضعیتشان گلستان است و کاملاً راضی‌اند و مال ما فقط خراب و ویران است. اصلاً این طور

نیست. این طور نبینید، این قدر جهان غرب را با رنگ گل و بلبل نقاشی نکنید و بعد که به مال خودمان می‌رسد سیاه کنید! این طور نیست.

وضع ما هم مشکل دارد، باز من باید برای بار چندم که دیگر حالتان به هم بخورد تکرار کنم، مبادا بعضی از دوستان حمل بر این کنند - حالا سهواً البته - که فلانی می‌آید و می‌گوید که وضع اقتصادی ما گل و بلبل و عالی است و هیچ مشکلی نداریم! ابداً من این را نمی‌گویم. اما اگر بخواهیم واقعاً بگوئیم چقدر وضع اقتصادی خراب است، این چقدر را باید متر کنیم. با خطابه و مغالطه و متلک و شوخی و تمسخر و شعبده بازی‌های خطابی حل نمی‌شود. همان که چندین بار عرض کردم راه‌حل، بحث و گفتگوی کارشناسی است. عذر می‌خواهم.

مدیریت جلسه: ببخشید آقای دکتر، اگر اجازه بدهید آخرین سؤال هم مطرح بشود.

سؤال دانشجوی چهارم: بسم الله الرحمن الرحيم

من هم خدمتان آقای دکتر سلام عرض می‌کنم. چند مطلب هست که می‌خواهم طرح کنم. یکی این که آقای دکتر الهام در یک سخنرانی که داشتند چنین حرفی را زدند و گفتند - در یکی از ماده‌های قانون اساسی، فکر کنم بند ۷۷ را گفته بودند - که باید تمامی توافقنامه‌های بین‌المللی حتماً به تصویب مجلس برسد...

بله.

گویا شورای نگهبان در تفسیر این ماده گفته است که حتی اگر سخنرانی مسئولین هم باعث تعهد کشور شود، باید قبل از ایراد آن، متن سخنرانی باید توسط مجلس تصویب شود. یک سؤال دارم، یعنی الان من اگر بلند شوم و بروم آمریکا و مذاکره کنم و یک توافقنامه‌ای را حتی امضاء کنم که کشور ملزم به آن نمی‌شود؟ یعنی نهاد قانونی که بر اساس قانون اساسی آن کشور به وجود آمده این اختیار به آن نهاد داده که مثلاً می‌رود و مذاکره می‌کند. یعنی



آیا الآن طبق قانون اساسی ما این توافقنامه - اگر اسمش را توافقنامه بگذاریم - طبق قانون اساسی هیچ گونه الزامی برای کشور ما ندارد دیگر؟  
بفرمائید الزام حقوقی؛ کاملاً درست است، الزام حقوقی ندارد. کاملاً درست می‌گوئید، بله.

این یک سؤال دیگر هم این بود که الآن که ما در این وضعیت هستیم، الآن وضعیت طوری هست که یک اتفاق بدی - به زعم من - افتاده است، ولی این اتفاق آخر دنیا نیست. یعنی ما الآن آن توافق ۲۰ ساله را هنوز انجام نداده‌ایم. پس هنوز هم به نسبت اتفاق بدی نیافتاده است. الآن تا شرایط بدتر از این نشده است و برای این که بتوانیم شرایط را برگردانیم - نگویم برگردانیم، بگوییم خوب‌اش کنیم - چه کار باید بکنیم؟ نظر شما چیست؟

متشکر از شما. اولاً در رابطه با مطلبی که به نقل از استاد حقوقدان دانشگاه تهران آقای دکتر الهام کردید، همین طور است. بله، بنده هم بودم که ایشان چنین چیزی گفتند. با دو حقوقدان دیگر بررسی کردم و آن‌ها هم تأیید کردند. چون خودم حقوقدان نیستم، برایم خیلی جالب بود. ولی باز هم بحث و گفتگوی من کاملاً ارزیابی سیاسی ساده‌ماجر است. به لحاظ حقوقی خیلی جالب بود. بنابراین، کاملاً هم شورای نگهبان و هم مجلس می‌توانند در این ماجرا ورود کنند و جلوی کار را از همین ابتدا بگیرند. منتها به نظرم تبعاتی خواهد داشت. این کار با ورود هر بخشی از نهادهای نظام صورت بگیرد - چه مجلس، چه شورای نگهبان یا هر جای دیگر - تبعاتی دارد. به اعتقاد من می‌توانیم از این تبعات پرهیز کنیم. ما می‌توانیم از این موهبت که غربی‌ها برای ما تدارک کرده‌اند استفاده کنیم.

همان طور که مقایسه کردیم، یک بند از اقدامات ما با کل مجموعه بندهای طرف مقابل اصلاً قابل مقایسه نیست! به نظر من در این ماجرا، همان طور که بعضی از دوستان توضیح دادند، می‌توانیم در حین مذاکرات بر سر مسائلی که توافق نرسیم و این بدان معناست که همه توافق‌های دیگر هم روی هوا می‌رود؛ تمام شد! یعنی الغاء

این توافقنامه خود به خود صورت می‌گیرد. نیازی نیست که ما بگوئیم توافقنامه را قبول نداریم. ما توافقنامه را قبول داریم، ولی سر این ماجرا به توافق نمی‌رسیم. و چون حالا ما روی همه چیز توافق نداریم، آن مقدار هم که توافق داریم هم بی‌اعتبار و منتهی می‌شود.

درباره سؤال اول شما که خوب سؤال متین و واقعاً مهمی هم هست که ما به لحاظ حقوقی و قانونی چه راه‌هائی داریم، به نظر من این راه را داریم که توضیح داده شد. و من ابدأ صلاح نمی‌دانم که آن اعمال قدرت‌های شورای نگهبان و مجلس را، اصلاً صلاح نمی‌دانم. گو این که مجلس ما اصلاً آن همت و توان را هم به نظر نمی‌رسد که داشته باشد. اصلاً هیچ، مرده، همین طور خوابیده که ببیند هیئت رئیسه چه می‌گوید که شاید تکانی به خودش بدهد. ما خیلی انتخابات بدی کردیم، با آراء انتخاباتی مان مجلس بدی به بار آوردیم. مشکلاتمان در آن جا بماند، فرض کنیم با یک چوبی، با یک هردودی، با یک شیونی، آقایان خودشان را تکان بدهند. به نظر من، ما آن جا اشتباه می‌کنیم اگر برخورد کنیم. راه‌های متین‌تر حقوقی در اختیارمان هست.

اما سؤال دومتان سؤال بسیار متفاوت و در عین حال بسیار مهم. ما چه کار می‌توانیم بکنیم؟ این «ما»، خیلی مهم است که اول ما را بگوئیم کیست. اگر ما عبارت باشد از دانشگاهیان و حوزویان، قشر فرهیخته جامعه، من توصیه اولم آگاهی‌بخشی است. بگوئیم این توافقنامه چه کار دارد می‌کند، و این سیاست خارجی کجا دارد می‌رود؛ این را بیان کنیم. به اعتقاد من موج آگاهی‌بخشی، این سیاست خارجی را جمع خواهد کرد. چند تا از سؤالات دوستان که آمدند این جا و ابتدا سؤال پرسیدند، بخشی از سؤالات ایشان را جواب ندادم، سؤال مهمی هم بود. ما مشکلاتمان محدود به هسته‌ای نیست! عزیزان! در حوزه کشاورزی و وضع‌مان چگونه است، در حوزه فرهنگ اشاره کردند، ماجرای فیس بوک و ... را گفتند. خیلی توجه خوبی است، واقعاً این توجه مایه خوشحالی است. مجموعه دولت، دارد حرکات

عجیبی می‌کند، و این نگرانی که ایشان مطرح می‌کنند، بسیار بسیار به‌جاست. شما از خودتان سؤال نمی‌کنید که وزیر ارشاد بالاخره سیاست‌هایی دارد و در مجموع باید برنامه‌هایش روشن باشد، چون در مجلس برنامه اعلان کرده است تا رأی اعتماد گرفته است؟ و به هر حال برنامه‌هایی دارد، حتی اگر همه آن برنامه‌ها را در مجلس ارائه نکرده باشد.

چگونه است که وزیر ارشاد به مجرد این‌که رأی اعتماد می‌گیرد، با اولین ماشین به سوی قم راهی شده و دست‌بوسی آقایان شروع می‌شود؟ و بعد هم فیلم و زینک و ... تهیه کنیم که این‌ها مشغول کسب رهنمود است! واقعاً این است؟ بعد سؤال می‌شود راجع به بررسی و ارزیابی کتب و نشریات، حضرت آیت ... ما چه کار باید بکنیم؟ این است واقعاً؟ این واقعاً سؤال آقای وزیر است؟ این‌جا صادقانه سؤال می‌شود؟ یا یک برنامه دیگری است؟ این برنامه که نشان داده شود من با این حضرت آیت ... شب‌ها پالوده می‌خورم، با آن دیگری ... ما ناهار می‌خوریم، آن دیگری را هم که ما چاکریم و نوکریم. این است قصه؟ واقعاً فکر کنیم. واقعاً وزارت ارشاد همین است که دارد نشان داده می‌شود؟ کسب رهنمود می‌کنند؟ قصه این است؟ قصه، ماجرای دیگری است.

ما فقط در سیاست خارجی مشکلات عظیم نداریم. در سیاست‌های فرهنگی‌مان هم مشکلات عظیم پیدا خواهیم کرد، قطعاً. و در مسائل صنعتی‌مان همین‌طور، در عرصه صنعتی‌مان با مصائب فوق‌العاده‌ای مواجه خواهیم شد. پیش‌بینی بنده این است که صنعت ما از این وضعی که فعلاً دارد بسیار بسیار بدتر خواهد شد، و در عوض چه تقویت خواهد شد؟ تجارت، بازرگانی. این فوق‌العاده تقویت خواهد شد. متشکرم، بیش از این اطالۀ کلام نمی‌دهم.

مدیریت جلسه: خیلی ممنون. از آقای دکتر زیباکلام تشکر می‌کنم که وقت گذاشتند، در مجموع به نظرم من جلسه خوبی بود. از همه دوستانی که در این سه ساعت و نیم در این بحث شرکت کردند، تشکر می‌کنم.

## ضمیمہ ۱: متن انگلیسی توافق ژنو

Geneva, 24 November 2013

### **Joint Plan of Action**

#### **Preamble**

The goal for these negotiations is to reach a mutually-agreed long-term comprehensive solution that would ensure Iran's nuclear program will be exclusively peaceful. Iran reaffirms that under no circumstances will Iran ever seek or develop any nuclear weapons. This comprehensive solution would build on these initial measures and result in a final step for a period to be agreed upon and the resolution of concerns. This comprehensive solution would enable Iran to fully enjoy its right to nuclear energy for peaceful purposes under the relevant articles of the NPT in conformity with its obligations therein. This comprehensive solution would involve a mutually defined enrichment program with practical limits and transparency measures to ensure the peaceful nature of the program. This comprehensive solution would constitute an integrated whole where nothing is agreed until everything is agreed. This comprehensive solution would involve a reciprocal, step-by step process, and would produce the comprehensive lifting of all UN Security Council sanctions, as well as multilateral and national sanctions related to Iran's nuclear program.

There would be additional steps in between the initial measures and the final step, including, among other things, addressing the UN Security Council resolutions, with a view toward bringing to a satisfactory conclusion the UN Security Council's consideration of this matter. The E3+3 and Iran will be responsible for conclusion and implementation of mutual near-term measures and the comprehensive solution in good faith. A Joint Commission of E3/EU+3 and Iran will be established to monitor the implementation of the

near-term measures and address issues that may arise, with the IAEA responsible for verification of nuclear-related measures. The Joint Commission will work with the IAEA to facilitate resolution of past and present issues of concern.

### Elements of a first step

The first step would be time-bound, with a duration of 6 months, and renewable by mutual consent, during which all parties will work to maintain a constructive atmosphere for negotiations in good faith.

Iran would undertake the following voluntary measures:

- From the existing uranium enriched to 20%, retain half as working stock of 20% oxide for fabrication of fuel for the TRR. Dilute the remaining 20% UF<sub>6</sub> to no more than 5%. No reconversion line.
- Iran announces that it will not enrich uranium over 5% for the duration of the 6 months.
- Iran announces that it will not make any further advances of its activities at the Natanz Fuel Enrichment Plant<sup>1</sup>, Fordow<sup>2</sup>, or the Arak reactor<sup>3</sup>, designated by the IAEA as IR-40.
- Beginning when the line for conversion of UF<sub>6</sub> enriched up to 5% to UO<sub>2</sub> is ready, Iran has decided to convert to oxide UF<sub>6</sub> newly enriched up to 5% during the 6 month period, as provided in the operational schedule of the conversion plant declared to the IAEA.
- No new locations for the enrichment.
- Iran will continue its safeguarded R&D practices, including its current enrichment R&D practices, which are not designed for accumulation of the enriched uranium.
- No reprocessing or construction of a facility capable of reprocessing.
- Enhanced monitoring:
  - Provision of specified information to the IAEA,

including information on Iran's plans for nuclear facilities, a description of each building on each nuclear site, a description of the scale of operations for each location engaged in specified nuclear activities, information on uranium mines and mills, and information on source material. This information would be provided within three months of the adoption of these measures.

- Submission of an updated DIQ for the reactor at Arak, designated by the IAEA as the IR-40, to the IAEA.
- Steps to agree with the IAEA on conclusion of the Safeguards Approach for the reactor at Arak, designated by the IAEA as the IR-40.
- Daily IAEA inspector access when inspectors are not present for the purpose of Design Information Verification, Interim Inventory Verification, Physical Inventory Verification, and unannounced inspections, for the purpose of access to offline surveillance records, at Fordow and Natanz.
- IAEA inspector managed access to:
  - centrifuge assembly workshops<sup>4</sup>;
  - centrifuge rotor production workshops and storage facilities; and,
  - uranium mines and mills.

In return, the E3/EU+3 would undertake the following voluntary measures:

- Pause efforts to further reduce Iran's crude oil sales, enabling Iran's current customers to purchase their current average amounts of crude oil. Enable the repatriation of an agreed amount of revenue held abroad. For such oil sales, suspend the EU and U.S. sanctions on associated insurance and transportation services.
- Suspend U.S. and EU sanctions on:

- Iran's petrochemical exports, as well as sanctions on associated services.<sup>5</sup>
  - Gold and precious metals, as well as sanctions on associated services.
- Suspend U.S. sanctions on Iran's auto industry, as well as sanctions on associated services.
- License the supply and installation in Iran of spare parts for safety of flight for Iranian civil aviation and associated services. License safety related inspections and repairs in Iran as well as associated services.<sup>6</sup>
- No new nuclear-related UN Security Council sanctions.
- No new EU nuclear-related sanctions.
- The U.S. Administration, acting consistent with the respective roles of the President and the Congress, will refrain from imposing new nuclear-related sanctions.
- Establish a financial channel to facilitate humanitarian trade for Iran's domestic needs using Iranian oil revenues held abroad. Humanitarian trade would be defined as transactions involving food and agricultural products, medicine, medical devices, and medical expenses incurred abroad. This channel would involve specified foreign banks and non-designated Iranian banks to be defined when establishing the channel.
- This channel could also enable:
  - transactions required to pay Iran's UN obligations; and,
  - direct tuition payments to universities and colleges for Iranian students studying abroad, up to an agreed amount for the six month period.
- Increase the EU authorisation thresholds for transactions for non-sanctioned trade to an agreed amount.

### **Elements of the final step of a comprehensive solution**

The final step of a comprehensive solution, which the parties aim to

conclude negotiating and commence implementing no more than one year after the adoption of this document, would:

- Have a specified long-term duration to be agreed upon.
- Reflect the rights and obligations of parties to the NPT and IAEA Safeguards Agreements.
- Comprehensively lift UN Security Council, multilateral and national nuclear-related sanctions, including steps on access in areas of trade, technology, finance, and energy, on a schedule to be agreed upon.
- Involve a mutually defined enrichment program with mutually agreed parameters consistent with practical needs, with agreed limits on scope and level of enrichment activities, capacity, where it is carried out, and stocks of enriched uranium, for a period to be agreed upon.
- Fully resolve concerns related to the reactor at Arak, designated by the IAEA as the IR-40. No reprocessing or construction of a facility capable of reprocessing.
- Fully implement the agreed transparency measures and enhanced monitoring. Ratify and implement the Additional Protocol, consistent with the respective roles of the President and the Majlis (Iranian parliament).
- Include international civil nuclear cooperation, including among others, on acquiring modern light water power and research reactors and associated equipment, and the supply of modern nuclear fuel as well as agreed R&D practices.

Following successful implementation of the final step of the comprehensive solution for its full duration, the Iranian nuclear program will be treated in the same manner as that of any non-nuclear weapon state party to the NPT.

## Footnotes

(1) Namely, during the 6 months, Iran will not feed UF<sub>6</sub> into the



centrifuges installed but not enriching uranium. Not install additional centrifuges. Iran announces that during the first 6 months, it will replace existing centrifuges with centrifuges of the same type.

(2) At Fordow, no further enrichment over 5% at 4 cascades now enriching uranium, and not increase enrichment capacity. Not feed UF<sub>6</sub> into the other 12 cascades, which would remain in a non-operative state. No interconnections between cascades. Iran announces that during the first 6 months, it will replace existing centrifuges with centrifuges of the same type.

(3) Iran announces on concerns related to the construction of the reactor at Arak that for 6 months it will not commission the reactor or transfer fuel or heavy water to the reactor site and will not test additional fuel or produce more fuel for the reactor or install remaining components.

(4) Consistent with its plans, Iran's centrifuge production during the 6 months will be dedicated to replace damaged machines.

(5) 'Sanctions on associated services' means any service, such as insurance, transportation, or financial, subject to the underlying U.S. or EU sanctions applicable, insofar as each service is related to the underlying sanction and required to facilitate the desired transactions. These services could involve any non-designated Iranian entities.

(6) Sanctions relief could involve any non-designated Iranian airlines as well as Iran Air.

- With respect to the final step and any steps in between, the standard principle that "nothing is agreed until everything is agreed" applies.

بزرگترین وابستگی ملت های مستضعف به ابرقدرت ها و مستکبرین...  
وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگی ها از آن سرچشمه می گیرد.  
شما استادان و فرهنگیان و دانشجویان دانشگاهها و دانشسراها ... باید کوشش کنید  
و مغزها را از این وابستگی فکری شستشو دهید. و با این خدمت بزرگ و ارزنده  
ملت و کشور خود را نجات دهید.

دانشگاه را باید شما رو به خدا ببرید، رو به معنویت ببرید،  
همه درس ها هم برای خدا خوانده بشود.  
اگر این کار را توانستید بکنید در کارتان موفقید؛  
چه برسید به مقصدتان، چه نرسید به مقصدتان.

«صحیفه امام خمینی (ره) ج ۱۹، ص ۴۴۸»

